

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین .
علیهما السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.
لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام
گردیده است

پل صراط

نویسنده: علیرضا زکی زاده رنانی.

تقدیم به:

پیشگامان راه روشن اهل بیت علیهم السلام

غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی بینم بقایی
مگر صاحب‌دلی روزی ز رحمت کند در حق درویشان دعایی

مقدمه (طرح تحقیق):

یکی از ارکان مهم مذهب اسلام، اعتقاد به «معاد» و جهان آخرت می باشد که از نظر اهمیت، بعد از مسأله توحید مهمترین مسأله دینی و اسلامی است.

مسأله معاد چیزی است که برای یک مسلمان، ایمان و اعتقاد به آن لازم می باشد، چرا که از ضروریات ⁽¹⁾ دین اسلام است، همان گونه که اعتقاد و ایمان به پیامبر لازم و ضروری است، اعتقاد به ایمان به «معاد» و جهان آخرت نیز لازم و ضروری است.

براساس روایات اسلامی، یکی از مسائل مهم «معاد» [و جهان آخرت]، بیان مسأله «صراط» می باشد، که به فرموده احادیث اهل بیت علیهم السلام، آن در دنیا [صراط در دنیا]، راهی است .

1- در تعریف ضروری دین، در کتب علمای اسلام چنین آمده است: «یعنی آنچه که قرآن کریم بر آن صراحت دارد و همه اهل دین آن را جزء دین می دانند و اختلافی در آن نیز نداشته باشند. (ر.ک: خرازی، سیدمحسن، بدایه المعارف الالهیه، ج 1، ص 277).

که از افراط و تفریط به دور است و راه میانه است و به سوی باطل کمترین انحرافی ندارد و صراط در آخرین، پُلی است که بر روی جهنم زده می شود و همه انسان ها باید از آن عبور نمایند.

موضوع تحقیق:

«صراط»، (براساس آنچه از روایات معصومین علیهم السلام آمده است) پُلی است که در روز قیامت بر روی جهنم قرار داده می شود و همه انسان ها از آن باید عبور نمایند.

ما بر آنیم که در این نوشتار، شرح و بررسی ای جامع از صراط را بیان نموده و عوامل پایداری بر آن را در آخرت بازگو نماییم و به پرسش هایی چند پیرامون آن پاسخ گوییم.

پرسش های تحقیق:

1 - حقیقت صراط چیست؟

2 - فلسفه عبور از صراط چیست؟

3 - اتفاقاتی که در صراط افتد؟

4 - چه عواملی باعث لغزش قدم ها در صراط است؟

5 - اسبابی که باعث پایداری بر صراط می باشد، کدامند؟

6 - اگر جهان آخرت آینه ای از اعمال انسان ها در این دنیا است، چه رابطه ای بین صراط و اعمال این جهان وجود دارد؟

اهداف تحقیق:

الف: بیان مواردی از آیات قرآن و روایاتی که در زمینه «صراط» وارد شده است.

ب: تصویر سازی کلی مطالب صراط و مسائل مربوط به آن.

ج: پاسخ به پرسش هایی پیرامون صراط.

انگیزه تحقیق:

نگارنده به قصد خدمت به قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام این نوشتار را به رشته تحریر درمی آورد.

امید است مورد قبول خداوند متعال و ائمه معصومین علیهم السلام قرار گیرد.

پیشینه تحقیق:

بحث از «صراط» و مطالب آن سابقه ای طولانی دارد، ولیکن کتابی مستقل درباره مسائل آن نگاشته نشده است، و مطالب آن در بین مطالب کتب تفسیری و روایی وجود دارد.

نگارنده، کتابی که در مورد این موضوع باشد را نیافتم.

ضرورت تحقیق:

نبودن کتابی مستقل و جامع در زمینه صراط، موضوع فوق را روشن می سازد. بویژه آنکه بیشتر افراد جامعه از این مطالب استفاده کرده، و آنها را نقل می نمایند.

پیش فرض های تحقیق:

1 - در قرآن کریم که مطالب آن قطعی و تحریف نشده است، بحث از قیامت و مسائل آن فراوان شده است. مطالب آن، که اشاره به صراط شده، استخراج و فصل بندی می شود.

2 - روایات ائمه معصومین علیهم السلام نیز در بر گیرنده مسائل بسیاری از صراط می باشد.

روش تحقیق:

روش زمینه ای و موردی: در این روش پژوهش گسترده ای از موقعیت فعلی و قبلی درباره صراط انجام شد و مطالب آن نیز مورد ارزیابی قرار گرفت.

این نوشتار بیان می کند که چه هست و چه خواهد بود، و لذا در این نوشتار تصویر کاملی از صراط ارائه می شود.

روش جمع آوری اطلاعات: این تحقیق بیشتر به صورت استفاده از کتابخانه ها و سی دی های تحقیقاتی می باشد. که عمدتاً مطالب از کتابخانه ها می باشد، ولی برای تخریج مصادر از سی دی های تحقیقی کمک گرفته شده است.

محدودیت های تحقیق:

الف: پراکندگی مطالب صراط و مسائل مربوط به آن در تفاسیر و کتب روایی بزرگ و مفصل، که دسترسی به همه آنها دشوار بود. نگارنده با تحقیق تمام و کوشش فراوان این محدودیت را جبران نموده اسیت.

ب: مطالب مربوط به صراط را به کتب تفاسیر و روایی محدود کنیم، در حالی که در کتب اخلاقی، مطالب زیبایی نیز بیان شده است.

والحمد لله ربّ العالمین

علیرضا زکی زاده رنانی

قم مقدسه - زمستان 1386

فصل اول: کلیّاتی پیرامون صراط

مفهوم صراط

در قرآن کریم سه کلمه «صراط»، «طریق» و «سبیل» معنایی نزدیک به هم دارند، که معمولاً هر سه به معنی «راه» ترجمه می شود.

با توجّه به عظمت واژه های مهمّ قرآن کریم و حقیقت بیان و بکارگیری این مفاهیم، فرقی اساسی بین این سه مفهوم (و واژه) وجود دارد.

صراط: راغب اصفهانی (متوفای 502 قمری) در مفردات خود در مورد «صراط» گوید: ⁽¹⁾

«صراط» به معنی راه روشن است. زیرا از مادّه (س ر ط) گرفته شده که به معنی بلعیدن است و گویا راه روشن، رهرو خود را بلعیده که دیگر نمی تواند به این سو و آن سو منحرف شود».

1- مفردات غریب القرآن، ص 230، مادّه (س ر ط). و نیز رک: ابن منظور، لسان العرب، ج 7، ص 13؛ طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج 1، ص 31، حکیم، سیدمحمدباقر، تفسیر سوره حمد، ص 219.

با توجه به این معنا، می توان چنین گفت که «صراط» به معنی بزرگراه (شاهراه) می باشد. یعنی راه اصلی، که هم عبور از آن آسان است و هم راه اصلی می باشد. مانند جاده قم تهران که یک راه اصلی (راه آسفالت شده و خط کشی شده و....) وجود دارد و در مقابل راههای فرعی (خاکی) و ناهموار زیادی در آن نیز وجود دارد.

کلمه «صراط»، چهل و پنج بار در آیات مختلف قرآن تکرار شده ⁽¹⁾ و در تمام موارد آن، به صورت مفرد آمده است. طریق: راهی که بوسیله پا پیموده و طی می شود. این واژه، در هر روشی که انسان در کاری خوب یا ناپسند در پیش می گیرد، نیز استعاره شده است. مانند آیه 64 سوره طه که خداوند متعال می فرماید: (وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلٰی) آئین و روش نیکوی شما را از بین می برند.

سبیل: راهی است نرم و سهل گذر که هموار می باشد، جمع آن «سُبُل» نام دارد. به راههای سخت و صعب العبور، «طریق» اطلاق می شود ⁽²⁾.

1- آیات: فاتحه: 7، 6/بقره: 142، 213/آل عمران: 101، 51/مائده: 16، نساء: 68، 175/انعام: 39، 161، 153، 126، 87/اعراف: 16/86/یونس: 25/هود: 56/ابراهیم: 1/حجر: 41/نحل: 121، 76/مریم: 43، 36/طه: 135/حج: 54، 24/مؤمنون: 74، 73/نور: 46/سبا: 6/یس: 66، 61، 4/صافات: 118، 23/ص: 22/شوری: 53، 52/زخرف: 64، 61، 41/فتح: 2/20/ملک: 22.

2- فالطریق: مأخوذ من الطريق علی الارض فی عملیه السیر، فهو السبیل الذی یطرق بالارجل، أی یضرب.... و عنه استعیر کل مسلک یسلکه الإنسان فی فعل محموداً کان أو مذموماً، (رک: مفردات غریب القرآن، ص 312، واژه طرق).

در قرآن کریم «سبیل» به صورت جمع آمده ⁽¹⁾ و «صراط» به صورت مفرد، و این می تواند اشاره به این نکته باشد که همه راههای فرعی و سبیل ها منتهی به صراط (بزرگراه) می شود، همچنان که به اختلاف احوال رهروان، راه عبادت و بندگی مختلف است، ولی همه آن به عبادت منتهی می شود.

به فرموده علامه طباطبایی در تفسیر المیزان: «مَثَل صراط مستقیم نسبت به سبیل های خدا، مَثَل روح است به بدن که یک انسان در زندگیش، اطوار مختلفی دارد و در هر یک از احوال و اطوار (مانند طفولیت، بلوغ، جوانی، کهولت و پیری) غیر آن انسان در طور و حال دیگر است. ولی در عین حال، روح همان روح است.» ⁽²⁾

معنای صراط

اشاره

آنچه در مورد «صراط» در بالا بیان شد، گزارشی از معنای صراط در حوزه لغت و قرآن کریم بود.

با توجه به اینکه جهان آخرت تابع و آیینه ای از این دنیا می باشد، لذا ارتباطی تنگاتنگ بین اعمال و رفتار این جهان و مسیری که انسان در این دنیا انتخاب و طی می کند، با آن سرای وجود دارد. در حقیقت می توان این گونه بیان کرد که .

1- مانند آیه 69 سوره عنکبوت: «والذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا».

2- نک: تفسیر المیزان، ج 1، ص 30.

صراط و راه سختی که در آن وجود دارد، تابع راهی است که انسان ها در این دنیا سپری می کنند.

با توجه به این معنا می توان بسیاری از احادیث در مورد صراط را تبیین و شرح کرد، که از موباریک تر و از شمشیر برنده تر است، چرا که وقتی در اعمال و رفتار خود باریک و دقیق شویم، راهی که طی کرده ایم را بهتر می یابیم، و کاستی های اعمال و رفتار خود را در آن پیدا می کنیم.

در این مبحث، نگاهی دیگر به صراط می اندازیم، ولی با زاویه دید دیگر با کمک روایات اهل بیت معصومین علیهم السلام و در مورد معنای صراط مطالبی دیگر را بیان می نمایم.

بیشترین بحثی که در مورد صراط در روایات و کتب تفسیری بیان شده است، در ذیل آیه 6 سوره حمد می باشد.

در این آیه می خوانیم:

(إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.)

(پروردگارا!) ما را به راه راست و صراط مستقیم رهنمون باش.»

منظور از این «صراط مستقیم» چیست؟

مصادیق مختلفی درباره صراط مستقیم در قرآن و روایات آمده که در حقیقت، همه آنها به یک مقصود منتهی می شود که عبارتست از همان خط عبادت و آئین توحید و دین اسلام.

مصادیق صراط مستقیم

در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام و کتاب معانی الأخبار شیخ صدوق رحمته الله نقل شده که: یعنی ما را هدایت و

رهبری نما به راهی که به محبت تو منجر شود و به بهشت می رساند و مانع این می شود که ما از هواهای نفسانی پیروی کنیم و خود را نابود کنیم و یا اینکه آراء و نظریات خود را ملاک قرار داده و خود را به هلاکت بيفکنیم⁽¹⁾

در بعضی از اخبار آمده که صراط مستقیم عبارت از راهی است که به معرفت خدا می رسد.⁽²⁾

و در روایتی دیگر گفته شده که صراط دو صراط است یک صراط در دنیا و یک صراط در آخرت، اما صراط دنیا عبارت از امام مفترض الطاعه و پیشوائی است که اطاعت او واجب است، پس آن کس که در این دنیا او را شناخت و به هدایت او راه یافت و از او پیروی نمود از صراطی هم که در آخرت است و آن همان پلی است که بر روی دوزخ کشیده شده خواهد گذشت و آن کس که در این دنیا او را شناخت بر آن صراط قدمش خواهد لغزید و در آتش دوزخ خواهد افتاد.⁽³⁾

-
- 1- رواية امام صادق عليه السلام : «ارشدنا الى الطريق المستقيم أى ارشدنا للزوم الطريق المؤدى الى محبتك و المبلغ دينك و المانع من ان نتبع اهوائنا فنعطب أو نأخذ بارائنا فنهلك». (رك: تفسير منسوب به امام حسن عسكرى عليه السلام ، ص44، ح20؛ معانى الأخبار، ص33، ذح4).
- 2- رواية امام صادق عليه السلام : «هو الطريق إلى معرفه الله عزوجل». (رك: معانى الأخبار، ص32، باب معنى صراط).
- 3- رواية امام صادق عليه السلام : «هما صراطان: صراط فى الدنيا، و صراط فى الاخره. و أما الصراط الذى فى الدنيا فهو الامام المفترض الطاعه، من عرفه فى الدنيا و اقتدى بهداه مر على الصراط الذى هو جسر جهنم فى الاخره، و من لم يعرفه فى الدنيا زلت قدمه عن الصراط فى الاخره فتتردى فى نار جهنم». (رك: همان).

و نیز گفته شده که صراط مستقیم دو گونه است: صراط دنیا و صراط آخرت. صراط مستقیم دنیا، راهی است که از افراط و تفریط به دور است، راه میانه است و به سوی باطل کمترین انحرافی ندارد و صراط آخرت، همان راه مؤمنان به سوی بهشت است که راهی است مستقیم.⁽¹⁾

و باز در روایات آمده که مراد از صراط مستقیم امیر المؤمنین علیه السلام است.⁽²⁾

امام علی علیه السلام در خطبه خود، در سالی که عید غدیر مصادف با روز جمعه بود، فرمود:

اندرون ما سبیل الله و من سبيله و ما صراط الله و من طریقہ، انا صراط الله الذی من لم یسلکہ بالطّاعه لله هوی به الی النار، و انا سبيله الذی نصبنی الله .

1- روایت امام حسن عسکری علیه السلام : «والصراط المستقیم هو صراطان: صراط فی الدنیا، و صراط فی الآخرة: و أما الصراط المستقیم فی الدنیا فهو ما قصر عن الغلو، و ارتفع عن التقصیر، و استقام فلم یعدل إلى شیء من الباطل، و أما الطريق الآخر فهو طریق المؤمنین إلى الجنة الذی هو مستقیم لا یعدلون عن الجنة إلى النار و لا إلى غیر النار سوی الجنة». (ر.ک: همان و بحار، ج 24، ص 9، ج 1).

2- روایت امام صادق علیه السلام : «الصراط المستقیم امیر المؤمنین علی علیه السلام . (ر.ک: معانی الأخبار، ح 2). و نیز روایت خود حضرت علیه السلام که فرمود: «أنا الصراط المستقیم، و عروته الوثقی التي لا انفصام لها؛ صراط مستقیم خدا و دستگیره محکم و ناگسستی او، من هستم». (ر.ک: بحار، ج 8، ص 80، ح 19).

للاتّباع، بعد نبيّه ﷺ ، و انا قسيم الجنّه، و النّار، و انا حجه الله على الفجّار،
و الابرار، فانتبهوا من رقدته الغفله، و بادروا العمل قبل حلول الاجل، و سابقوا الى
مغفره من ربّكم، قبل ان يضرب بالسّور بباطن الرّحمه و ظاهر العذاب. (1) - (2)

1- قال مؤلّف: «الأنوار الساطعه» بعد ذكر هذه الروايه: «إذا علمت هذا فأذا كان الدين حسب ما
نطقت به الأخبار الكثيره صراطا، و كان الدين تلك الأمور المذكوره فى الحديث السابق ذكره، و
كانوا عليهم السلام بذواتهم المقدسه تلك الأمور، فلا محاله كانت حقيقه الصراط و صورته الخارجيه فى
الدنيا و الآخره صراطا حقيقياً، و كان ظاهر الدين صراطا شرعياً، فمن عرفهم عليهم السلام و اقتدى
بهداهم نجا، لأن معرفتهم هكذا و الاقتداء بهم هو الدين الحقيقى، كيف لا و قد علمت أنه لا يعرف
الدين بجميع مراتبه من العلم به، و المعرفه و الوجدان به، إلا بهم فإنهم عليهم السلام بينوه علماً و أظهروه
معرفه و تمثّلوه وجداناً خارجياً. ففى الحقيقه صورته الدين أيضاً هم عليهم السلام إذا لم يعرف الظاهر منه
إلاّ منهم، كما أن حقيقه الدين أيضاً هم، فيحينئذ فهم بقول مطلق الدين، و هم بقول مطلق الصراط فى
الدنيا و الآخره و فى الظاهر فيهما و فى الحقيقه فالإمام عليه السلام حينئذ هو الصراط صورته و حقيقته،
و معرفته صراط للعارف بهم، إذا علمت أن الإمام و الدين متحدلان مصداقاً و إن اختلفا مفهوماً،
فمعرفه الإمام هو معرفه الدين، و معرفه الدين و الامام هو الصراط، و العمل به سلوك هذا الصراط،
و ليس العمل حينئذ إلا الاقتداء بهم، و الاستئناس بسنتهم و الأخذ بطريقتهم فى كل مقام لهم. و هذا
الاقتداء هو عين التمسك بالدين و العمل به، و إذا كل شأن من شئونهم داخل فى الدين، و ليس
للدن شأن خارج عن شئونهم عليهم السلام ، فهم عليهم السلام أرباب الدين و حقيقه الدين و الصراط المستقيم
بقول مطلق، رزقنا الله متابعتهم و الاقتداء بهم، و الكون معهم فى الدنيا و الآخره بمحمد و آله
الطاهرين». (الانوار الساطعه، ج 3، ص 87).

2- ر.ك: مصباح المجتهد، ص 756؛ إقبال الاعمال، ج 2، ص 258؛ تفسير صافى، ج 5، ص 168؛
بحار، ج 94، ص 117؛ مسند الامام الرضا عليه السلام ، ج 2، ص 21، ح 28.

«آیا می دانید راه خدا چیست و به راه خدا چه کسی است؟ آیا می دانید راه خدا کدام است و به آن راه که می رود؟ منم راه خدا، آن راهی که هر کس از آن نرود در آتش دوزخ به سر رود، و منم آن راهی که خداوند مقرر فرموده برای پیروی نمودن از آن بعد از پیغمبر ﷺ، منم قسمت کننده بهشت و دوزخ، منم حجت خدا بر نیکان و بدان؛ پس از خواب غفلت بیدار شوید و پیش از رسیدن مرگ به کردار نیک سبقت جوئید و پیشی گیرید به آمرزش پروردگار خود قبل از آنکه دیواری بین شما زده شود که باطنش رحمت خدا و ظاهرش عذاب خدا باشد».

شیخ صدوق رحمته الله نیز به استناد خود از جابر روایت کرده که گوید: از حضرت باقر علیه السلام راجع به این آیه پرسیدم: **(وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ)**: «اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید» فرمود:

فَقَالَ عليه السلام: أَتَدْرِي مَا سَبِيلُ اللَّهِ؟ قَالَ: قُلْتُ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْكَ. قَالَ: سَبِيلُ اللَّهِ هُوَ عَلِيُّ عليه السلام وَ ذُرِّيَّتُهُ عليهم السلام وَ سَبِيلُ اللَّهِ مَنْ قُتِلَ فِي وَلَايَتِهِ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَنْ مَاتَ فِي وَلَايَتِهِ مَاتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. ⁽¹⁾

فرمود: «می دانی راه خدا چیست؟ گفتم: نه به خدا، مگر از شما بشنوم. فرمود: راه علی علیه السلام و فرزندان او علیهم السلام است؛ هر که در راه ولایت او کشته شود در راه خدا کشته شده و هر که در ولایت علی علیه السلام بمیرد در راه خدا مرده است».

در روایتی دیگر گفته شده مراد از صراط مستقیم، معرفت امام است⁽²⁾، و در روایت دیگر آمده که آن راه امامان معصوم علیهم السلام است که فرمودند: ما صراط مستقیم هستیم.⁽³⁾

همچنین روایت شده که مراد امیرالمؤمنین علیه السلام و معرفت آن حضرت است و دلیل بر این که مراد امیرالمؤمنین علیه السلام است قول خدای متعال است که می فرماید: (وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ) ⁽⁴⁾ که آن امیرالمؤمنین علیه السلام است که در سوره فاتحه الکتاب که اُمّ الکتاب است از او به صراط مستقیم یاد شده است.⁽⁵⁾

و نیز روایت شده که آن راه انبیاء علیهم السلام است.⁽⁶⁾

-
- 1- رک: تفسیر عیاشی، ج 1، ص 202، ح 162، معانی الاخبار، ص 167، ح 1؛ مختصر بصائر الدرجات، ص 25؛ بحار، ج 24، ص 12، ح 6.
 - 2- تفسیر صافی، ج 1، ص 86.
 - 3- روایت امام زین العابدین علیه السلام: «نحن الصراط المستقیم و نحن عیبه علمه»، (رک: معانی الاخبار، ص 35، ح 5). و نیز روایت امام صادق علیه السلام: «نحن الصراط المستقیم»، (تفسیر نور الثقلین، ج 1، ص 21، ح 89).
 - 4- سوره زخرف، آیه 4.
 - 5- روایت امام صادق (علیه السلام): «هو أمير المؤمنين علیه السلام و معرفته، و الدلیل علی أنه أمير المؤمنين علیه السلام قوله عزوجل: (و إنه فی ام الكتاب لدينا لعلی حکیم) و هو أمير المؤمنين علیه السلام فی ام الكتاب فی قوله عزوجل: "اهدنا الصراط المستقیم"».
 - 6- روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «صراط الأنبياء و هم الذين أنعم الله عليهم»، (رک: تفسیر عیاشی، ج 1، ص 22، ح 17؛ تفسیر کنز الدقائق، ج 1، ص 60).

و مصادیق دیگر صراط مستقیم که عبارتند از:

دین الهی: (قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) . (انعام: 161). این آیه بیشتر جنبه عقیدتی را مشخص می کند.

عبادت خداوند: (وَأَنْ اعْبُدُونِي ۚ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ) . (یس: 62). که در این آیه به جنبه عملی اشاره شده است.

ارتباط و پیوند با خداوند: (وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (آل عمران: 101).

راه رسالت پیامبر ﷺ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَس ﴿١﴾ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (یس: 1-4).

کتاب الهی: حضرت علی علیه السلام: «انه کتاب الله». (تفسیر مجمع البیان، ج 1، ص 58).

فطرت انسانی: امام صادق علیه السلام: «إن الصورة الانسانية هي الطريق المستقیم الى كل خير و الجسر الممدود بين الجنة و النار». (ر.ک: تفسیر صافی، ج 1، ص 86).

باید توجّه داشت که شیطان در همین صراط مستقیم، کمین می زند و به اغوا می پردازد و مردم را گمراه می کند: (**لَا تُعْذِرُ لَهُمْ صِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمَ**) ⁽¹⁾ حتماً بر سر راه مستقیم تو کمین می کنم و آنها را از راه بدر می برم».

امام خمینی در ضمن نمونه هایی از مصادیق صراط مستقیم، در مورد تفسیر و جمع این اخبار می فرماید:

این اخبار تناقضی با یکدیگر ندارند بلکه در بیان معنای صراط با هم مؤتلف است و هر یک از این ها ناظر به فردی از افراد آن هست، زیرا برای صراط و سایر معانی آن، حقیقت و روح، و صورت و قالبی است، و گاه می شود که حقیقت واحدی دارای صورتهای و قالب های متعدّدی است، بلکه کمتر حقیقتی یافت می شود که برای آن، صورتهای متعدّدی نباشد، .

1 - سوره اعراف، آیه 19.

و الفاظ برای ارواح و حقایق وضع شده است نه برای قالب ها و صورتها، و هر گاه که یک حقیقت و روح در قالب های متعددی باشد جملگی به خاطر اتّحاد در آن روح و حقیقت به یک نام نامیده می شوند، مثلاً لفظ «لوح» این کلمه عبارت از آلت نقش و نگارش صورتها در صفحه و یا لوحی است بدون اینکه توجّهی به این شده باشد که این آلت از نی باشد یا از آهن یا غیر این ها، بلکه اصلاً جسمانیّت قلم و یا محسوس بودن آن نقش در این نام گذاری اعتبار نشده است، همینطور لفظ «صراط» برای حقیقتی که سلوک و رفتن بر آن، انسان را به مقصود می رساند وضع شده است و این معنا، روح صراط است، و برای این روح قالب های متعددی است، یکی از آنها همین راه هائی است که برای رفت و آمد بین شهرها و آبادی ها کشیده می شود، یکی دیگر طریق معرف خدا، و راه تقرّب به ذات ذوالجلال الهی و جوار او در بهشت می باشد، که این راه عبارت از عمل به دین و شریعت، و معرفت امام و اطاعت از او، و معرفت امیرالمؤمنین علیه السلام به خصوص، و معرفت و شناخت صورت انسانیت، یعنی اوصاف و اخلاق و حدود آن در این دنیا است، دیگر از مصادیق طریق و راه، پلی است که بر دوزخ کشیده شده است.

اما راه هائی که برای معرفت به خدا و تقرّب به او در این دنیا هست از میانه آنها بعضی صراط مستقیم و راه راست است، و آن همان راهی است که بین مقامی که انسان در آن هست و مقصدی که در نظر دارد راهی نزدیک تر از آن تصوّر نشود، و بعضی از این راهها چنین نیست، آن اولی نمی تواند بیش از یک راه باشد ولی دوّمی بسیار است هر چه بخواهی از راه های کج و معوّج إلی ما شاء الله، و می توان تعداد آن ها را به اندازه نفوس آدمیانی که به مرحله

کمال نرسیده اند دانست، ولی همه به یک گونه نیست بعضی از این راه ها به آن صراط مستقیم نزدیکتر، و بعضی دور، و دورتر است تا برسیم به آن راهی که راه دشمن ترین مخلوقات خدا و دورترین آن ها از جوار قرب حضرت حق هست که همان راه ابلیس و هم ردیفان او باشد. و کامل ترین راه رسیدن به جوار حق تعالی نزدیک ترین راه ها است، و آن راه کسی است که معرفتش به خدا و به اسماء و صفات و افعال او کامل ترین معارف، و اخلاق او نیکوترین اخلاق، و مزاج او متعادل ترین مزاج ها باشد، این راه از میان همه راه ها کامل ترین و نزدیکترین راه است این مطالب بالنسبه به مجموع راه ها است. اما اگر بخواهیم نسبت به هر یک از افراد بشر نزدیک ترین راه را مشخص کنیم می بایست که حال فعلی آن ها را ملاحظه کنیم.

و تفصیل این اجمال اینکه: برای هر انسانی یک قوس نزولی است که از عالم غیب شروع و به این عالم ختم می گردد و یک قوس صعودی است که از این عالم شروع و به عالم غیب پایان می یابد، و انسان از هنگام تولّدش، و بلکه از اوّل پیدایش نطفه، و بلکه پیش از آن، همان تربت و خاکش در آن عالم در سیر و حرکت به سوی عالم غیب است، بلی مادامی که روح در او دمیده نشده سیرش در این عالم، و پس از دمیده شدن روح، با همان روح در عالم غیب به سیر و حرکت خواهد پرداخت، اما سیر تربت او به عالم غیب، از جهت ترقّی آن خاک از عالم جماد به عالم نبات است، و پس از این مرحله است که غذاء انسان می شود، و پس از اینکه آن خاک به صورت نبات درآمد و غذا انسان شد و با تناول آن، جزئی از بدن انسان گشت، از همین غذا نطفه پدید می آید، و سپس به صورت علقه، و پس از آن به استخوان مبدّل می شود، سپس بر آن

استخوان ها گوشت می روید و آفرینشی دیگر انجام می گیرد و انسانی پدید می آید: فتبارک الله احسن الخالقین.⁽¹⁾

پس از ولادت مراحل ترقی و تکامل را یکی پس از دیگری پشت سر می گذارد تا به سن بلوغ می رسد، اینجاست که عقلش کامل می گردد به گونه ای که به تشریف تکلیف مشرف می شود، و در این منزل است که او بر سر دو راهی قرار می گیرد، یا اینکه حرکت در عوالم غیب، و سیر در طریق سعادت و قرب و معرفت و بهشت را بر می گزیند، و یا اینکه قدم در راه شقاوت و دوری از خدا و جهل و پرتگاه های دوزخ می گذارد، و هر یک را که اختیار کند به اراده خود اختیار نموده، چرا که از طریق شرع و عقل راه سعادت و شقاوت و بهشت و دوزخ و قرب و بعد برای او روشن گشته است، پس یا اینست که راه سعادت را در پیش می گیرد و به تحصیل اخلاق روحانی و تکمیل ملکاتی که وسیله قرب او به خدا می شود و دستیابی به معارف اهل یقین از اهل ایمان به خدا و ملائکه و کتب و فرستادگان او، و روز قیامت می پردازد و در این راه قدم می نهد تا اینکه به علیین ملحق شود، و یا اینکه راه .

1- سوره مؤمنون، آیه 15.

شقاوت را برمی‌گزیند و در پی شهوات نفسانی می‌افتد و به راه شیاطین قدم می‌نهد و برای دستیابی به لذات از هر حيله و مکرری استفاده می‌کند و در منجلاّب شهوات این دنیای پست، و زرق و برق آن غرق می‌شود و به خدا و ملائکه و کتب و رسولان او و روز قیامت کافر شده و منکر همه این‌ها می‌گردد و به قول قرآن به زمین می‌چسبد تا اینکه به حزب شیاطین ملحق گشته و روانه درکات دوزخ گردد.

انسان باید توجّه داشته باشد که هر حرکتی که از روی اختیار از او سر بزند، در روح و حقیقت و قلبش اثری به جای خواهد گذاشت، حال یا آن اثر سبب تقرّب او به خدا و به روحانیّات می‌شود و یا اینکه باعث بُعد و دوری او از جوار حق تعالی می‌گردد، این امر حتّی در مباحات هم هست، هم اثری که در روح و قلب آدمی پدید می‌آید به منزله قدمی است که انسان در حرکت به سوی بهشت، و یا دوزخ برمی‌دارد، پس اگر این حرکت در همین هنگام از هر حرکت دیگری که بتوان تصوّر آن را نمود در حصول قرب به خداوند و رسیدن به روحانیّات مؤثرتر و کارسازتر و سریعتر باشد آن قدم بر راهی برداشته شده که نزدیکترین راه، و صراط مستقیم است، والاّ که اگر چنین نبود هر اندازه که این حرکت در حصول تقرّب به خدا ناقص و کند باشد راه دورتر، و فاصله‌اش از صراط مستقیم بیشتر خواهد بود. و حکمت الهی بر این قرار گرفته که هر عملی که از انسان سر می‌زند، و در قرب به خدا و بعد از او در دل اثری می‌گذارد برای آن تأثیری در توفیق و خذلان قرار داده است....

حال اگر به این مطالبی که بیان شد دقّت نموده باشی، برایت روشن خواهد شد که اطلاق کلمه «صراط» بر صورت انسانیّت که عبارت از همان صفات انسانیّت باشد، و بر امام و بر هدایت او و بر شریعت، و بر پلی که بر دوزخ

کشیده شده جملگی صحیح است، زیرا همه این ها که بیان شد راه بهشت و طریق عالم نور و وسیله تقرّب به خداست.

مطلب دیگر اینکه آن راه مستقیم حقیقی جز برای کسی که به خدا و به اسماء و صفات و افعال و فرشتگان و کتب و رسولان و شرایع او معرفت داشته باشد به گونه ای که هر حرکت و سکونی که از او سر می زند از روی علم و مطابق با آنچه که بدان حکم گردیده و به کم و کیف حکمت پروردگار حکیم در آن امر آگاه باشد و اخلاقش در حد اعتدال، و به دور از افراط و تفریط، و مزاجش معتدل ترین مزاجها باشد، چرا که مزاج را در افعال و اعمال انسان تأثیر بسزائی است، همانگونه که اخلاق در این زمینه مؤثر است، و با همه این ها توفیق و عصمت از جانب خداوند متعال او را یار و کمک کار باشد، تا اینکه حقیقتاً در نزدیکترین راه حرکت کند، امّا اینکه با همه این امور باز توفیق و عصمت را شرط نمودیم، بدین خاطر است که حوادث عالم نیز در این موارد تأثیراتی دارد، و آدمی بدون اینکه این دو صفت که توفیق، و عصمت باشد یار او گردد نمی تواند بر این راه ثابت و استوار باشد، و به همین خاطر است که ذات اقدس حق، معصومین علیهم السلام را به روح القدس مؤید نمود، بلکه چنانکه در بعضی از زیارات آمده است، بواسطه لطف و عنایتی که به آنها

دارد ریاضت دل های آنان را بوسیله خوف و رجاء خود به عهده دارد، این صراط مستقیم، بطور مطلق است.

امّا صراط مستقیم و راه راست برای هر مکلفی، عبارت از نزدیک ترین راه برای او در بین راهها است، که با توجه به صفات ذاتی او، او را به مقام قرب حضرت حق آن هم مقامی که برای او دستیابی به آن ممکن است، برساند، و این

امر بدین صورت است که جمیع حرکات اختیاری انسان، در هر مرتبه ای که هست، در رساندن او به رضای پروردگار، سودمندتر و کارسازتر باشد، حتی اگر فرضاً اشتغال به نماز شبهای ماه رجب را از اشتغال به مطالعه کتب علمی برای خود نافع تر دید و یا بالعکس، و یا اینکه اگر دید چنانچه روزه مستحبی نگیرد بهتر می تواند به انجام عبادات بپردازد تا اینکه روزه بگیرد و بر اثر ضعف روزه از عبادات باز ماند، نزدیکترین راه، همان راهی است که برای تقرب به خدا و جلب رضایت او نافع تر تشخیص داده شود.

بلکه گاه می شود که ترک اعمال خیر به حال انسان نافع تر است، چنانکه در روایات آمده است که بنده یک یا دو شب از تهجد و شب زنده داری محروم می گردد برای اینکه به خود عجب نکند، بلکه روایت شده که گاهی مؤمن به بعضی از لغزشها مبتلا می شود تا از عجب که گناهش به مراتب بیش از آن لغزش است در امان بماند. و خلاصه کلام آنکه صراط مستقیم برای هر کسی و در هر شرایطی و روزی، بلکه در هر نفسی و هر حرکت و سکونی همان کار و همان عمل و همان راهی است که بالنسبه به حال حاضر، و پس از آن، در سلوک طریق خیر و سعادت نافع تر و کارسازتر باشد، و تنها کسانی می توانند بدین گونه باشند که توفیق الهی رفیق راهشان گردد، والا که با این علوم اکتسابی نمی توان این بار را به منزل رسانید، همه این جوانب را مورد نظر قرار داد، و شاید اینکه گفته شده صراط از موی باریک تر است، با توجه به همین مطلب است، و باز پس ازدانستن این مطلب که در هر شرایطی چه کاری نافع تر است، و بعد از اینکه خداوند انسان را بدین امر هدایت نمود، عمل به آن کاری بس دشوار است و لذا گفته شده که «صراط» از شمشیر تیزتر است.

و اما آن روایتی که از مولا علی علیه السلام رسیده که مراد از طلب هدایت در سوره حمد، ثبات بر هدایت پیشین است. این یا به این صورت است که مقصود از صراط مستقیم همان ایمان است چنانکه در بعضی از روایات به این مطلب اشاره شده است، و با اینکه مقصود آن حضرت مختص به خود و امثال خود از معصومین علیهم السلام بوده است، چرا که آنان هستند که احوالشان نسبت به انواع هدایت ها و جهات آن، تفاوت نمی کند و مطلوب آنها این است که خداوند همانگونه که در گذشته آنها را هدایت نموده در آینده هم هدایت نماید. و معنای طلب ثبات در هدایت همین است.

و اما اینکه در بعضی از اخبار آمده است که صراط مستقیم همان صورت انسانیت است، به این معنا است که حرکت انسان به طرف کمالاتی که برای او است - که هر خیر و سعادت که هست در همین کمالات نهفته است - یک حرکت کیفی، و حرکت جوهری است، اما طریق و راه برای

این حرکت، عبارت است از همان مراتب کیفی، و صورتهائی که در پی این حرکت در جوهر انسان پدید می آید عبارت از همان ملکات شریفه و انوار معارف ربانی است، بنابراین، سالک و رهرو، جوهر انسان، و مقصد، کمال او، و راه، تحصیل این ملکات و انوار معارف و علوم است، و در این حرکت، راه، در حین حرکت و سیر و با خود حرکت است که پیدا می شود نه قبل و بعد از آن، و نور معرفت عبارت از ظهور مراتب نفس و روح و عقل است، بنابراین، همین نور، به یک لحاظ راه، و به یک لحاظ مقصد، و به یک لحاظ سالک است.

اما اینکه از حقیقت علی ابن ابی طالب و ائمه علیهم السلام تعبیر به صراط شده است بدین خاطر است که این ها نور الأنوار، و اصل هر نور، و نور خداوند در عالم

هستی، می باشند. پس اینان در حقیقت همان صراط مستقیم خداوندی هستند، بدون اینکه نیاز به تجوُّز و لفظ را به غیر معانیش استعمال نمودن باشد، اینان همان وجه اللّهی هستند که اولیاء خدا به آنان توجّه می کنند و همان جنب اللّهی هستند که مصیر و بازگشت بندگان به سوی آنها است، چنانکه در زیارت جامعه آمده است که: **وایاب الخلق إلیکم**: و بازگشت خلق به سوی شما است.

اما اینکه صراط مستقیم به راه کسانی که نعمت بر آنها داده شده تفسیر شده است، ممکن است به خاطر ارشاد و راهنمایی بندگان به این حقیقت باشد که صراط مستقیم عبارت از طریق وسط، و به دور از افراط و تفریط در حق ولی، و حد میانه در اخلاق یا در حق غیر است، تا کسی چنین توهم نکند که مقصود از صراط مستقیم، صراط و راه و روش هر نفسی است به کمالی که لایق و شایسته شخص او است و ذات و لوازم ذاتش، به حکم اقتضاء اسماء خدای متعال آن را اقتضا می کند و مثلاً صراط مستقیم را به همان راهی که به خاطر ماهیت و صفات ذاتیش او را به پائین ترین درکات دوزخ می برد تفسیر نکند، گویا آیه **(صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ)** چنین می گوید: که ما را به صراط مستقیمی هدایت کن که دارای استقامت واقعی است و ما را به رضا و جوار قرب تو می رساند که آن همان راه کسانی است که بر آنها نعمت دادی از شیعیان امیرالمؤمنین، نه راه کسانی که استقامت آن، به آنچه که مقتضای ذات و صفات من است مرا می رساند و به عبارت دیگر مرا به راهی هدایت نما که مقتضای فضل و انعام تو است نه به آن راه که مقتضای عدل تو است و آن همان راه کسانی است که نعمت ولایت امیرالمؤمنین را بر آنها ارزانی داشتی.

(عَنِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ) یعنی غیر آن کسانی که مورد غضب واقع شدند و راه انکار در پیش گرفتند، و یا آن کسانی که بواسطه غلو گمراه گشتند.⁽¹⁾

اعتقاد به صراط

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب «تصحیح الاعتقادات» خود در مورد اعتقاد بر صراط گوید: .

1- اسرار الصلوه، ص 396.

«عقیده ما در مورد صراط این است که آن حق است و آن پلی است بر روی جهنم و همه انسان ها باید از آن عبور نمایند. خداوند متعال می فرماید: (وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا ۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا)؛⁽¹⁾ و هیچ کس از شما نیست مگر اینکه در آن (جهنم) وارد می شود؛ (این حکم) حتمی است که برای پروردگارت پایان یافته است».⁽²⁾

در اخبار معصومین علیهم السلام نیز اعتقاد به صراط از جمله صفات شیعیان شمرده شده است:

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب «صفات الشیعه» به اسناد از افضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمود: «هر کس اقرار به رجعت و بازگشت مجدد به این جهان داشته باشد، و به معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سؤال در قبر و حوض کوثر و شفاعت و خلقت بهشت و دوزخ و صراط و میزان و برانگیختن و پاداش و حساب ایمان داشته باشد، او مؤمن حقیقی است و از شیعیان ما اهل بیت می باشد».⁽³⁾

در دعا‌های بسیاری که از ائمه معصومین علیهم السلام نیز نقل شده است، اشاره به حق بودن و حتمی بودن صراط آمده .

1- سوره مریم، آیه 71. (نکته: با توجه به تأیید کلام شیخ با استفاده از این آیه، شاید به نظر آید که مرحوم شیخ رحمته الله جمله «واردها» در آیه را به معنی دخول و وارد شدن نمی دانند، بلکه آن را به معنی عبور و مرور بر آن می دانند). همچنانکه البهوتی، (متوفای 1051 قمری) عالم فقه حنبلی از اهل تسنن در کتاب «کشف القناع» خود قائل به این تفسیر است. (ر.ک: کشف القناع، ج 2، ص 188).

2- نک: الاعتقادات، ص 70. و نیز ر.ک: تصحیح الاعتقادات الإمامیه، ص 108.

3- ر.ک: صفات الشیعه، ص 51؛ و نیز: بحار، ج 66، ص 9، ح 11.

است، مانند زیارت آل یاسین که از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر ارواحنا
له الفدا به محمد بن عبدالله حمیری در مورد درخواست از توجه به حضرت، آمده
است: «وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ، وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَ الْمِرْصَادَ حَقٌّ»⁽¹⁾.

ابان بن عثمان گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: پدر و
مادرم فدایت، مرا اندرزی ده.

امام علیه السلام فرمود:

فَقَالَ علیه السلام : إِنْ كَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ تَكَفَّلَ بِالرِّزْقِ فَاهْتِمَامُكَ لِمَاذَا؟ وَ
إِنْ كَانَ الرِّزْقُ مَقْسُومًا فَالْحِرْصُ لِمَاذَا؟ وَ إِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَالْجَمْعُ لِمَاذَا؟ وَ
إِنْ كَانَ الثَّوَابُ مِنَ اللَّهِ فَالْكَسَلُ لِمَاذَا؟ وَ إِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَقًّا
فَالْبُخْلُ لِمَاذَا؟ وَ إِنْ كَانَتْ الْعُقُوبَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ النَّارَ فَالْمَعْصِيَةُ لِمَاذَا؟ وَ إِنْ
كَانَ الْمَوْتُ حَقًّا فَالْفَرَحُ لِمَاذَا؟ وَ إِنْ كَانَ الْعَرَضُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَقًّا فَالْمَكْرُ
لِمَاذَا؟ وَ إِنْ كَانَ الشَّيْطَانُ عَدُوًّا فَالْغَفْلَةُ لِمَاذَا؟ وَ إِنْ كَانَ الْمَمَرُّ عَلَى الصِّرَاطِ حَقًّا
فَالْعُجْبُ لِمَاذَا؟ وَ إِنْ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ بِقَضَاءٍ وَ قَدَرٍ فَالْحُزْنُ لِمَاذَا؟ وَ إِنْ كَانَتْ الدُّنْيَا
فَانِيَةً فَالطَّمَانِينَةُ إِلَيْهَا لِمَاذَا؟⁽²⁾

«اگر خداوند تبارک و تعالی روزی آفریدگان را به عهده گرفته است، پس
اندوه تو برای چیست؟ اگر .

1- ر.ک: بحار، ج 99، ص 81، ح 1.

2- ر.ک: من لا يحضره الفقيه، ج 4، ص 394، ح 5836: التوحيد، ص 376، ج 21.

روزی آفریدگان تقسیم شده است، پس زیاده خواهی از برای چیست؟ اگر حسابرسی خدا حقیقت دارد، پس گرد آوردن و انباشتن مال از چه روست؟ اگر عوض دهی خداوند [برای کارهای نیک] حقیقت دارد، پس بخل ورزی ز چه روست؟ اگر کیفر دوزخ وجود دارد، پس گناه و نافرمانی ز چه روست؟ اگر مرگ حقیقت دارد، پس شادمانی ز چه روست؟ اگر هر کرداری به پیشگاه پروردگار عرضه می شود و هر کاری بر او نمایان است، پس نیرنگ و فریبا ز چه روست؟ اگر گذر از پل صراط حقیقت دارد، پس خود بزرگ بینی ز چه روست؟ اگر هر چیزی بر پایه قضا و قدر الهی است، پس اندوه ز چه روست؟ و اگر دنیا فنا ناپذیر است، پس اعتماد بر آن ز چه روست؟».

ویژگی های صراط

در اخبار بسیاری که از اهل بیت علیهم السلام رسیده است در وصف صراط فرموده اند: «بر روی جهنم پُلی است [= صراط] که از مو باریک تر و از لبه شمشیر تیزتر است».⁽¹⁾

از این تعبیر استفاده می شود که جهنم بین خلأئق و بهشت قرار دارد و لذاست که همه باید از آن عبور نمایند. .

1- إن علی جهنم جسراً أدقّ من الشعر وأحدّ من السیف. و فی روایه آخری: الصّراط أدقّ من الشعر و من حدّ السّیف. (ر.ک: الکافی، ج 8، ص 312، ح 486؛ أمالی شیخ صدوق، ص 242، ح 257؛ روضه الواعظین، ص 498؛ و از منابع اهل سنت ر.ک: مسند احمد، ج 6، ص 110؛ کنز العمال، ح 39036).

برخی همانند برق می گذرند، برخی مانند اسب به تاخت می روند، برخی با سینه خیز می گذرند و بعضی هم در حالی می گذرند که خود را به آن آویخته اند و آتش مقداری از بدن آنها را گرفته است.

عده ای ویژگیهای ذکر شده در مورد صراط را نپذیرفته و گفته اند: ⁽¹⁾ «صحیح نیست که در مورد صراط گفته شود از مو باریک تر و از شمشیر برنده تر است، بلکه صحیح آن است که گفته شود، آن عریض و طولانی می باشد»، که البته این کلام از این نظر که فقط عریض بودن ملاک باشد، قابل اعتنا نیست، چرا که روایات معتبر و فراوانی از اهل بیت علیهم السلام در مورد ویژگی های ذکر شده در مورد صراط، آمده است که ظاهر و صریح آنها در آنچه گفته شد، آمده است. ویژگی های ذکر شده برای صراط [از مو باریک تر....] می تواند به خاطر این باشد که روز قیامت، شخص کافر و مجرم از شدتی ترس و هولهای وحشتناک قیامت، نمی تواند قدمی پایدار و ثابت بر صراط گذارد، چرا که در صراط دنیا نیز قدمی ثابت انتخاب نکرد، هر روز رنگی تازه به خود گرفت و از مسیر دین دور شد.

آری، هر چه قدر انسان در این دنیا ثابت قدم باشد و بر فرائض الهی ثابت باشد و از محرّمات آن دوری کند، آنجا نیز ثابت قدم خواهد بود. چرا که آنجا آینه ای از اعمال و رفتار این سرای می باشد.

1- مانند قرافی که از علمای مالک مذهب اهل تسنن می باشد. (ر.ک: صالح عبد السمیع الآبی الأزهري (متوفای 1330 قمری)، الثمر الدانی، ص 18).

رابطه اعمال و رفتار انسان با صراط آخرت

امام خمینی در کتاب «چهل حدیث» خود در ضمن اشاره به اعمال و رفتار انسان و رابطه آن با صراط آخرت می فرماید:

«... پس اگر حساب خود را کشیدی، در موقف حساب گرفتاری نداری و از آن باکی برای تو نیست و همین طور سایر مهالک و مواقف آن عالم تابع اعمال این عالم است. مثلاً اگر در این عالم به راه راست نبوت و طریق مستقیم ولایت قدم زده باشی و از جاده ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام اعوجاج پیدا نکرده باشی و لغزش پیدا نکنی، خوفی برای تو در گذشتن از صراط نیست، زیرا که حقیقت صراط صورت باطن ولایت است، چنانچه در احادیث وارد است که امیرالمؤمنین صراط است. و در حدیث دیگر است که «ماییم صراط مستقیم.» و در زیارت مبارکه جامعه است که أُنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ.

و هر کس در این صراط به استقامت حرکت کند و پای قلبش نلرزد، در آن صراط نیز پایش نمی لغزد و چون برق خاطف از آن بگذرد. و همین طور اگر اخلاق و ملکاتش عادلانه و نورانی باشد، از ظلمت ها و وحشت های قبر و برزخ و قیامت و از أهوال آن عوالم در امان است، و خوفی از آن نشأت برای او نیست. پس، در این مقام درد از خود ما اسیت و دواى آن نیز در خود ما است»⁽¹⁾.

و در جایی دیگر از همین کتاب (چهل حدیث) در فصل مذمت ریا می فرمایند: .

1- نك: چهل حديث، ص 360.

«بسیار اتفاق افتد که شخص ریاکار خودش هم ملتفت نیست که ریا در اعمال او رخنه کرده و اعمالش ریایی و ناچیز است، زیرا که مکاید شیطان و نفس به قدری دقیق و باریک است و صراط انسانیت به طوری نازک و تاریک است که تا انسان موشکافی کامل نکند نمی فهمد چه کاره است. خودش گمان می کند که کارهایش برای خداست، ولی برای شیطان است. انسان چون مفطور به حبّ نفس است، لهذا پرده خودخواهی معایب او را بر خود او می پوشاند.

منزل اوّل انسانیت «یقطه» است. و آن بیدار شدن از خواب غفلت و هشیار شدن از سکر طبیعت است، و فهمیدن اینکه انسان مسافر است، و هر مسافر زاد و راحله می خواهد. زاد و راحله لانسان، خصال خود انسان است. مرکوب این سفر پر خوف و خطر و این راه تاریک و باریک و صراط احدّ السیف (برنده تر از شمشیر) و ادقّ از شعر (باریک تر از مو)، همّت مردانه است. نور این طریق مظلم، ایمان و خصال حمیده است. اگر سستی کند و فتور نماید، از این صراط نتواند گذشت، به رو در آتش افتد و با خاک مذلّت یکسان شده به پرتگاه هلاکت افتد. و کسی که از این صراط نتواند گذشت، از صراط آخرت نیز نتواند گذشت.

ای عزیز، همّت کن و پرده جهل و نادانی را پاره کن و از این ورطه هولناک خود را نجات ده. حضرت مولای متقیان و یگانه سالک راه و راهنمای حقیقی در مسجد فریاد می زد به طوری که همسایه های مسجد می شنیدند: تجهّزوا رحمکم الله،

فقد نودی فیکم بالرحیل.⁽¹⁾ هیچ تجهیزی سفر آخرت برای شما مفید نیفتد الا کمالات نفسانیه و تقوای قلب و اعمال صالحه و صفای باطن، بی عیب بودن و بیغش بودن.

فرضاً که اهل ایمان ناقص صوری باشی، باید از این غشها خالص شوی تا در زمره سُعدا و صالحین قرار گیری. رفع غش با آتش توبه و ندامت و گذشتن نفس را در کوره عتاب و ملازم و ذوب کردن آن را به آتش پشیمانی و برگشت به سوی خداست. در این عالم خودت بکن، والا در کوره عذاب الهی و نار الله الموقده قلبت را ذوب کنند و خدا می داند چند قرن از قرنهای آخرت این اصلاح طول می کشد. پاک شدن در این عالم سهل و آسان است، تغییرات و تبدیلات در این نشئه خیلی زود واقع می شود، و اما در آن عالم تغییر به طور دیگری است و زوال یک ملکه از ملکاتش قرن ها طول دارد. پس، ای برادر تا عمر و جوانی و قوت و اختیار باقی است اصلاح نفس کن. اعتنا به این جاه و شرفها مکن، این اعتبارات را زیر پا بگذار. تو آدمزاده ای، صفت شیطان را از خود دور کنم». (2) .

1- نهج البلاغه، خطبه 204، ترجمه دکتر شهیدی، ص 238: «آماده شوید و اسباب سفر خود را مهیا کنید، خدا شما را رحمت کند، همانا منادی مرگ ندای «الرَّحِيل» در میان شما داده، و کم کنید توقّف خود را بر دنیا و بیرون روید از دنیا در حالی که با خود داشته باشید زاد و توشه ای از اعمال صالحه، به درستی که در جلوی شما عقبه های «کُثُود» یعنی جاهای بسیار دشوار و منزلهای هولناک است که باید از آنها عبور کنید و چاره ای نیست از آن».

2- چهل حدیث، ص 48.

در برخی از روایات آمده است: «صراط، باریکتر از مو و برنده تر از شمشیر است همانند سیره امیرالمؤمنین علیه السلام».⁽¹⁾ چرا که زندگی آن حضرت در نهایت دقت و به تعبیری دیگر از مو باریک تر بود. آن حضرت علیه السلام بیت المال را بین بزرگان از صحابه مانند سهل بن حنیف و دوستان فقیر خود به طور مساوی تقسیم می کرد. خشن ترین لباس ها را می پوشید که با فقرا یکسان باشد، نیمه شب ها برای یتیمان و بیوه زنان نان و خرما به دوش می کشید، هر روز جمعه مال خدا را بین مردم تقسیم می کرد سپس به بیت المال می آمد و در آن مکان نماز می خواند، در تقاضای برادرش عقیل از سهم بیت المال آتشی مقابل صورتش گرفت و اینچنین او را متنبه کرد، برای خود پایین ترین طعام ها را در نظر می گرفت. در دادخواهی اش نزد قاضی، تقاضای عدالت بین خود و دشمنش را نمود. و موارد دیگر که نمونه های فراوان آن حکایت از سیره زیبا و دقیق حضرت علیه السلام دارد.

آری، سیره چینی حضرت علیه السلام از مو باریک تر است، و عدالت او سرمشقی برای پیروان حضرتش خواهد بود. و لذاست که در روایات ائمه معصومین علیهم السلام یکی از مصادیق صراط مستقیم، حضرت علیه السلام نام برده شده است. .

1- الصراط الممدود بین النار و الجنة كالشعره دقه، و كالسيف حده بسیره الامام امیرالمؤمنین علیه السلام . (ر.ک: تصحیح الاعتقادات الإمامیه، پاورقی(1)، ص 109؛ احمد رحمانی همدانی، الأمام علی علیه السلام ، ص 471).

گریه برای صراط

سیره و زندگی اهل بیت علیهم السلام فراوان است از ناله های جانسوز و گریه هایی که برای منزل های سخت و خطرناک قیامت می نمودند، که آن نیز به خاطر آن بود که می دانستند راهی که در پیش دارند چقدر مشکل و سخت است.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که حضرت علیه السلام در مورد سیره امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَاجَّ مَاشِيًّا وَرُبَّمَا مَشَى حَافِيًّا وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْبَعْثَ وَ النُّشُورَ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ بَكَى وَ إِذَا ذَكَرَ الْعَرْضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ شَهَقَ شَهَقًا بُعِثَ عَلَيْهِ مِنْهَا وَ كَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ كَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ وَ يَسْأَلُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ يَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّارِ وَ كَانَ عَ لَا يَقْرَأُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا قَالَ لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ....

«حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام عابدترین و زاهدترین و با فضیلت ترین اهل زمانش بود، همیشه پیاده به حج می رفت و بسا با پاهاى برهنه بود. همیشه چون یاد مرگ می کرد می گریست و چون یاد قبر می کرد می گریست و چون یاد قیامت و نشور می کرد

می گریست و چون یاد گذشتن بر صراط می کرد می گریست و چون یاد ملاقات با خدا می کرد ناله ای می زد که از آن بیهوش می شد و چون به نماز می ایستاد برابر خدا لرزه بر اندامش می افتاد و چون یاد بهشت و دوزخ می افتاد چون مار گزیده پریشان می شد و از خدا بهشت می خواست و به او از دوزخ پناه می برد و همیشه آیه ای از قرآن نمی تواند که (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) داشت جز آنکه می گفت: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ⁽¹⁾.

و چه خوب سروده شاعر که:

إلهي ليت شعري كيف حالي لدى الميزان أو عند الصراط
و حولي من خصومي كل شك إليك صنوف ظلمي و اشتطاطي
«پروردگارا! کاش می دانستم کنار میزان و پل صراط حال من چگونه است و در آن هنگام که دشمنان و شاکیان اطراف منند و انواع ستم و یاوه گویی های من به حضور عرضه می شود».

شما خیال می کنید که گریه های ائمه طاهرين و ناله های حضرت سجاد عليه السلام برای تعلیم بوده و می خواسته اند به دیگران بیاموزند؟ آنان با تمام آن معنویات و مقام شامخی که داشتند از خوف خدا می گریستند و می دانستند راهی که در پیش دارند .

1- ر.ک: أمالی شیخ صدوق، ص 244، ح 262؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 80، ح 14293.

پیمودنش چه قدر مشکل و خطرناک است. مشکلات، سختیها، ناهمواریهای عبور از صراط، که یک طرف آن دنیا و طرف دیگرش آخرت می باشد و از میان جهنم می گذرد، خبر داشتند از عوالم قبر، برزخ، قیامت، و عقبات هولناک آن، آگاه بودند از این روی هیچ گاه آرام نداشتند همواره از عقوبات شدید آخرت به خدا پناه می بردند.

شما برای این عقبات هولناک توانفرسا چه فکری کرده و چه راه نجاتی یافته اید؟ چه وقت می خواهید در مقام اصلاح و تهذیب خود برآیید؟ شما که اکنون جوانید، نیروی جوانی دارید، بر قوای خود مسلط می باشید و هنوز ضعف جسمی بر شما چیره نشده است، اگر به فکر تزکیه و ساختنش نباشید، هنگام پیری که ضعف، سستی، رخوت و سردی بر جسم و جان شما چیره شد و نیروی اراده، تصمیم و مقاومت را از دست دادید و بار گناه و معصیت قلب را سیاهتر ساخت، چگونه می توانید خود را بسازید و مهذب کنید؟ هر نفسی که می کشید، هر قدمی که برمی دارید، و هر لحظه ای که از عمر شما می گذرد، اصلاح مشکلتگر گردیده ممکن است ظلمت و تباهی بیشتر شود. هر چه سن بالا رود، مور منافعی با سعادت انسان زیادتر شده، قدرت کمتر می گردد پس، به پیری که رسیدید دیگر مشکل است موافق به تهذیب و کسب فضیلت و تقوی شوید نمی توانید توبه کنید زیرا توبه با لفظ اتوب إلى الله تحقق نمی یابد بلکه ندامت و عزم بر ترک لازم است. پشیمانی و عزم بر ترک گناه برای کسانی که پنجاه سال یا هفتاد سال

غیبت و دروغ مرتکب شده، ریش خود را در گناه و معصیت سفید کرده اند، حاصل نمی شود»⁽¹⁾.

و سخن آخر این بخش، گزیده ای از نیایش های امام سجّاد علیه السلام که در آن حضرت، از خداوند متعال، تقاضای ثبات قدم بر صراط را، مسئلت می نمودند.

نیایش های امام سجّاد علیه السلام

اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ یا الله یا وَاحِدُ، یا اَحَدُ یا صَمَدُ، یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ، یا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ، یا قاضِیَ الْحَاجَاتِ، یا مُنْقِصَ الْکُرْبَاتِ، یا وَلِیَّ الرَّغِبَاتِ، یا مُعْطِیَ السُّؤْلَاتِ، یا کَافِیَ الْمِهْمَّاتِ اِکْفِنی ما اَهَمَّنِیْ، وَ اقْضِ دِیْنِیْ وَ طَهِّرْ قَلْبِیْ وَ زَكِّ عَمَلِیْ وَ اکْتُبْ لِیْ بَرَاءَةً مِنْ النَّارِ، وَ اَمَانًا مِنْ الْعَذَابِ، وَ جَوَازًا عَلَی الصِّرَاطِ وَ نَصِیبًا مِنَ الْجَنَّةِ، وَ ادْخِلْنِیْ مُدْخَلَ صِدْقٍ، وَ ارْزُقْنِیْ مَرَافَقَةَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِی جَنَّاتِ الْخُلْدِ، وَ سُرُورِ الْاَبَدِ فِی دَارِ الْمُرُوءَةِ بِمَنْکَ وَ فَضْلِکَ یا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ. اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَ عَظَمَتِهِ، وَ بِحَقِّ الْکُرْسِیِّ وَ سِعَتِهِ، وَ بِحَقِّ الْقَلَمِ وَ جَرِیَّتِهِ، وَ بِحَقِّ اللّوْحِ وَ حِیَاطَتِهِ، وَ بِحَقِّ الْمِیزَانِ وَ حِدَّتِهِ، وَ بِحَقِّ الصِّرَاطِ وَ .

دِقَّتِهِ، وَ بِحَقِّ جَبْرَائِيلَ وَ أَمَانَتِهِ وَ بِحَقِّ مِيكَائِيلَ وَ طَاعَتِهِ، وَ بِحَقِّ إِسْرَافِيلَ وَ
نَفْخَتِهِ، وَ بِحَقِّ عِزْرَائِيلَ وَ صَوْلَتِهِ....

سَيِّدِي إِنْ كُنْتَ لَا تَرْحَمُ إِلَّا الْمُجِدِّينَ فِي طَاعَتِكَ، فَإِلَى مَنْ يَفْرِغُ الْمُقْصَرُونَ؟!
وَ إِنْ كُنْتَ لَا تَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ، فَإِلَى مَنْ يَلْجَأُ الْخَاطِئُونَ؟! وَ إِنْ كُنْتَ لَا
تَكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْإِحْسَانِ فَكَيْفَ يَصْنَعُ الْمُسِيئُونَ؟! وَ إِنْ كَانَ لَا يَفُوزُ يَوْمَ الْحَشْرِ
إِلَّا الْمُتَّقُونَ، فَبِمَنْ يَسْتَعِثُّ الْمَذْنُوبُونَ؟! سَيِّدِي إِنْ كَانَ لَا يَجُوزُ عَلَى الصَّرَاطِ إِلَّا
مَنْ أَجَازَتُهُ بَرَاءَةُ عَمَلِهِ، فَأَنَّى بِالْجَوَازِ لِمَنْ لَمْ يَتَّبِعْ إِلَيْكَ قَبْلَ دُنُوِّ أَجَلِهِ؟! وَ إِنْ لَمْ
تَجِدْ إِلَّا عَلَى مَنْ عَمَرَ بِالزُّهْدِ مَكُونُ سَرِيرَتِهِ، فَمَنْ لِلْمُضْطَرِّ الَّذِي لَمْ يَرْضَهُ بَيْنَ
الْعَالَمِينَ سَعَى نَفِيتِهِ.

«خدایا اگر مهر و رحمت تو تنها شامل کوشایان در اطاعت و فرمانبرداریت
گردد پس تقصیر کاران به که پناه برند؟ و اگر جز کوشش کنندگان در عبادت را
نپذیری پس کوتاهی کنندگان به که التجا کنند؟ و اگر جز به نیکوکاران احسان
نفرمائی پس گنهکاران بدکار چه کنند؟ و اگر بجز پرهیزکاران، شخص دیگری
در روز رستاخیز به رستگاری و سعادت نرسد پس بزهکاران مجرم به که
استغاثه کنند؟ معبودا! اگر از پل صراط جز آن کس که برات عبور اعمال نیکی
دارد نگذرد، پس کسی که پیش از مرگ به درگاه تو توبه نکرده چگونه از آن
عبور کند؟ خدایا اگر جز آنان که بوسیله زهد و پارسائی اندرون دل خویش را
آباد کرده اند دیگری را مشمول جود و بخشش خویش قرار ندهی، پس آن
بیچاره درمانده ای که کوشش در میان مردم جهان او را مورد پسند نکرده است
به کجا رود؟».

فصل دوّم: موقف های صراط

عقبه های صراط

یکی از سختی های صراط، وجود عقبه ها و به تعبیر دیگر، وجود ایست و بازرسی هایی است که در آن وجود دارد.

کلام شیخ صدوق رحمته الله

شیخ صدوق رحمته الله در مورد عقبه های صراط گوید:

«اعتقاد ما در عقباتی که در راه محشر است، آن است که هر عقبه ای از عقبات صراط اسم واجب و فرضی است از اوامر و نواهی الهی، پس انسان به هر عقبه ای برسد که مسمی به اسم آن واجب است اگر تقصیر در آن واجب کرده است او را در آن عقبه هزار سال باز می دارند و طلب حقّ خدا در آن واجب از او می کنند، اگر بیرون آمد از آن از عهده آن به عمل صالحی که در پیش فرستاده باشد یا به رحمتی از خدا که او را دریابد، نجات می یابد، از آن و می رسد به عقبه دیگر، پس پیوسته او را از عقبه ای به عقبه دیگر می برند و نزد هر عقبه سؤال می کنند از آنچه او در صاحب اسم آن عقبه تقصیر کرده است، پس اگر از همه سلامت بیرون رفت منتهی می شود به

دار بقاء، پس حیاتی می یابد که هرگز مرگ در آن نمی باشد و ساکن می شود در جوار خدا با پیغمبران و حُجَج و صدّیقین و شُفَعَا و صالحان از بندگان خدای تعالی، و اگر او را بر عقبه ای حبس کنند و طلب کنند از او حقّی را که

تقصیر در آن کرده و نجات ندهد آن را عمل صالحی که پیش فرستاده باشد و در نیابد او را رحمتی از جانب حق تعالی، قدمش در آن عقبه می لغزد و در جهنم فرو می رود.

پناه می بریم به خدای تعالی از آن و این عقبات همه بر صراط است و اسم یک عقبه از آنها «ولایت» است که همه خلائق را نزد آن عقبه باز می دارند و از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه بعد از او علیهم السلام سؤال می کنند. اگر اتیان به آن کرده است از آن نجات می یابد و اگر نه، به سوی جهنم فرو می رود، چنانکه حق تعالی فرموده است: **(وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ)** ⁽¹⁾ نگاهشان دارید که از اینها سؤال باید بشود».

و اهمّ عقبات «مرصاد» است به معنی کمینگاه، اینست معنی قول الهی: **(إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ)** ⁽²⁾ بدرستی که پروردگار تو هر آینه در کمینگاه است». و حق تعالی می فرماید: به عزّت و جلال خود سوگند یاد می کنم که از من نمی گذرد ظلم ظالمی.

و اسم یک عقبه، «رحم» است، و اسم دیگری، «امانت» است و اسم دیگری «نماز»، و به اسم هر فرض یا امر و نهی، .

1- سوره صافات، آیه 24.

2- سوره فجر، آیه 13.

عقبه ای هست که بنده را نزد آن عقبه باز می دارند و از آن فرض سؤال می کنند.⁽¹⁾

روایت امام باقر علیه السلام

در روایت است از امام باقر علیه السلام که می فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که:

أَخْبَرَنِي الرُّوحُ الْأَمِينُ أَنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِذَا وَقَفَ الْخَلَائِقُ وَجَمَعَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ أَتَى بِجَهَنَّمَ تُقَادُ بِالْفِ زَمَامٍ أَخَذَ بِكُلِّ زَمَامٍ مِائَةَ أَلْفٍ مَلَكٍ مِنَ الْغَلَاظِ الشَّدَادِ وَلَهَا هَدَّةٌ وَ .

1- اعتقادنا فی ذلك أن هذه العقبات أَسْمُ عقبه منها على حده اسم فرض، أو أمر، أو نهی. فمتی انتهى الإنسان إلى عقبه اسمها فرض، و كان قد قصر فی ذلك الفرض، حبس عندها و طولب بحق الله فيها. فإن خرج منه بعمل صالح قدمه أو برحمه تداركه، نجا منها إلى عقبه أخرى. فلا يزال يدفع من عقبه إلى عقبته، و يجبس عند كل عقبه، فيسأل عما قصر فيه من معنى اسمها. فإن سلم من جميعها انتهى الى دار البقاء، فحیی حياه لا موت فيها أبدا، و سعد سعادته لا شقاؤه معها أبدا، و سكن جوار الله مع أنبيائه و حججه و الصديقين و الشهداء و الصالحين من عباده. و إن حبس على عقبه فطولب بحق قصر فيه، فلم ينجح عمل صالح قدمه، و لا أدركته من الله عزوجل رحمته، زلت قدمه عن عقبه فهوى فی جهنم نعوذ بالله منها. و هذه العقبات كلها على الصراط. اسم عقبه منها: الولايه، يوقف جميع الخلائق عندها فيسألون عن ولايه أمير المؤمنين عليه السلام و الائمه من بعده عليهم السلام فمن أتى بها نجا و جاز، و من لم يأت بها بقى فهوى، و ذلك قوله تعالى: (وقفوهم إنهم مسئولون). و اسم عقبه منها: المرصاد، و ذلك قوله تعالى: (إن ربك لبالمرصاد). و يقول تعالى: (و عزتى و جلالى لا يجوز بى ظلم ظالم). و اسم عقبه منها: الرحم. و اسم عقبه منها: الامانه. و اسم عقبه منها: الصلاه. و باسم كل فرض أو أمر أو نهی عقبه يجبس عندها العبد فيسأل. انتهى كلام الشيخ رحمته الله (ر.ك: الإعتقادات شيخ صدوق، ص71؛ حق اليقين علامه مجلسى رحمته الله، ص565).

تَحَطُّمٌ وَ زَفِيرٌ وَ شَهيقٌ وَ إِنَّهَا لَتَزْفِرُ الزَّفِرَةَ فَلَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخْرَهَا إِلَى الْحِسَابِ لَأَهْلَكَتِ الْجَمِيعَ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهَا عُقٌّ يُحِيطُ بِالْخَلَائِقِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ فَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ مَلَكٌ وَ لَا نَبِيٌّ إِلَّا وَ يُنَادِي يَا رَبِّ نَفْسِي نَفْسِي وَ أَنْتَ تَقُولُ يَا رَبُّ أُمْتِي أُمْتِي ثُمَّ يُوضَعُ عَلَيْهَا صِرَاطٌ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ عَلَيْهِ ثَلَاثُ قَنَاطِرَ الْأُولَى عَلَيْهَا الْأَمَانَةُ وَ الرَّحْمَةُ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَ الثَّالِثَةُ عَلَيْهَا رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ فَيُكَلِّفُونَ الْمَمَرَّ عَلَيْهَا فَتَحْبِسُهُمُ الرَّحْمَةُ وَ الْأَمَانَةُ فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا حَبَسَتْهُمْ الصَّلَاةُ فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا كَانَ الْمُنتَهَى إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ وَ النَّاسُ عَلَى الصِّرَاطِ فَمُتَعَلِّقٌ تَزَلُّ قَدَمُهُ وَ تَثْبُتُ قَدَمُهُ وَ الْمَلَائِكَةُ حَوْلَهَا يُنَادُونَ يَا كَرِيمُ يَا حَلِيمُ اعْفُ وَ اصْفَحْ وَ عُدْ بِفَضْلِكَ وَ سَلِّمْ وَ النَّاسُ يَتَهَافَتُونَ فِيهَا كَالْفَرَّاشِ فَإِذَا نَجَا نَاجَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَظَرَ إِلَيْهَا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانِي مِنْكَ بَعْدَ يَأْسٍ بِفَضْلِهِ وَ مِنْهُ إِنَّ رَبَّنَا لِعَفُورٌ شَكُورٌ.⁽¹⁾

«روح الامين به من خبر داد که آن خدایی که جز او خدایی نیست هنگامی که خلایق را در رستاخیز نگاه دارد و نخستین و واپسین ایشان را گرد هم آورد در آن هنگام است که جهنم را با هزار مهار بیاورند و هر مهاری صد هزار فرشته خشن گرفته است و آن را بانگ .

1- ر.ک: الکافی، ج 8، ص 312، ح 486؛ شرح اصول کافی، ج 12، ص 436؛ تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 373، ح 23 و ص 572، ح 9.

و ناله و فریادی است، و ناله ای زند که اگر خدای متعال عذاب آن را تا پایان حساب عقب نینداخته بود همه را از میان می برد. آن گاه از جهنم زبانه ای کشیده شود که همه خلایق را خواه نیکوکار یا بدکار در بر گیرد. در آن هنگام بنده ای نیست و نه فرشته ای و پیامبر مگر آنکه فریاد زند. پروردگارا! مرا، مرا [نجات بده] و تنها تویی که می گویی: پروردگارا! اتمم را، اتمم را.

سپس بر روی آن پلی بنهند که از مو باریک تر و از شمشیر تیزتر است، و بر آن پل سه بازداشتگاه قرار دارد. بر روی بازداشتگاه نخست امانتداری و رحمت قرار دارد، و روی دوم نماز، و روی سوم حسابی که خود پروردگار جهانیان که معبودی جز او نیست حساب کشد. پس به مردم دستور دهند از آن پل بگذرند. نخستین بار، رحمت و امانتداری، آنان را باز دارد، اگر از آن جا نجات یافتند نماز ایشان را نگه دارد و اگر از آن هم جان به سلامت بردند انجام کار آنها با پروردگار جهانیان است و این است مفهوم این آیه شریفه که: (إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ).

مردم که از آن پل می گذرند گاهی پایشان می لغزد و آویزان می شوند و گاهی در جای خویش استوار می مانند و فرشتگان پیرامون آنها فریاد می زنند: ای خدای کریم و ای خدای بردبار! چشم بپوش و به فضل خویش بدانها نگر و امانشان ده، و این در حالی است که مردمان چونان پروانه در آتش می ریزند. و چون کسی به رحمت خدا از آن نجات یابد بدان بنگرد و گوید: ستایش خدایی را پس از نومیدی به فضل و رحمت خود از تو نجاتم بخشید، همانا خدای ما بخشنده سپاس پذیر است».

نیز در اخبار بسیاری از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده که: روز قیامت پلی بر روی دوزخ کشیده می شود که اوّل آن موقف و جایی ایستادن برای حساب و واریسی است و آخر آن بر در بهشت است، هر که خدا را اطاعت کرده از آن می گذرد و به بهشت می رود و هر که او را معصیت نموده از دو سمت آن به آتش می افتد، و در وصف آن رسیده: که از مو باریکتر و از شمشیر برنده تر است، و مؤمن مانند برق تندرو از آن می گذرد.

و در بعض اخبار رسیده: صراط و پل دوزخ می لرزد و اهلش را می لرزاند به طوری که مفاصل و پیوندهای اندام ایشان به هم زده می شود، و مردم مانند مورچه های ریز در آتش می افتند، و جز کسی را که خدا رحم می کند از آن رهائی نمی یابند.⁽¹⁾

پرسش های عقبه های صراط

همانگونه که در بالا اشاره کردیم و احادیث بسیاری نیز در این موضوع وارد شده است، یکی از موضوعات قطعی پل صراط وجود عقبه ها و بازرسی هایی است که بر آن می باشد، و از این مسائل سؤال می نمایند: .

1- چهل حدیث امام

ولایت حضرت علی علیه السلام

یکی از پرسش های پل صراط، سؤال از ولایت حضرت علی علیه السلام می باشد.
نمونه ای از روایات آن چنین است:

ابن شهر آشوب در کتاب «مناقب» خود به اسناد از ابن جبیر از ابن عباس
روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ مَلَكًا أَنْ يُسْعَرَ النَّيِّرَانَ السَّبْعَ وَأَمَرَ رِضْوَانَ أَنْ
يُزَحِرِفَ الْجَنَانَ الثَّمَانَ وَيَقُولُ يَا مِيكَائِيلُ مَدِّ الصِّرَاطَ عَلَى مَتْنِ جَهَنَّمَ وَيَقُولُ يَا
جَبْرَائِيلُ انصِبْ مِيزَانَ الْعَدْلِ تَحْتَ الْعَرْشِ وَيَقُولُ يَا مُحَمَّدُ قَرِّبْ أُمْتَكَ لِلْحِسَابِ
ثُمَّ يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُعْقَدَ عَلَى الصِّرَاطِ سَبْعُ قَنَاطِرَ طُولُ كُلِّ قَنْطَرَةٍ سَبْعَةَ عَشَرَ
أَلْفَ فَرَسَخٍ وَعَلَى كُلِّ قَنْطَرَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْأَلُونَ هَذِهِ الْأُمَّةَ نِسَاءَهُمْ وَ
رِجَالَهُمْ عَلَى الْقَنْطَرَةِ الْأُولَى عَنْ وَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
علیه السلام فَمَنْ أَتَى بِهِ جَازَ الْقَنْطَرَةِ الْأُولَى كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ وَمَنْ لَا يُحِبُّ أَهْلَ بَيْتِهِ
سَقَطَ عَلَى أُمِّ رَأْسِهِ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَلَوْ كَانَ مَعَهُ مِنْ أَعْمَالِ الْبِرِّ عَمَلُ سَبْعِينَ
صِدِّيقًا. ⁽¹⁾

«چون روز قیامت شود خداوند متعال ملکی را امر کند که افروخته کند آتش
های هفتگانه [جهنم را] و رضوان را امر کند که بهشت های هشتگانه را زینت
دهد. آنگاه به میکائیل گوید که صراط را بر روی .

1- رک: المناقب، ج 2، ص 3؛ تأویل الآیات، ج 2، ص 494، ح 4؛ نهج الیمان، ص 508؛ الاربعین
محمد طاهر قمی، ص 463؛ بحار، ج 7، ص 321، ح 12 و ج 27، ص 111، ح 82.

جهنم کشد و به جبرئیل گوید که میزان عدالت را زیر عرش نصب نماید. و گوید: ای محمد! امت را برای حساب بیاور. سپس خداوند تبارک و تعالی امر کند که بر صراط، هفت کمینگاه (گذرگاه) بسته شود که طول هر یک از آن، هفده هزار فرسخ راه است و بر هر کمینگاهی هفتاد هزار ملک است که از مرد و زن این امت در گذرگاه اول از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و دوستی اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله سؤال می کنند، پس هر کس آن را ادا نموده باشد همچون برق جهنده یاز این گذرگاه عبور می نماید و هر کس اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست نداشته باشد، از سر در جهنم انداخته می شود، حتی اگر اعمال نیک هفتاد صدیق همراه او باشد».

ابن شاذان قمی رحمته الله در کتاب «مأه منقبه من مناقب أمير المؤمنين علیه السلام» نیز به اسناد از ابی سعید خدری روایت می کند که گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

إذا كان يوم القيامة أمر الله تعالى ملكين يقعدان على الصراط، فلا يجوز [بهما] أحداً إلاّ براءة، على بن أبي طالب علیه السلام، و من لم تكن له براءة، أمر الله تعالى الملكين الموكلين على الجواز أن يوقفاه و يسألاه، فلما عجز عن جوابهما فیکبّاه على منخریه فی و ذلك قوله تعالى «وقفوهم إنهم مسؤولون»⁽¹⁾.

1- ر.ک: مأه منقبه، ص 36، منقبت 16.

«هنگامی که روز قیامت شود خداوند تبارک و تعالی دو ملک را امر می کند که بر صراط بایستند، و کسی را اجازه عبور ندهند مگر اینکه برائت نامه ای از علی بن ابیطالب علیه السلام داشته باشد، در غیر اینصورت او را نگه می دارند، و در مورد علی علیه السلام از او سؤال می کنند، اگر از جواب دادن عاجز بماند، به امر خداوند تبارک و تعالی آن دو ملک او را به صورت در آتش می اندازند و این است معنای کلام الهی که فرمود: (وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ) ⁽¹⁾ نگاهشان دارید که از اینها سؤال باشد بشود».

ابوسعید می گوید: عرض کردم: یا رسول الله، پدر و مادرم فدای تو باد، منظور از برائتی که علی علیه السلام عطا می کند چیست؟ فرمود:

«نوشته ای است با نور ساطع و درخشان به این متن: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ».

قاضی نعمان مغربی رحمته الله (متوفای 363 قمری) که از عالمان شیعی است، نیز در کتاب شرح الأخبار خود به نقل از ابن عباس روایت کرده است که:

يُوقِفُ النَّاسَ عَلَى الصَّرَاطِ فَيَسْأَلُونَ عَنْ وَلايَةِ عَلِيٍّ عليه السلام . .

1- سوره صافات، آیه 24.

«مردم بر صراط نگه داشته می شوند تا از ولایت حضرت علی ع از آنان سؤال شود».

امانت داری و صله رحم

دیگر از مسائلی که در پل صراط از آن می پرسند، بحث امانت داری و صله رحم می باشد. هر کس به این دو فریضه عمل نموده باشد، به سلامت از این گذرگاه عبور می نماید.

حسین سعید اهوازی از امام محمد باقر ع روایت کرده که: مردی آمد نزد حضرت ابوذر رضی الله عنه و او را به اولاد آوردن گوسفندانش بشارت داد، و گفت: ای ابوذر! مژده باد تو را که گوسفندانت اولاد آورده و بسیار شدند! فرمود: مرا بسیاری ایشان مسرور نمی سازد و این را دوست ندارم، آنچه کم باشد و کفایت کند نزد من بهتر است از آنچه بسیار باشد و مشغول کند، همانا شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:

حَافَتَا الصِّرَاطِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمُ ⁽¹⁾ وَالْأَمَانَةُ فَإِذَا مَرَّ الْوَصُولُ لِلرَّحِمِ الْمُؤَدَّى لِلْأَمَانَةِ نَفَذَ إِلَى الْجَنَّةِ وَإِذَا مَرَّ الْخَائِنُ لِلْأَمَانَةِ الْقَطُوعُ لِلرَّحِمِ لَمْ يَنْفَعَهُ مَعَهُمَا عَمَلٌ وَ تَكْفَأُ بِهِ الصِّرَاطُ فِي النَّارِ. ⁽²⁾

«رحم و امانت روز قیامت در دو جانب صراطند، چون صله رحم کننده و امانت نگهدار بر صراط گذرد به .

1- البته می توان آن را به سکون نیز خواند [همچنانکه برخی آن را چنین نیز خوانده اند]، که معنای آن به معنی رحم کردن می باشد، نه صله رحم.

2- ر.ک: الکافی، ج 2، ص 152، ح 11؛ وسائل الشیعه، ج 19، ص 68، ح 27169.

بهشت رسد، و چون خائن امانت و قاطع رحم از آن بگذرد، هیچ عملی با وجود این دو گناه سودش نبخشد و صراط در آتش دوزخ سرنگونش کند». یعنی: «یک طرف صراط در قیامت، امانت است و طرف دیگرش، رحم، وقتی انسانی که به ارحام و بستگانش رسیدگی داشت و امانتدار بود، بخواهد عبور کند، به بهشت می رسد، اما اگر فرد خائن در امانت و بی اعتنا به بستگان بخواهد عبور نماید، اعمال دیگرش برایش فایده ای نداشته و صراط او را به آتش می اندازد».⁽¹⁾

دادخواهی از مظلوم

یکی از مهمترین عقبه های صراط، «مرصاد» نام دارد که خداوند متعال در این عقبه، خود در کمین طالمان و ستمگران است. و آیه 13 سوره فجر [إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ] نیز به همین مطلب اشاره دارد.

شیخ کلینی به اسناد خود از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده که در تفسیر این آیه [إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ] فرمود: (آن کمینگاه) پلی است بر صراط که از آن نگذرد بنده ای که مظلومه و حقوقی از دیگران بر گردن اوست.⁽²⁾

الب ارسلان و پیرزن

ملاً احمد نراقی در کتاب «معراج السعاده» نقل کرده که: سلطان ملک شاه سلجوقی در کنار زاینده رود شکار می نمود، ساعتی در مرغزاری آسایش نمود. یکی از غلامان .

1- غفاری ساروی، حسین، آئین بندگی و نیایش، ص 148.

2- ر.ک: الکافی، ج 2، ص 331، ح 2؛ الرساله السعديه، ص 149؛ ثواب الاعمال، ص 272.

خاص، گاوی را در کنار نه‌ری دید که می‌چرید، آن را ذبح کرد و پاره‌ای از گوشتش را کباب نمود. آن گاو از پیره زنی بود که چهار یتیم داشت و وجه معیشتشان از شیر آن حاصل می‌شد. چون آن عجوزه [پیرزن] از این واقعه مطلع شد دود از نهاد او بر آمد و مقنعه از سر کشیده بر سر پلی که گذرگاه آن سلطان بود نشست تا سلطان به آنجا رسید. با قد خمیده از جای جست و با دیده گریان روی به سلطان کرده گفت: ای پسر «الب ارسلانو» اگر داد مرا در سر این پل نمی‌دهی در سر پل صراط دست دادخواهی بر آرم و دست خصومت از دامن‌ت برندارم. بگو تا از این دو پل کدام را اختیار می‌کنی؟

سلطان از هیبت این سخن بر خورد بلرزید و پیاده گشته گفت: مرا طاقت سر پل صراط نیست بگو تا چه ستم بر تو شده؟ پیره زال صورت حال را به موقف عرض رسانید. سلطان متأثر گشته اوّل فرمود: تا آن غلام را به سزایش رسانیدند. و به عوض آن ماده گاو، هفتاد گاو، و به روایتی دویست گاو از سر کار خاصه به آن پیره زال دادند. گویند که: چون ملک شاه از دنیا رفت آن پیره زال بر سر قبر او نشست و گفت: پروردگارا من بیچاره بودم او مرا دستگیری کرد امروز او بیچاره است تو او را دستگیری کن. یکی از نیکان، سلطان را در خواب دیده گفت: خدا با تو چه کرد؟ گفت: اگر نه دعای آن پیره زن بود مرا عذابی می‌کردند که اگر بر همه اهل زمین قسمت می‌نمودند همگی معذب می‌شدند.⁽¹⁾

1- نک: معراج السعاده، ص 498.

باید توجه داشته باشیم که خداوند متعال در همین دنیا نیز در کمین ظالمان و ستمگران می باشد، و جزای بسیاری از آنها را در همین دنیا می دهد:

رضاخان و کشتن دو جوان

مرحوم حاج سیدرضا بهاءالدینی رحمته الله گوید: اوایل حکومت رضاخان بود. او شبی از شبها وارد قم شد و در کوچه و خیابان رفت و آمد می کرد و برای ارباب مردم شهر، دو جوان را دستگیر کرد و بدون آنکه در ظاهر کاریکرده باشند و محاکمه و سؤال و جوابی در میان باشد، آن دو را در مقابل چشمان مردم به قتل رسانید!

بنده از این کار زشت و کشتار ناجوانمردانه این مرد وحشی بسیار ناراحت شدم؛ ولی از این که چرا این اشخاص انتخاب شدند، در حیرت بودم. نزد خود گفتم باید حسابی در کار باشد. تحقیق کردم و از افرادی درباره یکی از آن دو نفر پرسش کردم. گفتند: روز قبل از این حادثه گربه ای را گرفته و برای تفریح و خوشگذرانی خود و به خنده انداختن دیگران، نفت بر سر حیوان ریخته و زنده زنده او را آتش زده و این گونه فردای آن روز به دست ظالمی دیگر، به سزای عمل خود رسیده است.

آیت الله شاه آبادی رحمته الله علیه و سرهنگ شهربانی

نیز نقل شده است روزی مرحوم آیت الله محمدعلی شاه آبادی رحمته الله علیه برای استحمام به حمام محلّه خود می روند زمانی که از حمام خارج می شوند دقت زیادی داشتند که ترشّحی نشود تا نجس شوند، این کار باعث توجّه یک سرهنگ شهربانی در حمام می شود، او با زبان گزنده ای که داشت ایشان را مورد نکوهش قرار می دهد تا اینکه مرحوم شاه آبادی بدون توجه به او از حمام خارج می شود.

فردای آن روز وقتی معظّم له در بیرون منزلشان مشغول تدریس بودند، به ناگه صدای «لا اله الا الله» عده ای که مرده ای را تشییع می کردند توجه ایشان را جلب می نماید و سؤال می کنند چه کسی مرده است؟ عرض می کنند همان سرهنگی بود که به حضرتعالی جسارت کرد. در سر زبانش تبخال جوشی زد و بر اثر همان سریعاً فوت کرد. مرحوم آیت الله شاه آبادی می فرمایند: ای کاش پاسخ او را می دادم تا لااقل نمی مرد.

از این حکایت نتیجه می گیریم که انسان باید مواظب زبانش باشد و با زبان قلب کسی را آتش نزند، مخصوصاً جسارت به کسی که مورد توجّه خداست، تحقیر کردن کسی که عزیز و محبوب خداست در روایت به منزله اعلام جنگ کردن با خدا تلقّی شده است، لذا در چنین مواقعی غیرت حقّ تعالی کار خودش را خواهد کرد.⁽¹⁾

نماز

به فرموده روایات ائمه معصومین علیهم السلام یکی از پرسشهای صراط درباره «نماز» می باشد. پرسش از اینکه با نماز چه کردی؟ آیا آن را اقامه نمودی؟ چگونه به این فریضه مهم الهی عمل کردی؟ و....

روایت شده که وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: .

1- نک: در طواف خورشید، ص 46.

چون بنده به نماز ایستد و به چیزی جز معبود (سبحانه و تعالی) توجه کند، خداوند فرماید: بنده من به چه می اندیشی مگر از من مهربان تر و بزرگوارتر سراغ داری؟ و اگر بار دیگر وجه خود به جایی معطوف دارد، فرماید، بنده من، آن کیست که از من بهتر یافته و به او توجه کرده ای؟ و چون بار سوم، به غیر خداوند متعال توجه کند، حق تعالی او را از رحمت خود دور و مهجور سازد و به فصاحت تمام به او گوید:

«فضحك الله فی الملا الا علی کما فضحتنی علی رؤوس الاشهاد: یعنی خداوند تو را در برابر عالم بالا رسوا و مفتضح سازد، همانگونه که مرا نزد همگان، رسوا و مفتضح نمودی»⁽¹⁾

مرا غرض ز نماز آن بود که یک
ساعت

وگر نه این چه نمازی بود که من
بی تـــــــو

یکی از بزرگان را از چگونگی نماز پرسیدند، گفت: «چون وقت نماز درآید، وضو می سازم و به جائی که می خواهم نماز گزارم می روم، و می نشینم تا اعضاء و جوارحم آرام گیرد، سپس به نماز می ایستم، و کعبه را میان ابروان خود قرار می دهم، و صراط را در زیر گام خودم و بهشت را در طرف راست، و جهنم را در طرف چپ، و فرشته مرگ را در پشت سر به نظر می آورم، و پندارم که این آخرین نماز من است. پس میان امید و بیم قرار می گیرم، و تکبیره الاحرام می گویم، و قرآن را شمرده قرائت می کنم، و با فروتنی رکوع .

1- نک: نشان از بی نشانها، ص 329.

می‌کنم، و با خشوع به سجده می‌روم، و بر سرین چپ می‌نشینم، و پشت قدم چپ را فرش می‌سازم و قدم راست را بر ابهام قرار می‌دهم، و با اخلاص نماز را تمام می‌کنم، با این حال نمی‌دانم که نمازم قبول شده یا نه»⁽¹⁾.

سؤال از مال

رسول خدا ﷺ فرمود: «در قیامت صاحب مالی را می‌آورند که خدا را درباره آن اطاعت کرده و مال او در پیش روی اوست، و چون به صراط می‌رسد هرگاه رفتن بر او مشکل شود مالش به او می‌گوید: بگذر که تو حق خدا را در من ادا کردی. سپس دنیا داری را می‌آورند که خدا را اطاعت ننموده، دلش نزد اوست، و چون بخواهد از صراط بگذرد و رفتن نتواند مال او گوید: وای بر تو چرا حق خدا را در من نپرداختی؟ و پیوسته چنین خواهد بود تا به عذاب و جهنم افتد و هلاک شود»⁽²⁾.

طبرانی [از عالمان اهل سنت، متوفای 363 قمری] نیز با اسناد خود از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود:

«چون بنده ای بر صراط آید از بدهی هایش از او سؤال کنند، و به او گویند آنها را بپردازد. گوید: اینجا برایم چیزی نیست. پس از حسناتش آنقدر بردارند که تمام شود، و چیزی .

1- رک: معراج السعاده، ص 497.

2- نک: علم اخلاق اسلامی، ج 2، ص 67.

از حسنات برای او باقی نماند، ندا شود گناهان طلبکار را برداشته و بر او گذارید، و به آتش انداخته شود»⁽¹⁾.

آنچه در روایات [بیشتر روایات کتب اهل سنت که از مقاتل بن سلیمان و ایفیع بن عبدالکلاعی نقل شده است]، در مورد سؤال از خمس و زکات در صراط روایت شده است، نیز ملحق به همین مال می شود.

و عقبه های دیگر که هر کدام پرسش در مورد اوامر یا نواهی الهی می باشد، که از آنها سؤال می شود.

مانند حج و عمره و ماه رمضان ولایمان که این موارد بیشتر در روایات کتب اهل تسنن بدان اشاره شده است.⁽²⁾ .

1- إن فی جهنم جسرا له سبع قناطر علی أوسطهن القضاء فیجاء بالعبد حتی إذا انتهى إلى القنطرة الوسطی قیل له ماذا علیک من الدین و تلا هذه الآية: (ولا یکتُمون الله حدیثا) قال فیقول یا رب علی کذا و کذا فیقال له اقض دینک فیقول ما لی شیء و ما أدری ما أقضی فیقال خذوا من حسناته فما زال یؤخذ من حسناته حتی ما تبقى له حسنه حتی إذا أفنیت حسناته قیل قد فنیت حسناته یقال خذوا من سیئات من یطلبه فربکوا علیه، (رک: المعجم الکبیر، ج 8، ص 101؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 24، ص 69؛ مجمع الزوائد، ج 10، ص 354؛ کنز العمال، ج 44238؛ الدر المنثور، ج 6، ص 348).

2- دو نمونه حدیث آن چنین می باشد: - أخرج ابن أبی حاتم عن ایفیع بن عبد الکلاعی قال ان لجهنم سبع قناطر و الصراط علیهن فیحبس الخلائق عند القنطرة الاولى فیقول قفوه انهم مسؤولون فیحاسبون علی الصلاه و یسألون عنها فیهلك فیها من هلك وینجو من نجا فإذا بلغوا القنطرة الثانيه حوسبوا علی الامانه کیف أدوها و کیف خانوها هیهلك من هلك و ینجو من نجا فإذا بلغوا القنطرة

الثالثه سئلوا عن الرحم كيف وصلوها و كيف قطعوها فيهلك من هلك وينجو من نجا و الرحم يومئذ متدليه إلى الهوى فى جهنم تقول اللهم من وصلنى فصله و من قطعنى فاقطعه و هى التى يقول الله ان ربك لبالمرصاد. - و عن مقاتل بن سليمان قال: أقسم الله ان ربك لبالمرصاد يعنى الصراط، و ذلك ان جسر جهنم عليها قناطر على كل قنطره ملائكه قيام وجوههم مثل الجمر و أعينهم مثل البرق يسألون الناس فى أول قنطره عن الايمان و فى الثانيه يسألونهم عن الصلوات الخمس و فى الثالثه يسألونهم عن الزكاه و فى الرابعه يسألونهم عن شهر رمضان و فى الخامسه يسألونهم عن الحج و فى السادسه يسألونهم عن العمره و فى السابعه يسألونهم عن المظالم فمن أتى بما سئل عنه كما أمر جاز على الصراط والاحبس فذلك قوله ان ربك لبالمرصاد. (ر.ك: المعجم الكبير، ج8، ض101؛ تاريخ مدينه دمشق، ج24، ص69؛ مجمع الزوائد، ج10، ص354؛ كنز العمال، ح44238؛ الدر المنثور، ج6، ص348).

عقبه کؤودا (عقبه ای سخت)

انس گوید: رسول خدا ﷺ در ذیل آیه (فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ) فرمود:
أنس قال: قال رسول الله ﷺ في قوله تعالى: (فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ): إن
فوق الصراط عقبه كؤودا طولها ثلاثة آلاف عام: ألف عام هبوط، و ألف عام
شوكة و حسك و عقارب و حیات، و ألف عام صعود، أنا أول من يقطع تلك
العقبه، و ثاني من يقطع تلك العقبه على بن أبي طالب عليه السلام . و قال بعد كلام: لا
يقطعها في غير مشقه إلا محمد و أهل بيته عليه السلام (1).

1- ر.ك: المناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص 6؛ بحار، ج 8، ص 66. ح 7؛ تتمه الحقائق الناضرة، ج 1، ص 171؛ مستدرک سفینه البحار، ج 6، ص 264.

«بالای صراط عقبه کؤوداست [عقبه ای سخت و بد عبور] که طول آن سه هزار سال راه است و هزار سال پایین رفتن و هزار سال سختی راه و خار گیاهان تیز و عقرب ها و مارها و هزار سال بالا رفتن، من اولین کسی هستم که این عقبه را طی می کنم و دومین کسی که این عقبه را طی می کند علی بن ابیطالب علیه السلام است.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «همه، این عقبه را با سختی طی می کنندم، جز محمد و اهل بیتش علیهم السلام».»

حکایت سیدعبدالکریم نیلی نجفی رحمته الله

و سخن آخر حکایتی که شیخ عباس قمی رحمته الله در کتاب «منازل الآخرة» نقل کرده است که:

سید اکمل مؤید، علامه تحریر بهاء الدینی سیدعلی بن سید عبدالکریم نیلی نجفی رحمته الله که جلالت شأنش بسیار، و مناقبش بی شمار است و تلمیذ شیخ شهید و فخر المحققین است در کتاب «انوار المضيئه» در ابواب فضایل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به مناسبی این حکایت را از والدش نقل کرده که: در قریه نیله که قریه خودشان باشد شخصی بود که تولیت مسجد آن قریه با او بود، روزی از خانه بیرون نیامد، او را طلبیدند عذر آورد که نمی توانم، چون تحقیق کردند معلوم شد که بدن او به آتش سوخته سوای دو طرف رانهای او تا طرف زانوها که از آسیب سوخته محفوظ مانده و دیدند درد و آلم او را بیقرار کرده.

سبب آن را از او پرسیدند، گفت: در خواب دیدم که قیامت بر پا شده و مردم در حرج عظیمند و بسیار به آتش می روند و من از کسانی بودم که به بهشت مرا فرستادند، همین که رو به بهشت می رفتم به پلی رسیدم که عرض و طول آن بزرگ بود، گفتند این صراط است؛ پس ما از آن عبور کردیم و هر چه از آن طی می کردیم عرضش کم، و طولش بسیار می گشت تا رسید که مثل تیزی شمشیر شد، نگاه کردیم در زیر آن دیدیم که وادی بسیار بزرگی است و در آن، آتش سیاهی است و در آن، جمره هایی مثل قلّه کوه ها، و مردم بعضی نجات می یابند و بعضی در آتش می افتند و من پیوسته میل می کردم از طرفی به طرف دیگر مثل کسی که بخواهد بیفتد تا خود را رسانیدم به آخر صراط، به آنجا که رسیدم نتوانستم خودداری کنم که ناگاه در آتش افتادم و فرو رفتم در میان آتش، پس خود را رساندم به وادی و هر چه دست انداختم دستم به جایی بند نشد و آتش مرا پائین می کشید به قوّت جریان خود و من استغاثه می کردم، عقل از من پریده بود، پس مُلهم شدم به آنکه گفتم: یا علیّ بن ابیطالب، پس نظر افکندم دیدم مردی به کنار وادی ایستاده، در دلم افتاد که او علیّ بن ابیطالب علیه السلام است. گفتم: ای آقای من یا امیرالمؤمنین، فرمود: دست خود را بیاور نزدیک، پس کشیدم دست خود را به جانب آن حضرت، پس گرفت دست مرا و کشید مرا بیرون و افکند مرا در کنار وادی، پس آتش را از دو طرف ران من دور کرد به دست شریف خود که من وحشت نموده از خواب جستم و این حال خود را دیدم که ببینید سالم نمانده بدن من از آتش مگر آنجائی که امام دست مالیده.

پس مدّت سه ماه مرهم کاری کرد تا سوخته ها بهتر شد و بعد از آن کم بود
که نقل کند این حکایت را جهت احدی مگر آنکه تب او را می گرفت.⁽¹⁾

1- منازل الآخره، ص 119.

فصل سوّم: عبور گروه های مردم از صراط

عبور مردم از صراط

حسین بن سعید اهوازی (متوفای قرن دو هـ - ق) در کتاب «الزهد» خود و نیز شیخ صدوق رحمته الله در کتاب «أمالی» خود به اسناد از ابوصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

النَّاسُ يَمْرُونَ عَلَى الصِّرَاطِ طَبَقَاتٍ: وَالصِّرَاطُ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مِثْلَ الْبَرْقِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مِثْلَ عَدُوِّ الْفَرَسِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ حَبَوًّا وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مُتَعَلِّقًا قَدْ تَأَخَّذَ النَّارُ مِنْهُ شَيْئًا وَ تَتَرَكُّ شَيْئًا. ⁽¹⁾

«مردم در گذشتن از صراط به چند گروه تقسیم می شوند و پل صراط باریک تر از موی و برنده تر از لبه شمشیر است، برخی مانند برق می گذرند، برخی؛

1- ر.ک: أمالی شیخ صدوق، ص 177، ح 257؛ روضه الواعظین، ص 499؛

مانند اسب به تاخت می روند، برخی با سینه خیز می گذرند و بعضی در حالی می گذرند که خود را به آن آویخته اند و آتش مقداری از بدن آنها را گرفته است».

از رسول خدا ﷺ نیز روایت شده که فرمود:

مردم بر صراط باشند، برخی آویزان، بعضی لغزان و برخی پابرجا.

و در جایی دیگر فرمودند:

وَالنَّاسُ عَلَى الصِّرَاطِ فَمُتَعَلِّقٌ وَقَدَمٌ تَزَلُّ وَقَدَمٌ تَسْتَمْسِكُ⁽¹⁾

«در گذشتن از صراط برخی از مردم چون برق می گذرند، و برخی چون چشم به هم زدنی و برخی مانند اسیان و شتران تندرو و برخی مانند افراد پای بسته. پس عده ای حتماً نجات می یابند و عده ای زخمی و خونی به آهستگی می گذرند و عده ای در آن (دوزخ) می افتند».

و فرمود:

وَالنَّاسُ عَلَيْهِ كَالْبَرْقِ وَكَطَرْفَةِ الْعَيْنِ وَكَأَجَاوِدِ الْخَيْلِ وَالرُّكَّابِ وَشَدًّا عَلَى الْأَقْدَامِ، فَنَاجٍ مُسَلَّمٌ، وَمَخْدُوشٌ مُرْسَلٌ، وَمَطْرُوحٌ فِيهَا⁽²⁾.

-
- 1- ر.ک: الکافی، ج 8، ص 312، ح 486؛ أمالی شیخ صدوق، ص 177؛ تفسیر قمی، ج 2، ص 421؛ روضه الواعظین، ص 498؛ تفسیر صافی، ج 5، ص 327؛ بحار، ج 7، ص 126.
- 2- ر.ک: صحیح بخاری، ج 8، ص 182؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 116؛ سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1430، ح 4280، مسند احمد، ج 3، ص 17 و ج 6، ص 110 و....

«عده ای از صراط همچون برق می گذرند و عده ای همچون باد و به عده ای نوری داده می شود که جلوی پایشان را روشن می بینند و عده ای چهار دست و پا می گذرند و به سبب گناہانی که کرده اند آتش قسمتی از آنها را می گیرد».

از این روایت دانسته می شود که صراط تاریک است و مردمان به قدر نور خود آن را طی می کنند. نوری که به کمک اعمال خود در این دنیا کسب نموده و آنجا آن را جلوه می دهند.⁽¹⁾

و این نور، بستگی به قرب انسان به نور حضرت حق دارد، هر چه قدر انسان به حق تعالی قرب پیدا کند نور وجودش بیشتر می شود و به تبع آن از صراط عبورش سریع می گردد. و لذا در روایات تعبیر شده که عده ای همچون چشم بر هم زدن عبور می نمایند و عده ای سینه خیز و این به تفاوت شناخت انسان از حق تعالی می باشد. .

1- اشاره به روایت رسول خدا ﷺ «یرد الناس الصراط، ثم یصدرون عنها باعمالهم فاولها کلمح البرق ثم کالریح، ثم کحصر الفرس ثم کالکواکب فی رحاء، ثم کشد الرجل ثم کمشیه»: مردم کنار پل صراط می رسند و سپس به کمک اعمال خود از آن می گذرند. گروهی به سرعت برق، گروهی دیگر به سرعت باد و گروهی دیگر همچون اسبی که در حال تاخت و تاز است و گروهی همچون حرکت ستاره در مدار خود و گروهی چون مردی که در حال دویدن باشد و گروهی همچون راه رفتن معمولی. (ر.ک: سنن ترمذی، ج 4، ص 378؛ روضه الواعظین، ج 2، ص 353).

فصل چهارم: عواملی که موجب پایداری بر صراط است

اشاره

در مجموع عواملی که باعث پایداری قدم ها بر صراط می گردد عبارتند از:

امید به رحمت خدا

عبدالرحمان بن سمره گوید: روزی نزد رسول خدا ﷺ بودیم فرمود: من دیشب عجایی دیدم. عرض کردیم: یا رسول الله جان ما و اهل و اولاد ما فدای شما، چه دیدید؟ آن را برای ما نقل فرمائید.

فرمود: ⁽¹⁾

رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي وَقَدْ أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَهُ فَجَاءَهُ بِرُهُ بِوَالِدَيْهِ فَمَنَعَهُ مِنْهُ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ بُسِطَ عَلَيْهِ عَذَابُ الْقَبْرِ فَجَاءَهُ وَضُوؤُهُ فَمَنَعَهُ مِنْهُ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ احْتَوَشَتْهُ الشَّيَاطِينُ فَجَاءَهُ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَجَبَّاهُ مِنْ بَيْنِهِمْ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَلْهَثُ عَطْشًا كُلَّمَا وَرَدَ حَوْضًا مَنَعَ مِنْهُ؛ .

1- به خاطر زیبایی و اهميت حديث، تمام روايت نقل شده است.

فَجَاءَهُ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَسَقَاهُ وَأَرَوَاهُ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ احْتَوَشَتْهُ
مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ فَجَاءَتْهُ صَلَاتُهُ فَمَنَعَتْهُ مِنْهُمْ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي وَالنَّبِيُّونَ حَلَقًا
حَلَقًا كُلَّمَا أَتَى حَلَقَهُ طُرِدَ فَجَاءَهُ اغْتِسَالُهُ مِنَ الْجَنَابَةِ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَأَجْلَسَهُ إِلَى
جَنْبِي؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي بَيْنَ يَدَيْهِ ظُلْمَةٌ وَمِنْ خَلْفِهِ ظُلْمَةٌ وَعَنْ يَمِينِهِ ظُلْمَةٌ
وَعَنْ شِمَالِهِ ظُلْمَةٌ وَمِنْ تَحْتِهِ ظُلْمَةٌ مُسْتَنْفَعًا فِي الظُّلْمَةِ فَجَاءَهُ حُجَّةٌ وَعُمُرَتُهُ
فَأَخْرَجَاهُ مِنَ الظُّلْمَةِ وَأَدْخَلَاهُ النُّورَ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يُكَلِّمُ الْمُؤْمِنِينَ فَلَا
يُكَلِّمُونَهُ فَجَاءَهُ صَلَاتُهُ لِلرَّحِمِ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ كَلِّمُوهُ فَإِنَّهُ كَانَ وَاصِلًا لِرَحِمِهِ
فَكَلَّمَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَصَافَحُوهُ وَكَانَ مَعَهُمْ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَتَّقِي وَهَجَ
النِّيرانِ وَشَرَّهَا بِيَدِهِ وَوَجْهَهُ فَجَاءَتْهُ صَدَقَتُهُ فَكَانَتْ ظِلًّا عَلَى رَأْسِهِ وَسِتْرًا عَلَى
وَجْهِهِ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ أَخَذَتْهُ الزَّبَانِيَةُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَجَاءَهُ أَمْرُهُ
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ فَخَلَّصَاهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَجَعَلَاهُ مَعَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ؛ وَ
رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي جَائِيًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَحْمَةِ اللَّهِ حِجَابٌ فَجَاءَهُ حُسْنُ
خُلُقِهِ فَأَخَذَهُ بِيَدِهِ وَأَدْخَلَهُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ هَوَتْ
صَحِيفَتُهُ قَبْلَ شِمَالِهِ فَجَاءَهُ خَوْفُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ صَحِيفَتُهُ فَجَعَلَهَا فِي يَمِينِهِ؛ وَ
رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَجَاءَهُ إِفْرَاطُهُ فِي صَلَاتِهِ فَتَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ
[فَجَاءَهُ أَفْرَاطُهُ فَتَقَلُّوا مَوَازِينُهُ]؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَائِمًا عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ
فَجَاءَهُ رَجَاؤُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَاسْتَنْفَذَهُ مِنْ ذَلِكَ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ
هَوَى فِي النَّارِ فَجَاءَتْهُ دُمُوعُهُ الَّتِي بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ فَاسْتَخْرَجَتْهُ مِنْ ذَلِكَ؛ وَ
رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي عَلَى الصَّرَاطِ يَرْتَعِدُ كَمَا يَرْتَعِدُ السَّعْفَةُ فِي يَوْمِ رِيحٍ عَاصِفٍ
فَجَاءَهُ حُسْنُ ظَنِّهِ بِاللَّهِ فَسَكَنَ رَعْدَتُهُ وَمَضَى عَلَى الصَّرَاطِ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ
أُمَّتِي عَلَى الصَّرَاطِ يَزْحَفُ أَحْيَانًا وَيَحْبُو أَحْيَانًا وَيَتَعَلَّقُ أَحْيَانًا فَجَاءَتْهُ صَلَاتُهُ عَلَى
فَاقَامَتِهِ عَلَى قَدَمَيْهِ وَمَضَى عَلَى الصَّرَاطِ؛ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي انْتَهَى إِلَى أَبْوَابِ

الْجَنَّةِ كُلَّمَا انْتَهَى إِلَى بَابٍ أُغْلِقَ دُونَهُ فَجَاءَتْهُ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَادِقًا بِهَا
فَفَتَحَتْ لَهُ الْأَبْوَابَ وَدَخَلَ الْجَنَّةَ. ⁽¹⁾

«مردی از امتّم را دیدم که ملک الموت آمده بود جانّش را بگیرد و احسان
به پدر و مادر آمد و او را بازداشت، .

1- ر.ک: أمالی شیخ صدوق، ص 302، ح 342؛ فضائل الأشهر الثلاثة، ص 113.

مردی از اَمّتم را دیدم که عذاب قبر بر او چنگال گشوده وضویش آمده و آن را بازداشت، مردی از اَمّتم را دیدم که شیاطین گردش را گرفته بودند ذکر خدا عزّوجلّ آمد از میان آنها نجاتش داد، مردی از اَمّتم را دیدم که فرشته های عذاب دورش کرده بودند و نمازش آمد و جلو آنها را گرفت، مردی از اَمّتم را دیدم که از تشنگی له له می زد و به هر حوضی می رسید ممنوع می شد، روزه ماه رمضان آمد و او را سیراب کرد، مردی از اَمّتم را دیدم که به هر حلقه ای از انبیاء نزدیک می شد او را می راندند و غسل جنابتش آمد دست او را گرفت و پهلوی من نشانید، مردی از اَمّتم را دیدم که از شش جهت در تاریکی فرو بود حج و عمره اش آمدند و او را از تاریکی درآوردند و به روشنی رسانیدند، مردی از اَمّتم را دیدم که با مؤمنان سخن می گفت و با او سخن نمی گفتند و صله رحمش آمد و گفت: ای گروه مؤمنان با او سخن کنید که او صله رحم می کرد مؤمنان با او سخن کردند و دست دادند و با آنها همراه شد، مردی از اَمّتم را دیدم که دست و روی خود را سپر شراره آتش کرده بود، صدقه اش آمد سرپوش سر و سپر روی او شد، مردی از اَمّتم را دیدم که مأموران دوزخ او را از هر سو در گرفته بودند و امر به معروف و نهی از منکرش آمدند و او را از دست آنها رها کردند و به ملائکه رحمت سپردند، مردی از اَمّتم را دیدم که به زنان درآمده و میان او و رحمت خدا پرده ایست، حُسن خلقش آمد و او را وارد رحمت خدا کرد، مردی از اَمّتم را دیدم که نامه عملش از سمت چپ روان بود خوف او از خدا آمد و نامه عملش را گرفت و به دست راستش داد، مردی از اَمّتم را دیدم که میزانش سبک بود و بسیاری از نمازها را خوانده بود آمد و میزانش را سنگین کرد، مردی از اَمّتم را دیدم که بر پرتگاه دوزخ بود و امید او به خدا آمد و او را نجات داد، مردی از اَمّتم را دیدم در آتش سرازیر بود اشک

ها که از خوف خدا ریخته بود آمدند او را در آوردند، مردی از امتم را دیدم چون شاخه خرما در برابر باد سخت بر صراط می لرزید، خوش گمانی او به خدا آمد و او را آرام کرد و از صراط گذشت، مردی از امتم را دیدم روی صراط گاهی سینه می کشید و گاهی سر دست می رفت و گاهی آویزان می شد، صلواتی که بر من فرستاده بود آمد و او را بر پا داشت و از صراط گذشت، مردی از امتم را دیدم که به درهای بهشت می رفت و به هر دری می رسید به روی او بسته می شد شهادت او به یگانگی خدا از روی راستی آمد و درهای بهشت را به روی او گشود».

پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام ابراهیم بن ابی محمود از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوار خویش علیهم السلام روایت کرده که حضرت علی علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اینچنین به من فرمود:

.... أنت أوّل من یحوز الصراط معی و ان ربّی عزّ و جلّ أقسم بعزّته انه لا یحوز عقبه الصراط إلا من معه براءه بولایتک و ولایه الائمه من ولدک.⁽¹⁾
 «یا علی! توئی اوّل کسی که از صراط با من بگذرد و پروردگار به عزّت خود قسم یاد کرده که احدی از آستانه صراط نگذرد مگر آنکه بسبب دوستی تو و دوستی ائمه و اولاد تو برائت از آتش جهنم حاصل کرده باشد».

نیز فرمود:

انه لا يجوز على الصراط الا من كان معه كتاب من ولايه على بن ابي طالب
عليه السلام . (1)

«عبور بر صراط جايز نيست مگر برای کسی که همراه او نوشته اياز ولايت
على بن ابيطالب عليه السلام باشد».

امام باقر عليه السلام از پدران بزرگوار خود عليه السلام نقل می کند که رسول خدا
ﷺ فرمودند:

من سره أن يجوز على الصراط كالريح العاصف و يلج الجنة بغير حساب،
فليتول و لبي و وصيي و صاحبي و خليفتي على أهلي و أمتي على بن أبي
طالب، و من سره أن يلج النار فليترك ولايته، فرعه ربي و جلاله إنه لباب الله
الذي لا يؤتى إلاّ منه، و إنه الصراط المستقيم، و إنه الذي يسأل الله عن ولايته
يوم القيامة. (2) .

1- ر.ک: کاشف الغطاء، شيخ جعفر، كشف الغطاء، ج 1، ص 11.

2- ر.ک: أمالي شيخ صدوق، ص 363، ح 447؛ بشاره المصطفى، ص 94، ح 51؛ بحار، ج 38،
ص 98، ح 16؛ الامام على عليه السلام ، ص 46، ح 7.

«هر که را خوش آید که چون برق جهنده بر صراط گذرد و بی حساب به بهشت رود، باید ولایت ورزد با ولی و وصی و رفیق و جانشین من بر خاندان و امّتم علی بن ابی طالب علیه السلام؛ و هر که را خوش آید به دوزخ رود ترک ولایتش کند، به عزّت و جلال پروردگارم که او است باب الله که جز از آن نیایند و او است صراط مستقیم و او است که روز قیامت از ولایتش پرسش شود».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إذا كان يوم القيامة و نصب الصراط على سفير جهنم لم يجر عليه الا من كان معه كتاب بولايه على بن ابی طالب علیه السلام و لمحبيه ايضاً المرتبه العاليه.⁽¹⁾

«هنگامی که روز قیامت شود و صراط را بر آتش سخت جهنم گذارند، هیچ کس از صراط عبور نمی نماید مگر اینکه همراه او ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام باشد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود:

يا علي بشر شيعتك و أنصارك بخصال عشر: أولها طيب المولد، وثانيها حسن إيمانهم بالله، و ثالثها حب الله .

1- ر.ک: ابن البطريق، العمده، ص 369، ح 726؛ سيد بن طاووس، الطرائف، ص 82، ح 114؛ ابن جبر، نهج الايمان، ص 506؛ كشف اليقين، ص 304؛ شرح اصول کافی، ج 5، ص 85؛ بحار، ج 27، ص 141، ح 148.

عزوجل لهم، و رابعها الفسحه فى قبورهم، و خامسها النور على الصراط بين أعينهم، و سادسها نزع الفقر من بين أعينهم، . غنى قلوبهم، و سابعها المقت من الله عزوجل لاعدائهم، و ثامنها الامن من الجذام [و البرص و الجنون]، يا على و تاسعها انحطاط الذنوب و السيئات عنهم، و عاشرها هم معى فى الجنه و أنا معهم⁽¹⁾.

«ای علی! شیعیان و یاران خویش را به ده ویژگی مژده ده: حلال زاده هستند ایمان درستی به خداوند دارند، خدای گرامی و بزرگ آنان را دوست دارد، فراخی گور دارند، بر روی پل صراط پرتوی راه را بر ایشان روشن می سازد، تهی دستی از نزدشان رخت بر می بندد و دلهایشان استوار و بی نیاز است، خدا با دشمنانشان دشمنی می کند و بر آنان سخت می گیرد، از جذام و برص و دیوانگی در امانند، ای علی، گناهان و بدیهایشان فرو می ریزد و در بهشت آنان با من و من با ایشان هستم».

رسول خدا ﷺ فرمود:

أن وليّ عليّ عليه السلام براءه فى ثلاثه مواطن حيث يسره عند الموت يو عند الصراط و عند الحوض⁽²⁾.

-
- 1- ر.ک: الخصال، ص 430، ح 10؛ مشکاه الأنوار، ص 150؛ روضه الواعظین، ص 293؛ أعلام الدین، ص 450؛ بحار، ج 27، ص 162، ح 12.
 - 2- ر.ک: من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 137، ح 369؛ منتهی المطلب، ج 1، ص 469.

«دوست و طرفدار امیرالمؤمنین علیه السلام آن حضرت را در سه موضع می بیند به گونه ای که شادمانش سازد: اوّل به هنگام مرگ، دوم نزدیک صراط یا هنگام عبور از صراط، و سوّم در کنار حوض کوثر».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

معرفه آل محمد علیهم السلام برائۀ من النار و حبّ آل محمد علیهم السلام جواز علی الصراط و الولاية لآل محمد علیهم السلام أمان من العذاب.⁽¹⁾

«شناخت خاندان محمد علیه السلام باعث بیزاری از آتش، و دوستی خاندان محمد علیهم السلام وسیله عبور از صراط، و ولایت خاندان محمد علیهم السلام سبب ایمنی از عذاب است».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

یا علی! إخوانک یفرحون فی ثلاثه مواطن: عند خروج أنفسهم و أنا شاهدهم و أنت، و عند المسأله فی قبورهم، و عند العرض الاکبر، و عند الصراط إذا سئل الخلق عن إيمانها فلم یجیبوا.⁽²⁾

1- رک: الشفا بتعريف حقوق المصطفى، القاضي عياض، ج 2، ص 47؛ الأربعين محمد طاهر قمی، ص 475؛ كشف الغطاء، ج 1، ص 8؛ النص و الاجتهاد، ص 545.

2- رک: أمالی شیخ صدوق، ص 656، ح 891؛ فضائل الشيعة، ص 15؛ المحتضر، ص 15؛ بحار، ج 39، ص 307، ح 122؛ الامام علی علیه السلام، ص 426.

«ای علی! برادرانت در سه جا شادند: هنگام جان دادن که من بالین آنهایم و تو هنگام سؤال و جواب در قبر وقت سان بزرگ و در صراط که از خلق بازپرسی کنند و نتوانند جواب دهند».

رسول خدا ﷺ فرمود:

یا علی! إذا كان يوم القيامة اقعد أنا و جبرئيل على الصراط فلا يجوز احد إلا من كان معه براءه بولايتك.⁽¹⁾

«ای علی! چون روز قیامت شود، من و تو و جبرئیل بر صراط می نشینم و هیچ کس از صراط نخواهد گذشت مگر اینکه پروانه ولایت تو را با خود داشته باشد».

زید حشام گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رفتم، به من فرمود:
يَا زَيْدُ جَدَّدْ عِبَادَهُ وَ أَحْدِثْ تَوْبَهُ. قَالَ نَعَيْتَ إِلَيَّ نَفْسِي جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ فَقَالَ
يَا زَيْدُ مَا عِنْدَنَا خَيْرٌ لَكَ وَ أَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا قَالَ وَ قُلْتُ وَ كَيْفَ لِي أَنْ أَكُونَ مِنْ
شِيعَتِكُمْ قَالَ فَقَالَ لِي أَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا إِلَيْنَا الصِّرَاطُ وَ الْمِيزَانُ وَ حِسَابُ شِيعَتِنَا وَ
اللَّهُ لَأَنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ كَأَنْ-يَ أَنْظُرُ إِلَيْكَ وَ رَفِيقِكَ فِي دَرَجَتِكَ فِي
الْجَنَّةِ.⁽²⁾

1- ر.ک: تصحيح اعتقادات الإماميه، شيخ مفيد، ص 108؛ بشاره المصطفى، ص 196، ح 13؛ روضه
الواعظين، ص 128؛ تأويل الآيات، ج 2، ص 610.
2- ر.ک: بصائر الدرجات، ص 285، ح 15؛ دلائل الامامه طبري، ص 281، ح 224.

«ای زید! عبادت را از سر بگیر و توبه کن، عرض کردم: آقا خبر مرگ به من می دهید. فرمود: زید! آنچه نزد ما است برای تو بهتر است، تو از شیعیان مائی. عرض کردم: آقا آیا ممکن است من از شیعیان شما باشم؟! فرمود: بلی تو از شیعیان ما هستی، صراط و میزان حساب شیعیان به دست ما است، به خدا قسم من به شما از خودمان مهربانترم و گوئی می بینم تو و رفیقت را در بهشت».

شناخت اهل بیت علیهم السلام

اصبغ بن نباته رحمته الله گوید: نزد امیرمؤمنان علیه السلام نشسته بودم که ابن کواء آمد و عرض نمود: ای امیرمؤمنان، مفاد آیه: **(وَعَلَى الْأَعْرَافِ⁽¹⁾ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ⁽²⁾)** چیست؟ .

1- اعراف بنابر آنچه در تفاسیر آمده است: گذرگاه مرتفع و سختی است میان بهشت و جهنم، که مانع از مشاهده یکدیگر بهشتیان و جهنمیان می شود، و افرادی که خوبی و بدی را به هم آمیخته باشند در این مسیر وا می مانند. علی بن ابراهیم قمی رحمته الله در تفسیر خود (تفسیر قمی) از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «اعراف، تپه ای است میان بهشت و دوزخ، و امامان آن مردانی هستند که بر اعراف در کنار شیعیان (گناهکارشان) قرار می گیرند، در حالی که مؤمنان خالص بدون نیاز به حساب در بهشت جای گرفته اند... امامان و پیشوایان در این موقع به پیروان گنهکار خود می گویند خوب نگاه کنید، برادران با ایمان خود را چگونه بدون حساب به سوی بهشت شتافته اند، و این همان است که خداوند می گوید: (وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِن سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ) (اعراف: 46): یعنی: «آنها به بهشتیان درود می فرستند در حالی که خودشان هنوز وارد بهشت نشده اند و آرزو دارند». سپس به آنها گفته می شود، دشمنان حق را بنگیرد که چگونه در آتشند و این همان است که خداوند می فرماید: (وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) بعد به دوزخیان می گویند اینها (پیروان و شیعیانی که آلوده گناهانی بوده اند) همانها هستند که شما می گفتید هرگز مشمول رحمت الهی

نخواهند شد، (سپس رحمت الهی شامل حال آنها شده) و به این دسته از گنهکاران (که بر اثر ایمان و اعمال صالحی شایستگی عفو و آمرزش دارند) از طرف امامان و پیشوایان دستور داده می شود که به سوی بهشت بروید نه غمی دارید و نه ترسی». (ر.ک: تفسیر قمی، ج 1، ص 231؛ تفسیر نمونه، ج 6، ص 190).

2- سوره اعراف، آیه 46: «و بر اعراف مردانی هستند که هر یک از آن دو را از سیمایشان می شناسند».

امام علیؑ فرمود:

نَحْنُ عَلَى الْأَعْرَافِ، نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسَيِّمَاهُمْ وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِي لَا يُعْرِفُ اللَّهُ
عَزَّوَجَلَّ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ يُعْرِفُنَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى
الصِّرَاطِ فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَعَرَفَنَاهُ⁽¹⁾

«ما بر اعراف هستیم و یاران خود را از سیمای آنها می شناسیم و ما اعراف
(و عارفان به حضرت حق هستیم) که خداوند متعال جز از طریق شناخت و
معرفت ما شناخته نمی شود و ما هستیم که بین بهشت و جهنم .

1- ر.ک: بصائر الدرجات، ص 516، ح 6؛ این روایت به نقل مقرر از امام صادق علیؑ نیز روایت
شده است. (نک: الکافی، ج 1، ص 189، ح 9).

می ایستیم. کسی وارد بهشت نمی شود مگر اینکه ما او را بشناسیم و او ما را بشناسد. و کسی وارد آتش نمی شود مگر اینکه ما او را نشناسیم و او ما را نشناسد».

دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

أَتْبِتْكُمْ قَدْماً عَلَى الصَّرَاطِ أَشَدَّكُمْ حُبّاً لَأَهْلِ بَيْتِي.⁽¹⁾
«پایدارترین شما بر صراط، کسی است که محبتش به اهل بیت من بیشتر باشد».

جابر بن عبدالله انصاری گوید: روزی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودم که صورت خود را به جانب علی بن ابی طالب علیه السلام کرد و فرمود:
أَلَا أُبَشِّرُكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ! قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ هَذَا جَبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي عَنْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَدْ أَعْطَى شِيعَتَكَ وَ مُحِبِّيكَ سَبْعَ خِصَالٍ: الرَّفْقَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْأُنْسَ عِنْدَ الْوَحْشَةِ وَ النُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْفَزَعِ وَ الْقِسْطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ الْجَوَازَ عَلَى الصَّرَاطِ وَ دُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ النَّاسِ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ.⁽²⁾

1- ر.ک: فضائل الشیعه، ص 48، ح 3.

2- ر.ک: الخصال، ص 403، ح 112؛ روضه الواعظین، ص 297.

«ای ابوالحسن آیا به تو مژده ندهم؟ گفت: آری یا رسول الله. فرمود: اینک جبرئیل به من از جانب خداوند خبر می دهد که به شیعیان و دوستداران تو هفت خصلت عطا کرده است: آسانی در هنگام مرگ و انس در هنگام وحشت و نور در تاریکی و امانیت در هنگام فرع قیامت و عدل و داد در میزان عمل و عبور از پل صراط و وارد شدن در بهشت پیش مردم. نور آنان در برابر آنان و سمت راستشان است».

رسول خدا ﷺ فرمود:

أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا نَادَاهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ أَنْ يَا عَبْدَ اللَّهِ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ الذُّنُوبَ كُلَّهَا أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَضَعَ اللَّهُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجَ الْكَرَامَةِ وَ أَلْبَسَهُ حُلَّةَ الْعِزَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا مَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ وَ لَمْ يَرِ صُعُوبَةً أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةً مِنَ النِّفَاقِ وَ جَوَازًا عَلَى الصَّرَاطِ وَ أَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا لَا يُنْشَرُ لَهُ دِيوَانٌ وَ لَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَ قِيلَ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصَّرَاطِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صَافَحَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ زَارَتْهُ أَرْوَاحُ الْأَنْبِيَاءِ وَ قَضَى اللَّهُ لَهُ كُلَّ حَاجَةٍ كَانَتْ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُعْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ كُنْتُ أَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ (1).

«بدانید، کسی که علی علیه السلام را دوست داشته باشد فرشته ای از زیر عرش الهی صدایش می کند و گوید ای بنده خدا عمل خالصی شروع کردی خداوند گناهان ترا ببامرزد، هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد مانند ماه تابان شب

چهارده به صحرای محشر وارد می گردد، کسی که او را دوست داشته باشد تاجی بر سر او گذاشته شده و لباسهای عزّت بر او پوشانیده می شود، کسی که علی علیه السلام را دوست داشته باشد از پل صراط مانند برق جهنده می گذرد، هر که او را دوست داشته باشد امان از آتش دوزخ و عذاب الهی و اجازه عبور از صراط به وی عطا می شود و برای او حسابی نیست و دیوان عمل او را باز نمی کنند و اعمال او را نمی سنجند و به او می گویند بدون حساب به بهشت داخل شو، کسی که دوستدار علی علیه السلام است فرشتگان با وی مصافحه کنند و انبیا زیارتش نمایند و خداوند متعال حاجاتش را برآورد، کسی که آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را دوست بدارد از پس دادن حساب و سنجش اعمال و لغزش از پل صراط ایمن .

1- ر.ک: فضائل الشیعه، ص5؛ بشاره المصطفی، ص70، ح2؛ نهج الایمان، ص27؛ تأویل الآیات، ج2، ص864؛ بحار، ج27، ص115، ص89.

است، شخصی که بر دوستی آل محمد ﷺ بمیرد من ضامن بودن او با انبیا در بهشت، بر حذر باشید کسی که بر دشمنی آل محمد ﷺ بمیرد بوی بهشت را استشمام نمی کند».

حارث همدانی رحمه الله گوید: روزی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رفتم، فرمود: چه سبب شد که اینجا آمدی؟ عرض کردم: به خدا قسم، (فقط) دوستی شما، فرمود:

قال عليه السلام: ان كنت صادقاً لتراني في ثلاثة مواطن: حيث تبلغ نفسك هذه - و أوماً بيده الى حنجرته - و عند الصراط، و عند الحوض.⁽¹⁾

«اگر راست گفته باشی حتماً مرا در سه جایگاه می بینی: موقعی که جانت به اینجا برسد و حضرت به انگشت اشاره به حنجره خود نمودند - و نزد پل صراط و کنار حوض کوثر».

امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوار خویش علیه السلام روایت می کند که رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ مَا ثَبَتُ حُبَّكَ فِي قَلْبِ أَمْرِي مُؤْمِنٍ فَزَلْتُ بِهِ قَدَمُهُ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا ثَبَتَتْ لَهُ قَدَمٌ حَتَّى يُدْخِلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِحُبِّكَ الْجَنَّةَ.⁽²⁾

1- ر.ک: الدعوات راوندی، ص 249، ح 699؛ بحار، ج 6، ص 195، ح 46.

2- ر.ک: امالی شیخ صدوق، 679، ح 927؛ فضائل الشیعه، ص 6.

«ای علی! دوستی تو در قلب مرد مؤمنی پا بر جا نشود، مگر اینکه خداوند متعال قدم او را بر صراط پایدار نگه دارد و او را به سبب دوستی تو وارد بهشت گرداند».

حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود:

.... ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ يَا أَهْلَ الْقِيَامَةِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ فَهَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم تَمُرُّ عَلَى الصِّرَاطِ فَتَمُرُّ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَام) وَ شِيعَتُهَا عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ (1).

«چون روز رستاخیز شود ندا کننده ای از طرف خداوند فریاد زند: ای اهل قیامت! چشمان خود را ببندید، این فاطمه دختر محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که می خواهد از صراط عبور کند، پس فاطمه علیها السلام عبور نماید و شیعیان و دوستان او چون برق جهنده از صراط می گذرند».

و در روایتی دیگر آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ تَحْتَ الْحُجُبِ يَا أَهْلَ الْجَمْعِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ نَكَّسُوا رُءُوسَكُمْ فَهَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ تُرِيدُ أَنْ تَمُرَّ عَلَى الصِّرَاطِ (2).

1- ر.ک: ثواب الاعمال، ص 220.

2- ر.ک: مسند زینب علی، ص 460؛ فوائد العراقيين ابن نقاش، ص 77؛ ذخائر العقبی، ص 48؛ کنز العمال، احادیث: 34209-34211.

«چون روز رستاخیز شود ندا کننده ای فریاد زند: ای اهل محشر چشمان خود را ببندید و سرهای خود را به پایین افکنید، اینک فاطمه دختر محمد رسول خدا می خواهد از صراط عبور کند».

در برخی روایات آمده که: همراه حضرت زهرا علیها السلام هفتاد هزار کنیز از حورالعین می باشد که همراه آن حضرت مانند برق از صراط عبور می نمایند.⁽¹⁾ محمد بن جعفر بن راشد که یکی از راویان اهل سنت است، روایت کرده که: پدرم به من گفت که: من از حسین بن علوان شنیدم که او از سعد بن طریف شنیده که اصبع بن نباه گفته: روزی در مجلس منور شاه اولیا، علی المرتضی علیه السلام نشسته بودم که، عبدالله بن کواء آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین، مرا آگاه کن از تفسیر آیه (وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ) ⁽²⁾ آن حضرت فرمود که:

ای پسر کواء! آگاه باش ما که اهل بیت نبوت و معدن رسالتیم، فردای قیامت زمام اختیار به دست ما دهند و خطاب عزّت به ما رسد، که آن کس که اهل دوزخ باشد، او را به دوزخ فرستید و هر که از اهل بهشت است، او را به بهشت در آرید، آن کسانی که در دار دنیا نصرت ما کرده باشند و در محبت ما کوشیده و شراب محبت ما نوشیدند ایشان را به .

1- ر.ک: دلائل الامامه ابن جریر (متوفای اوائل قرن چهارم هجری)، ص 142، ح 49.

2- اعراف، آیه 46.

علامات دوستی بشناسیم و به تعظیم تمام در بهشت عنبر سرشت درآریم. و آنان که در این جهان، عداوت ما ورزیده باشند و ایذا و آزار به محبان ما رسانیده، ایشان را به علامات بغض بشناسیم و به عذا جحیم و عقاب الیم رسانیم.⁽¹⁾

در روایت دیگر است: حارث همدانی، که یکی از محبان امیر متقیان است و اکثر اوقات در ملازمت آن حضرت می بود، روزی به آن حضرت عرض نمود: یا امیرالمؤمنین! من از دو حالت ترسان و هراسانم، یکی در حالت جان دادن و دوم در حالت گذشتن از صراط.

حضرت فرمود: ای حارث! بشارت باد تو را که من دوستان خود را در این دو حالت فرو نگذارم و در این دو وقت، خود را به ایشان رسانم و من ایشان را بشناسم و ایشان نیز مرا بشناسند، و من شفیع ایشان باشم و آتش دوزخ را گویم که: ایشان را بگذار که از محبان و مخلصان من هستند، و ایشان را به مقصد خود رسانم.⁽²⁾

زیارت اهل بیت علیهم السلام

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب امالی خود از ابن عباس نقل می کند که گفت: یک روز پیغمبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله نشسته بود، ناگاه امام حسن علیه السلام آمد و پیامبر خدا پس از دیدن او .

1- ر.ک: شرح مصباح الشریعه، ص 362.

2- همان.

گریان شد، و به امام حسن علیه السلام فرمود: الیّ الیّ یا بنی! یعنی: ای پسر کوچک و عزیزم! نزد من بیا، رسول خدا او را همچنان نزد خویشان برد تا وی را بر سر زانوی راست خود نشانید، تا آنجا که فرمود:

وَأُمَّا الْحَسَنُ فَإِنَّهُ ابْنِي وَوُلْدِي وَبَضْعُهُ مِنِّي وَقُرَّةُ عَيْنِي وَضِيَاءُ قَلْبِي وَثَمَرَةُ فُؤَادِي وَهُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْأُمَّةِ أَمْرُهُ أَمْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَإِنِّي لَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ تَذَكَّرْتُ مَا يَجْرِي عَلَيْهِ مِنَ الذُّلِّ بَعْدِي فَلَا يَزَالُ الْأَمْرُ بِهِ حَتَّى يُقْتَلَ بِالسَّيِّئِ ظُلْمًا وَغُدُونًا فَعِنْدَ ذَلِكَ تَبْكِي الْمَلَائِكَةُ وَالسَّبْعُ الشَّدَادُ لِمَوْتِهِ وَيَبْكِيهِ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الطَّيْرُ فِي جَوِّ السَّمَاءِ وَالْحَيْتَانِ فِي جَوْفِ الْمَاءِ فَمَنْ بَكَاهُ لَمْ تَعَمْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَعْمَى الْعُيُونُ وَمَنْ حَزَنَ عَلَيْهِ لَمْ يَحْزَنْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَحْزَنُ الْقُلُوبُ وَمَنْ زَارَهُ فِي بَقِيعِهِ ثَبَّتَتْ قَدَمُهُ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ.⁽¹⁾

«این حسن پسر من، از من، نور چشم من، روشنی قلب من، میوه دل من، بزرگ جوانان اهل بهشت، حجت خدا است برای امت، امر او امر من، قول وی قول من می باشد. کسی که تابع حسن گردد از من و کسی که از فرمان او سرپیچ باشد از من نخواهد بود. .

1- ر.ک: أمالی شیخ صدوق، ص 176، ح 178؛ بحار، ح 28، ص 39.

هنگامی که من به حسن نظر کردم به یاد آن دلت هائی آمدم که بعد از من خواهد دید! وضع حسن همچنان خواهد بود تا اینکه بوسیله زهر کشته خواهد شد. در همان موقع است که ملائکه و آسمانهای هفت گانه برای شهادت او گریان می شوند و هر چیز برای مظلومیت حسن گریه می کنند، حتی پرندگان هوا و ماهیان دریا. هر کسی برای حسنم گریه کند چشمش در آن روزی که کلیه چشمها کور می شوند کور نخواهد شد. کسی که برای او محزون گردد قلبش در آن روزی که همه قلب ها محزون می شوند محزون نخواهد شد. هر کسی حسنم را در بقیع زیارت کند قدم او در آن روزی که قدم ها در صراط می لغزند لغزش نخواهد یافت».

به سند صحیح و در کتبی معتبر، از ابراهیم بن اسحاق نهاوندی روایت شده که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَشِمَالًا وَعِنْدَ الْمِيزَانِ⁽¹⁾.

1- ر.ک: من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 584؛ امالی شیخ صدوق، ص 183، ح 189؛ الخصال، ص 168، ح 220؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 285؛ المقنعه شیخ مفید، ص 479؛ تهذیب الاحکام، ج 6، ص 85، ح 169؛ الدروس شهید اول، ج 2، ص 14؛ کامل الزیارات، ص 506، ح 789؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 551، ح 19799.

هر کس مرا در غربت زیارت کند من به روز قیامت در سه جا به نزد او
خواهم آمد تا از ترسهای آن ها نجاتش بخشم: هنگامی که نامه های اعمال
مردم از راست و چپ پُرآن شود و در نزد صراط و در نزد میزان».

صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد

رسول خدا ﷺ فرمود:

أَكثِرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَ نُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ، وَ نُورٌ
فِي الْجَنَّةِ.⁽¹⁾

«بر من زیاد درود و صلوات فرستید که آن نور در قبر و نوری بر پل صراط،
و نوری در بهشت می شود».

و در روایتی دیگر حضرت ﷺ فرمود:

رَأَيْتُ رَجُلًا ضَلَّ فِي الْمَنَامِ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الصِّرَاطِ يَرْجِفُ أَحْيَانًا وَ يَحْبُوا أَحْيَانًا
وَ يَتَعَلَّقُ أَحْيَانًا فَجَاءَتْهُ صَلَاتُهُ عَلَى وَ إِقَامَتُهُ عَلَى قَدَمَيْهِ حَتَّى مَضَى عَلَى
الصِّرَاطِ.⁽²⁾

«در خواب مردی از امت خودم را بر پل صراط دیدم که سخت افتان و
خیزان بود. گاه آویخته می شد و گاهی به جلو برمی داشت و گاهی به عقب می
رفت. .

1- ر.ک: بحار، ج 79، ص 64 و ج 91، ص 70؛ مستدرک سفینه البحار، ج 9، ص 466.

2- ر.ک: روضه الواعظین، ص 322.

در این هنگام صلوات فرستادن او بر من آمد و او را استوار داشت تا از پل صراط بگذرد».

وضو گرفتن

انس بن مالک گوید: روزی رسول خدا ﷺ به من فرمود:

يَا اُنْسُ اَسْبِغِ الْوُضُوءَ تَمْرًا عَلَى الصَّرَاطِ مَرَّ السَّحَابِ وَ اَفْشِ السَّلَامَ يَكْثُرُ خَيْرُ بَيْتِكَ اَكْثَرَ مِنْ صَدَقَةِ السَّرِّ فَاِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ عَزَّوَجَلَّ. ⁽¹⁾

«ای انس وضو را کامل بگیر (و آب را به همه اعضای وضوء برسان) تا از پل صراط همانند ابر بگذری و سلام را آشکارا بگو تا خیر و برکت خانه ات زیاده شود و صدقه پنهانی بسیار ده که صدقه به پنهانی دادن آتش خشم پروردگار عزوجل را خاموش می کند».

آداب وضو را رعایت کردن، دعاهاى آن را قرائت نمودن، نیز باعث پایداری بر صراط می گردد.

به سند معتبر روایت شده است که حضرت علی عليه السلام در دعای وضو برای مسخ پا چنین می فرمود:

اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَيَّ عَلَى الصَّرَاطِ [ثَبِّتْنِي عَلَى الصَّرَاطِ] يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِيْمَا يَرْضِيكَ عَنِّي. ⁽²⁾

1- ر.ک: الخصال، ص 181، ح 246؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 489، ص 1293.

2- ر.ک: الکافی ج 3، ص 71، ح 6؛ فقه الرضا عليه السلام، ص 70؛ المقنعه، ص 46.

«خدایا دو گامم را بر صراط بر جا دار روزی که گامها بلغزند و تلاشم را بدان کاری قرار ده که ترا از من خشنود کند».

و قرائت این دعاها در وضو اثر گذاشته و حق عضو (پا) را ادا می کند و همین باعث می گردد که انسان از محرّمات الهی دوری کند.⁽¹⁾

ثابت بن دینار (ابوحمزّه ثمالی) گوید: امام سجاد علیه السلام فرمود:

وَحَقُّ رَجْلَيْكَ أَنْ لَا تَمْشِيَ بِهِمَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ فِيهِمَا تَفْفُ عَلَى الصِّرَاطِ
فَانْظُرْ أَنْ لَا تَزِلَّ بِكَ فَتَتَرَدَّى فِي النَّارِ.⁽²⁾

«حقّ پا بر تو این است که به وسیله آن به سوی محرّمات حرکت نکنی، چه اینکه فردای قیامت با همین پاها بر صراط می ایستی پس مواظب باش که پاهایت از صراط نلغزد که در آتش جهنّم خواهی افتاد».

محافظت بر نمازهای پنجگانه

از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: .

-
- 1- امروزه این تأثیر بوسیله آزمایش و علوم تجربی به اثبات رسیده است. «کیوموتو» دانشمندی است که در این باره تحقیق کرده و تحت عنوان «مولکول آب» بسیاری از فرضیات را به اثبات رسانیده است و لذاست که هر کلامی - چه خوب چه بد - در انسان تأثیر گذار است.
 - 2- رک: تحف العقول، ص 257؛ بحار، ج 71، ص 11؛ مستدرک الوسائل، ج 11، ص 156.

من حافظ علی الصلوات الخمس حیث کان و این کان جاز الصراط یوم
القیامه کالبرق اللامع.⁽¹⁾

«کسی که بر نمازهای پنجگانه اش محافظت نماید، در هر حالتی که بود و هر
کجا که بود، روز قیامت چون برق از صراط عبور نماید».

شرکت در نماز جماعت

از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود:

مَنْ حَافِظَ عَلَى الْجَمَاعَةِ حَيْثُ مَا كَانَ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ فِي أَوَّلِ
زُمْرِهِ مَعَ السَّابِقِينَ وَ وَجْهُهُ أَضْوَاءٌ مِنَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ
يُحَافِظُ عَلَيْهَا ثَوَابٌ شَهِيدٍ.⁽²⁾

«هر کس مراقب باشد که هر کجا هست نماز خود را به جماعت بخواند، روز
قیامت در میان اولین گروه از سبقت گیرندگان، با چهره ای تابناک تر از ماه شب
چهاردهم، از صراط همچون برق جهنده می گذرد، و برای او به هر شبانه روزی
که بر خواندن نماز جماعت مواظبت داشته پاداش یک شهید خواهد بود».

1- ر.ک: المعجم الاوسط، ج 6، ص 369؛ المجروحین ابن حبان، ج 3، ص 155؛ علل دارقطنی، ج 8،

ص 30؛ مجمع الزوائد، ج 2، ص 39؛ کنز العمال، ج 20290.

2- ر.ک: ثواب الاعمال، ص 291؛ بحار، ج 73، ص 370.

نماز عشاء

از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت شده است که چند نفر یهودی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و از آن حضرت پرسشهایی را نمودند.... رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد علت وجوب نماز عشاء به آنها فرمودند:

و أما صلاة العشاء الآخرة فإن للقبر ظلمه أمرني الله و أمتي بهذه الصلاة في ذلك الوقت لتتور لهم القبور و ليعطوا النور على الصراط و ما من قدم، مشيت إلى صلاة العتمة ألا حرم الله جسدها على النار⁽¹⁾

«نماز عشاء برای آنست که گور تاریک است و قیامت تاریکی دارد و خدا مرا و ائمتم را به این نماز در این وقت فرمان داده تا قبرشان روشن گردد و بر صراط نوری به آنها عطا شود و هر گامی که برای نماز عشاء بردارند خدا تن آنها را بر آتش حرام کند».

بعد هر نماز بخواند

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که می فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرمود:

من قرأ في دبر كل صلوة مكتوبة (قل هو الله أحد) مائة مرة جاز الصراط يوم القيامة، و عن يمينه ثمانيه .

1- ربك: المحاسن، ج 2، ص 323؛ من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 213؛ علل الشرائع، ج 2، ص 338؛ فلاح السائل، ص 126.

إذرع و عن شماله ثمانيه إذرع، و جبرئيل أخذ بحجزته و هو ينظر في النار
يمينا و شمالا، فمن رأى فيها من يعرفه دخل بذنب غير الشرک أخذ بيده فأدخله
الجنة بشفاعته،⁽¹⁾

«هر کس نماز واجب «قل هو الله احد» را صد مرتبه بخواند، روز قیامت از
صراط عبور نماید و از جانب راست او هشت ذراع (حدود چهار متر) و از
جانب چپ او نیز هشت ذراع باشد و جبرئیل عليه السلام دامن او را گیرد در حالی که
او از چپ و راست به آتش دوزخ نگاه می کند، پس اگر کسی از آشنایان را دید
که به غیر گناه شرک در آتش است، دست او را گرفته و با شفاعتش داخل
بهشت گرداند».

نماز شب

امام صادق عليه السلام از پدران خود عليه السلام از حضرت علی عليه السلام که فرمود: رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده:

صَلَاةُ اللَّيْلِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ وَ حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ سُنَّةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ وَ أَصْلُ
الْإِيمَانِ وَ رَاحَةُ الْأَبْدَانِ وَ كَرَاهِيَةٌ لِلشَّيْطَانِ وَ سِلَاحٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ إِجَابَةٌ لِلدُّعَاءِ وَ
قَبُولٌ لِلْأَعْمَالِ وَ بَرَكَةٌ فِي الرِّزْقِ وَ شَفِيعٌ بَيْنَ صَاحِبِهَا وَ بَيْنَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَ سِرَاجٌ
فِي قَبْرِهِ وَ فِرَاشٌ مِنْ تَحْتِ جَنَبَيْهِ .

1- ر.ک: دعائم الاسلام، ج 1، ص 170؛ بحار، ج 83، ص 36.

وَجَوَابُ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَ مُنْسٍ وَ زَائِرٌ فِي قَبْرِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كَانَتْ الصَّلَاةُ ظِلًّا عَلَيْهِ وَ تَاجًا عَلَى رَأْسِهِ وَ لِبَاسًا عَلَى بَدَنِهِ وَ نُورًا يَسْعَى بَيْنَ يَدَيْهِ وَ سِتْرًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ وَ حُجَّةً لِلْمُؤْمِنِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى وَ ثِقْلًا فِي الْمَوَازِينِ وَ جَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ وَ مِفْتَاحًا لِلْجَنَّةِ.⁽¹⁾

«نماز شب موجب رضایت پروردگار و محبت ملائکه، و سنت انبیاء، و نور معرفت و اصل ایمان، و راحتی بدنم، و کراهت و ناخشنودی شیطان، و سلاح بر دشمنان، و موجب اجابت دعاء، و قبولی اعمال، و برکت در رزق، و شفیع بین انسان و ملک الموت، و چراغ گور انسان، و فرش زیر پهلوی انسان در قبر، و جواب نکیر و منکر، و منس و زائر انسان در قبر تا روز قیامت است، و چون روز قیامت شود، سایه ای بر بالای سر او، و تاجی بر سر او، و لباسی بر بدن او، و نوری که پیشاپیش او در حرکت است، و پوششی بین او و آتش، و حجتی بین او و بین خداوند متعال، و مایه سنگینی میزان او، و جواز و گذرنامه عبور از صراط، و کلید بهشت است.»

جابر بن اسماعیل از امام صادق و آن حضرت از پدرش علیه السلام روایت کرده
مردی از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد .

1- ر.ک: ارشاد القلوب، ج 1، ص 191.

شب زنده داری به خواندن قرآن یا تلاوت قرآن در نماز سؤال کرد، آیا حضرت به او فرمود: ⁽¹⁾

أَبَشِّرْ مَنْ صَلَّى مِنَ اللَّيْلِ عَشْرَ لَيْلٍ اللَّهُ مُخْلِصًا ابْتِغَاءَ ثَوَابِ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ اكْتُبُوا لِعَبْدِي هَذَا مِنَ الْحَسَنَاتِ عَدَدَ مَا أَنْبَتَ فِي اللَّيْلِ مِنْ حَبَّةٍ وَرَقَةٍ وَشَجَرَةٍ وَعَدَدَ كُلِّ قَصَبَةٍ وَخُوصٍ وَمَرْعَى. وَمَنْ صَلَّى تِسْعَ لَيْلٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَشْرَ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٍ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ. وَمَنْ صَلَّى ثَمَنَ لَيْلٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ صَابِرٍ صَادِقِ النَّيِّهِ وَشُفِّعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ. وَمَنْ صَلَّى سُبْعَ لَيْلٍ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ يَوْمَ يُبْعَثُ وَوَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ حَتَّى يَمُرَّ عَلَى الصَّرَاطِ مَعَ الْآمِنِينَ. وَمَنْ صَلَّى سُدُسَ لَيْلٍ كُتِبَ فِي الْأَوَّابِينَ وَغُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. وَمَنْ صَلَّى خُمُسَ لَيْلٍ زَاكَمَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ فِي قُبَّتِهِ. وَمَنْ صَلَّى رُبْعَ لَيْلٍ كَانَ فِي أَوَّلِ الْفَائِزِينَ حَتَّى يَمُرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالرَّيِّحِ الْعَاصِفِ وَيدْخُلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. وَمَنْ صَلَّى ثُلْثَ لَيْلٍ لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ إِلَّا غَبَطَهُ بِمَنْزِلَتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَقِيلَ لَهُ ادْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ شِئْتَ.

1- به خاطر اهمیت، تمام روایت نقل گردید.

وَمَنْ صَلَّى نِصْفَ لَيْلِهِ فَلَوْ أُعْطِيَ مِلءُ الْأَرْضِ ذَهَباً سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ لَمْ يَعْدِلْ جَزَاءَهُ وَكَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَقَبَةً يُعْتَقُهَا مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ. وَمَنْ صَلَّى ثُلْثَى لَيْلِهِ كَانَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ قَدْرُ رَمْلِ عَالِجٍ أَدْنَاهَا حَسَنَةٌ أَثْقَلُ مِنْ جَبَلٍ أَحَدٍ عَشَرَ مَرَّاتٍ. وَمَنْ صَلَّى لَيْلَهُ تَامَةً تَالِيًا لِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ رَاكِعاً وَسَاجِداً وَذَاكِراً أُعْطِيَ مِنَ الثَّوَابِ مَا أَدْنَاهُ يَخْرُجُ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ يُكْتَبُ لَهُ عَدَدُ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ مِثْلَهَا دَرَجَاتٌ وَ يَثْبُتُ النُّورُ فِي قَبْرِهِ وَ يُنَزَّعُ الْإِثْمُ وَ الْحَسَدُ مِنْ قَلْبِهِ وَ يُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ يُعْطَى بَرَاءَةٌ مِنْ النَّارِ وَ يُبْعَثُ مِنَ الْآمِنِينَ وَ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَحْيَا لَيْلَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي أَسْكِنُوهُ الْفِرْدَوْسَ وَ لَهُ فِيهَا مَائَةُ أَلْفٍ مَدِينَةٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ جَمِيعُ مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ لَمْ يَخْطُرْ عَلَى بَالٍ سِوَمِي مَا أَعَدَدْتُ لَهُ مِنَ الْكَرَامَةِ وَ الْمَزِيدِ وَ الْقُرْبَةِ. ⁽¹⁾

«بشارت باد تو را، هر کس یک دهم از شب را با اخلاص برای خداوند و تحصیل پاداش او نماز خواند، خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان خود گوید: به عدد آنچه از دانه و برگ و درخت و نیز به عدد هر .

1- ر.ک: من لا يحضره، ج 1، ص 475، ح 1374؛ امالی شیخ صدوق، ص 367، ح 459؛ وسائل الشیعه (چاپ اسلامیة 9)، ج 4، ص 804؛ تفسیر نورالثقلین، ج 3، ص 205.

شاخ و برگ خرما و هر چه از گیاهان که شب در چراگاهها می روید برای این بنده من (که یک دهم شب را نماز کرده) از حسنات ثواب و پاداش بنویسید. و هر کس یک نهم شب را نماز کند، خداوند او را ده دعای اجابت شده و قبول یافته عطا فرماید، و در روز قیامت نامه اعمالش را بدست راست او دهد. و هر کس یک هشتم از شب را نماز کند، خداوند متعال ثواب و پاداش شهید صابری که با صدق نیت در راه خدا جهاد کرده به او عطا فرماید، همچنین شفاعتش را در مورد اهل بیت و خانواده اش بپذیرد.

و هر کس یک هفتم شب را نماز شب خواند، روز برانگیخته شدن در حالی از گور خود بیرون آید که چهره اش همچون ماه در شب چهارده زیبا و درخشان باشد تا اینکه همراه با کسانی که از عذاب و هول قیامت ایمن هستند از صراط بگذرد.

و هر کس یک ششم شب را نماز کند نام او را در زمره توبه کنندگان حقیقی نویسند و همه گناهان گذشته اش را ببامرزند.

و هر کس یک پنجم شب را نماز کند در خیمه و بارگاه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام در بهشت همنشین و انیس او باشد.

و هر کس یک چهارم شب را نماز کند در صف اوّل رستگاران باشد تا وقتی که همچون تند بادی از صراط عبور کند، و بدون حساب وارد بهشت شود. و هر کس یک سوّم شب را نماز کند فرشته ای نباشد مگر اینکه به منزلت و مقام او نزد خداوند عزّوجلّ رشک (حسد) برد و آن را آرزو کند. و به او بگویند: از هر یک از درهای هشتگانه بهشت که خواهی وارد شو.

و هر کس نیمی از شب را نماز کند اگر هفتاد هزار بار همه زمین را پر از طلا کرده و به او دهند باز هم با پاداش او برابری نخواهد کرد، و پاداشی که بواسطه عبادت شبانه اش نزد خداوند متعال دارد، بیش از ثواب آزاد کردن هفتاد بنده است که همگی از فرزندان اسماعیل باشند.

و هر کس دو سوّم شب را نماز کند پاداش او از حسنات به قدر ریگهای در هم فشرده بیابان است که کمترین آن حسنات ده بار سنگین تر از کوه احد باشد. و هر کس یک شب کامل نماز کند در حالی که کتاب (قرآن) عزّوجلّ را تلاوت کند و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گاه به ذکر پردازد، چندان ثواب به او عطا کنند که کمترین آن این باشد که از گناهان خود بدر آید همچون روزی که مادرش او را زاده است و برای او به عدد مخلوقات خداوند عزّوجلّ از حسنات منظور کنند و همانند آن درجاتش را نیز بالا برند، و در گور او چراغی برافروزند که پیوسته روشن باشد و گناه و حسد را از دل او جدا و بیرون کنند، و از عذاب قبر ایمن گردد، و به او براتی دهند که از آتش دوزخ آزاد است، و در حالی که از عذاب آخرت ایمن است از گور خود برانگیخته شود، و پروردگار تبارک و تعالی به فرشتگان خود فرماید: فرشتگان من! بنده مرا بنگرید که به خاطر رضای من شبی را بیدار بوده و عبادت کرده است او را در فردوس جای دهید، و در آن بهشت صد هزار شهر باشد که در هر شهری همه آنچه که نفسها آرزو و خواهش آن را دارند و چشمها از دیدن آن لذّت می برد و به خاطرها خطوط نمی کند، در آنجا برایش فراهم باشد، و این جمله غیر از آن پاداشهایی است که نزد خود برایش مهیا ساخته ام از کرامتهای بیشمار و نعمتهای زیاده بر استحقاق و همچنین مرتبه و قرب و نزدیکی مقام».

هشت رکعت نماز در شب شنبه

از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود:

من صلی ليله السبت ثمانی رکعات، یقرأ فی کل رکعه فاتحه الكتاب و الکوثر، مره مره، و قل هو الله أحد سبع مرات، فإذا فرغ من صلاته، استغفر الله سبعین مره، کان کمن حج، و كأنما اشتری ألف رجل من المشرکین فأعتقهم، و غفر له ذنوبه، و إن کانت مثل زبد البحر، و رمل عالج، قطر المصر، و ورق الشجر، و جاز علی الصراط کالبرق اللامع، و یدخل الجنه بغير حساب.⁽¹⁾

«هر کس شب شنبه هشت رکعت نماز بخواند، در هر رکعتی حمد و کوثر یک مرتبه و «قل هو الله احد» هفت مرتبه و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار نماید، (این) مانند کسی است که حج انجام داده، و هزار مرد از مشرکین را خریده و آزاد کرده باشد، گناهانش بخشوده می شود هر چند به اندازه کف های روی آب دریا و تپه ریگ ها و قطره های باران و برگ های درختان باشد و بر صراط همچون برق عبور کند و بدون حساب وارد بهشت گردد».

نماز شب اوّل ماه رجب

سیدبن طاوس رحمه الله در کتاب «إقبال الأعمال» خود نقل کرده که پیامبر

ﷺ فرمودند:

«کسی که بعد از به جا آوردن نماز مغرب شب اوّل رجب، بیست رکعت نماز بجا آورده که در هر رکعتی سوره «فاتحه» و «اخلاص» را یک مرتبه خوانده و برای هر دو رکعتی یک سلام بدهد در اینجا رسول خدا ﷺ فرمود: آیا ثواب

این نماز را می دانید؟ اصحاب عرض کردند: خدا و رسولش داناترند. پیامبر ﷺ فرمودند: روح المؤمن این نماز را به من یاد دادند. و آستین های خود را بالا زدند خود و خانواده و مال و .

1- رک: جمال الاسبوع، ص 45.

فرزندانش محفوظ مانده و از عذاب قبر پناه داده می شود و از صراط، بدون حساب، مانند برق می گذرد»⁽¹⁾.

نماز شب جمعه

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «مصباح المجتهد» خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود:

من صلی ليله الجمعة بين المغرب و العشاء الاخره اثنتی عشره ركعه، یقرأ فی كل ركعه فاتحه الكتاب، و قل هو الله أحد أربعین مره لقیته علی الصراط و صافحته، و من لقیته علی الصراط و صافحته کفیته الحساب و المیزان.⁽²⁾

«هر کس شب جمعه بین نماز مغرب و عشاء دوازده رکعت نماز بخواند، در هر رکعتی یک مرتبه فاتحه الكتاب یک مرتبه و قل هو الله احد چهل مرتبه، من او را بر صراط ملاقات کنم و با او مصافحه کنم، و هر کس مرا بر صراط ملاقات کند و با من مصافحه نماید، حساب و میزان او را کفایت می کند».

حاجت درمانده ای را به حاکم رساندن

به سند معتبر از امام کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود: .

1- ر.ک: اقبال الأعمال، فصل اعمال ماه رجب.

2- ر.ک: مصباح المتجدد، ص 259؛ منتهی المطلب، ج 1، ص 362.

مَنْ أَبْلَغَ سُلْطَانًا حَاجَةً مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أِبْلَاغَهَا - أَثْبَتَ - اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قَدَمِيهِ عَلَى الصِّرَاطِ.⁽¹⁾

«هر که برساند به سلطان حاجت کسی که خودش نتواند برساند، خدا قدمهایش را بر صراط بر جا دارد».

یاری کردن برادر مؤمن

ابوحزمه ثمالی رضی الله عنه از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که فرمود:⁽²⁾
مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ حَاجَةً فَيَحَاجُهُ اللَّهُ بِهَا [فَيَحَاجُهُ اللَّهُ بِدَأْ وَ قَضَى اللَّهُ بِهَا مَائَةً حَاجَةً فِي إِحْدَاهُتِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ نَفَسَ عَنْ أَخِيهِ كُرْبَةً نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْغَا مَا بَلَغَتْ وَ مَنْ أَعَانَهُ عَلَى ظَالِمٍ لَهُ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى إِجَارِهِ الصِّرَاطِ عِنْدَ دَحْضِ الْأَقْدَامِ وَ مَنْ سَعَى لَهُ فِي حَاجَةٍ حَتَّى قَضَاهَا لَهُ فَسُرَّ بِقَضَائِهَا فَكَانَ كَادِخَالِ السُّرُورِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَنْ سَقَاهُ مِنْ ظَمَأٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ وَ مَنْ أَطْعَمَهُ مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ كَسَاهُ مِنْ عُرَى كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ حَرِيرٍ وَ مَنْ كَسَاهُ مِنْ غَيْرِ عُرَى لَمْ يَزَلْ فِي ضَمَانِ اللَّهِ مَا دَامَ عَلَى الْمَكْسُوفِ مِنَ الثَّوْبِ سِلْكٌ وَ مَنْ كَفَاهُ بِمَا هُوَ يَمْتَنُّهُ وَ يَكْفُ وَجْهَهُ .

1- ر.ک: تحف العقول، ص 59؛ حلی، ابن ادریس، السرائر، ج 3، ص 574.

2- به خاطر اهمیت، تمام روایت نقل گردید.

وَيَصِلُ بِهِ يَدَيْهِ يُخْدِمُهُ الْوَالِدَانِ وَمَنْ حَمَلَهُ مِنْ رَحْلِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ يُبَاهِي بِهِ الْمَلَائِكَةَ وَمَنْ كَفَّنَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَكَانَ كَسَاهُ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ إِلَى يَوْمٍ يَمُوتُ وَمَنْ زَوْجَهُ زَوْجَةً يَأْنَسُ بِهَا وَيَسْكُنُ إِلَيْهَا أَنَسَهُ اللَّهُ فِي قَبْرِهِ بِصُورِهِ أَحَبَّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ وَمَنْ عَادَهُ عِنْدَ مَرَضِهِ حَفَّتْهُ الْمَلَائِكَةُ تَدْعُو لَهُ حَتَّى يَنْصَرِفَ وَتَقُولُ طِبْتُ وَطَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ وَاللَّهُ لَقَضَاءُ حَاجَتِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ صِيَامِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ بَاعْتِكَاهُمَا فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ.⁽¹⁾

«کسی که حاجت برادر ایمانی خود را برآورد به برآوردن حاجت خداوند شروع کرده، و خدا صد حاجت او را برآورده می کند که یکی از آنها بهشت است. و کسی که گرفتاری او را برطرف سازد، خداوند تمام گرفتاریهای روز قیامت را از او دور می کند، هر اندازه که باشد.

و کسی که او را بر علیه دشمنش یاری کند، خداوند او را در عبور از پل صراط یاری خواهد کرد هنگامی که قدمها به لغزش درمی آیند. و کسی که در انجام خواسته او تلاش کند تا آن را برآورده کند و او را شادمان سازد، به منزله آن است .

1- ر.ک: علامه حلی، الرسالة السعدیه، ص 136.

که رسول خدا ﷺ را شادمان کرده باشد. و کسی که او را سیراب کند، خداوند از شربت سر به مهر بهشتی او را سیراب خواهد ساخت.

و کسی که او را اطعام کرده و گرسنگی او را چاره کند، خداوند از میوه های بهشتی به او عطا فرماید. و کسی که برهنگی او را بپوشاند، خداوند بر اندام او از جامه های استبرق و ابریشمین بهشتی خواهد پوشاند. و کسی که او را با آنکه برهنه نیست بپوشاند، همواره در پناه خدا خواهد بود تا زمانی که از آن جامه تاز و پودی باقی باشد. و کسی که او را از آنچه که باعث خواری و سرشکسنگی اوست نجات دهد، و آبرویش را حفظ کند و به یاری او بشتابد، خداوند ولدان مخلصین را در بهشت به خدمت او خواهد گمارد. و کسی که او را با مرکبش بردارد خداوند او را در روز قیامت سوار بر ناقه بهشتی به محشر درآورد، به گونه ای که بر فرشتگان ببالد. و کسی که او را پس از مرگ کفن کند، مانند این است که بدن او را از روزی که به دنیا آمده تا روزی که از دنیا رفته است پوشانده باشد. و کسی که برای او همسری برگزیند که مایه انس و آرامش خاطر او شود، خداوند او را در قبر با محبوب ترین بستگانش مأنوس می سازد.

و کسی که به هنگام بیماری از او عیادت کند، فرشتگان اطراف او را می گیرند و در حق او دعا می کنند تا زمانی که (به خانه خود) باز گردد، و به او می گویند: خوشا بر تو! و بهشت بر تو خوش باد.

و فرمود: «به خدا سوگند برآوردن درخواست و نیاز برادر مؤمن در پیشگاه الهی، از دو ماه روزه و اعتکاف متوالی در ماه حرام محبوب تر است».

وام دادن به برادر مؤمن:

از رسول خدا ﷺ روایت شده:

وَمَنْ أَقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ - أَقْرَضَهُ وَزَنَ جِبِلُّ أَحَدٍ وَجِبَالِ
رَضْوَى - وَجِبَالِ طُورِ سَيْنَاءَ حَسَنَاتٍ فَإِنْ رَفَقَ بِهِ فِي طَلَبَتِهِ بَعْدَ أَجَلِهِ جَازَ عَلَى
الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ بَغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ.⁽¹⁾

«و کسی که به برادر مسلمان خود وام دهد، خداوند به ازای هر درهمی به
وزن کوه احد و کوههای رضوی و طور سیناء، برای او حسنه می نویسد؛ و
چنانچه پس از سر آمدن مهلت باز پرداخت وام بر او سخت نگیرد و با او مدارا
نماید، (در روز قیامت) به سرعت برق و بدون هیچ حساب و کتاب و عذابی از
پل صراط خواهد گذشت».

1- ر.ک: ثواب الاعمال، ص 289؛ بحار، ج 73، ص 369.

برطرف کردن اندوه مؤمن:

رسول خدا ﷺ فرمود:

من فرج علی مؤمن کربه جعل الله له شعلتين من نور، علی الصراط یتسّیء بضوئها عالم، لا یحصیه إلا رب العزه.⁽¹⁾

«هر کس اندوهی را بر مؤمن گشایش دهد و آن را برطرف نماید خداوند متعال برای او دو نور قرار دهد که بر صراط با آن حرکت نماید، نوری که روشنی آن را فقط خداوند متعال می داند».

یاری کردن مؤمن نزد حاکم:

رسول خدا ﷺ فرمود:

من اعان اخاه المؤمن علی سلطان جائر اعانه الله علی اجازة الصراط عند زلزاله الاقدام.⁽²⁾

«هر کس برادر مؤمن خود را بر سلطان ستمگری یاری دهد، خداوند او را هنگام لغزش قدمها بر صراط یاری دهد».

صدقه:

رسول خدا ﷺ فرمود: .

1- ر.ک: الرسالة السعدیه، ص 162؛ عوالی اللّثالی، ج 1، ص 375، ح 93.

2- ر.ک: شهید ثانی، الرسائل، ص 331؛ بحار، ج 72، ص 364.

والصدقه ستر من النار و جواز علی الصراط و أمان من العذاب.⁽¹⁾
«صدقه پوششی است بر آتش دوزخ و جواز عبور بر صراط و امان از عذاب
روز قیامت است».

در مورد فضیلت صدقه شب قدر روایت شده است که:
حضرت موسی علیه السلام به خداوند متعال عرض کرد: الهی رحمت تو را می
خواهم. فرمود: رحمت من برای کسی است که رحم کند فقرا را در شب قدر.
گفت: خدایا من گذشتن از صراط را می خواهم. فرمود: برای کسی است که
تصدق کند به صدقه ای در شب قدر. گفت: خدایا از درختهای بهشت و میوه
های آن می خواهم. فرمود: این برای کسی است که تسبیح کند به تسبیحه ای در
شب قدر. گفت: خدایا نجات می خواهم. فرمود: نجات از آتش؟ گفت: آری.
فرمود: این برای کسی است که استغفار کند در شب قدر. گفت: خدایا نجات می
خواهم. فرمود: نجات از آتش؟ گفت: آری. فرمود: این برای کسی است که
استغفار کند در شب قدر. گفت: خدایا رضای تو را می خواهم. فرمود: خشنودی
من از برای کسی است که دو رکعت نماز بخواند در شب قدر.⁽²⁾

روزه ماه رجب:

شیخ صدوق رحمته الله به سند معتبر از سالم روایت کرده که گوید: رفتم به خدمت حضرت صادق علیه السلام در اواخر ماه رجب که چند روز از آن مانده بود، چون نظر مبارک آن حضرت بر .

1- ر.ک: طباطبائی، سیدعلی، ریاض المسائل، ج 2، ص 36.

2- ر.ک: امام خمینی، آداب الصلوه، ص 334.

من افتاد فرمود که آیا در این ماه روزه گرفته ای؟ گفتم: نه والله ای فرزند رسول خدا!

فرمود: آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آن را به غیر خدا کسی نمی داند به درستی که این ماهی است که خدا آن را برماههای دیگر فضیلت داده و حرمت آن را عظیم نموده و برای روزه داشتن آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده.

پس گفتم یا ابن رسول الله! اگر در باقیمانده این ماه روزه بدارم آیا به بعضی از ثواب روزه داران آن فایز می گردم؟ فرمود: ای سالم! هر که یک روز از آخر این ماه روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سكرات (سختی های) مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر این ماه روزه دارد بر صراط به آسانی بگذرد و هر که سه روز از آخر این ماه را روزه دارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هولهای آن روز و برات بیزاری از آتش جهنم به او عطا کنند».⁽¹⁾

و در روایت دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمود:

مَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ عَشْرَةَ أَيَّامٍ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ جَنَاحَيْنِ أَحْضَرَيْنِ مَنْظُومَيْنِ بِالْدُّرِّ وَالْيَاقُوتِ يَطِيرُ بِهِمَا عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ إِلَى الْجَنَانِ وَيُبدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِ حَسَنَاتٍ وَكُتِبَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ الْقَوَامِينَ لِلَّهِ بِالْقِسْطِ وَكَأَنَّهُ عَبْدُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَلْفَ عَامٍ قَائِمًا .

1- ر.ک: أمالی شیخ صدوق، ص 629، ح 844.

صَابِرًا مُحْتَسِبًا وَمَنْ صَامَ أَحَدَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ لَمْ يُؤَافَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدٌ
 أَفْضَلُ ثَوَابًا مِنْهُ إِلَّا مَنْ صَامَ مِثْلَهُ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ وَمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ اثْنَيْ عَشَرَ يَوْمًا
 كُسِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُلَّتَيْنِ خَضِرَاوَيْنِ مِنْ سُندُسٍ وَاسْتَبْرَقٍ وَيُحَبَّرُ بِهِمَا لَوْ أُدْلِيَتْ
 حُلَّةٌ مِنْهُمَا إِلَى الدُّنْيَا لَأَضَاءَ مَا بَيْنَ شَرْقِهَا وَغَرْبِهَا وَلَصَارَتِ الدُّنْيَا أَطْيَبَ مِنْ رِيحِ
 الْمِسْكِ.⁽¹⁾

«هر کس ده روز از ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند عزوجل برای او دو
 بال سبز که با درّ و یاقوت زینت داده شده، قرار دهد که با آن مانند برق بر
 صراط، به سوی بهشت، پرواز کند، و خداوند بدی هایش را تبدیل به خوبی ها
 نماید و او را از جمله نزدیک شونده‌گان به عدالت برای خدا محسوب دارد و گو
 اینکه خداوند عزوجل را هزار سال در حالت ایستاده، با صبر و عبادت کرده
 است.

و هر کس هفده روز از ماه رجب را روزه دارد، خداوند روز قیامت بر
 صراط، هفتاد هزار چراغی از نور برای او قرار دهد که با این نورها به سوی
 بهشت رود و ملائکه او را با سلام و درود مشایعت نمایند». 5.

1- رک: همان و ثواب الاعمال، ص 55.

روزه ماه شعبان:

ابن عباس گوید: رسول خدا ﷺ در فضیلت روزه گرفتن در ماه شعبان فرمود:

مَنْ صَامَ سِتَّةَ وَ عَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ جَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ وَ مَنْ صَامَ سَبْعَةَ وَ عَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ مَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ وَ عَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ تَهَلَّلَ وَجْهُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ⁽¹⁾

«هر که بیست و شش روز از ماه شعبان را روزه دارد خدای عزوجل گذرنامه صراط برایش بنویسد، و هر که بیست و هفت روزش را روزه دارد خدا برائت از دوزخ برایش بنویسد و هر که بیست و هشت روزش را روزه دارد روز قیامت چهره اش بدرخشد».

استغفار در ماه شعبان:

ریّان بن صلت گوید: از ابی الحسن، علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ سَبْعِينَ مَرَّةً أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ جَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ وَ أَدْخَلَهُ [أَحْلَهُ] دَارَ الْقَرَارِ. ⁽²⁾

1- ر.ک: امالی شیخ صدوق، ص 77، ح 43؛ ثواب الاعمال، ص 63؛ روضه الواعظین، ص 404؛

اقبال الاعمال، ج 3، ص 364؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 500، ح 13952.

2- ر.ک: عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 62؛ جامع الاخبار، ص 56.

«هر کس که در هر روز از شعبان هفتاد بار بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ» خدا برائت از دوزخ و گذرنامه از صراط برایش نویسد».

احیای شب 23 ماه مبارک رمضان:

شیخ صدوق رحمته الله به اسناد خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود:

مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَصَلَّى فِيهِ مِائَةَ رُكْعَةٍ وَسَمِعَ اللَّهَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ فِي الدُّنْيَا وَكَفَّاهُ أَمْرَ مَنْ يُعَادِيهِ وَأَعَادَهُ مِنَ الْحَرْقِ وَالْهَدْمِ وَالسَّرَقِ وَمِنْ شَرِّ السَّبَاعِ وَدَفَعَ عَنْهُ هَوْلَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَخَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ وَنُورُهُ يَنْتَلَالُ لِأَهْلِ الْجَمْعِ وَيُعْطَى كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ وَيُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَجَوَازٌ عَلَى الصَّرَاطِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حَسَابٍ وَيُجْعَلُ فِيهَا مِنْ رُفَقَاءِ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا. ⁽¹⁾

«هر کس شب بیست و سوم رمضان را شب زنده داری کند و صد رکعت نماز در آن بگذارد، خداوند روزی او را در دنیا فراخ می فرماید و شرّ کسانی را که با او ستیزه کنند از او کفایت می فرماید و او را از سوختن در دنیا و زیر آوار ماندن و شرّ دزدان و جانوران .

1- ر.ک: فضائل الأشهر الثلاثة، ص 138؛ روضه الواعظین، ج 2، ص 342.

درّنده محفوظ می دارد و بین نکیر و منکر را از او برطرف می فرماید و
هنگامی که از گور خود بیرون آید پرتو چهره اش برای همه مردم محشر
درخشان است و نامه عملش به دست راست او داده می شود و برای او آزادی
از دوزخ و عبور از پل صراط و امان از عذاب مقرر می شود و بدون حساب
وارد بهشت می شود و در آن از همنشینان پیامبران و صدّیقان و شهیدان و
نیکوکاران خواهد بود که چه نیکو رفیقانی هستند».

خوش اخلاقی در ماه مبارک رمضان:

شیخ صدوق رحمته الله به سند معتبر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمود:
أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ حَسَّنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلُقَهُ كَانَ لَهُ جَوَازٌ عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ
تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَمَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ
حِسَابَهُ وَمَنْ كَفَّ فِيهِ شَرَّهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبُهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ. ⁽¹⁾

«مردم هر کدام از شما که اخلاق خود را در این ماه اصلاح کند، روزی که در صراط پاها می لغزد، جوازی بر صراط خواهد داشت. و هر کدام از شما که بر بنده و کنیز خود آسان بگیرد، خداوند در حساب بر او آسان خواهد گرفت».

1- ر.ک: أمالی شیخ صدوق، ص 154؛ روضه الواعظین، ج 2، ص 346.

درخواست از خداوند متعال:

عروبن ابی المقدام گوید: حضرت صادق علیه السلام این دعا را که جامع حاجتهای دنیا و آخرت است به من املا فرمود:

....اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَرُوحَهُمْ وَرَاحَتَهُمْ وَ
سُرُورَهُمْ وَادِّقْنِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ (وَأَتِنَا فِي
الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) ⁽¹⁾ وَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ (لَا
خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) ⁽²⁾ وَاجْعَلْنِي مِنَ (الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ
يَتَوَكَّلُونَ) ⁽³⁾ وَثَبِّتْنِي (بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ) ⁽⁴⁾ وَبَارِكْ لِي
فِي الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَالْمَوْقِفِ وَالنُّشُورِ وَالْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
وَسَلِّمْ عَلَيَّ الصِّرَاطِ وَأَجْزِنِي عَلَيْهِ. ⁽⁵⁾

«بار خدایا! رحمت فرست بر محمد و آل محمد و زود بدانها گشایش بده و
آسایش عطا کن و شادشان کن و مزه فرج آنان را به من بچشان و دشمنانشان
را از جنّ و انس هلاک کن و به ما در دنیا و آخرت حسنه عطا کن، و نگهدار ما
را از عذاب دوزخ و ما را از ؛

1- سوره بقره، آیه 201.

2- سوره بقره، آیه 62.

3- سوره نحل، آیه 42.

4- سوره ابراهیم، آیه 27.

5- رک: الکافی، ج 2 ص 583؛

آنها ساز که نه ترسی دارند و نه بر آنها اندوه درآید و بگردان مرا از کسانى که شکيبا بودند و بر پروردگار خود توکل مى کردند و بر جا دار مرا به گفتار پا بر جا در زندگاني دنيا و ديگر سراى، و مبارك كن برايم زندگى را و مرگ را و موقف را و نشور و حساب و ميزان و هولهاى قيامت را و سالم درا مرا بر روى صراط و مرا از آن بگذران».

تلاوت حکمت:

شيخ صدوق رحمته الله در كتاب امالى خود روايت کرده که عبدالعظيم حسنى رحمته الله گوید: امام هادى عليه السلام فرمود:

حضرت موسى عليه السلام در مناجات با خداوند عرض کرد:

إِلَهِىَ مَا جَزَاءُ مَنْ تَلَا حِكْمَتَكَ سِرًّا وَجَهْرًا قَالَ يَا مُوسَى يَمُرُّ عَلَى الصِّرَاطِ
كَالْبَرْقِ. ⁽¹⁾

«پرورگارا! پاداش كسى كه حكمت تو را آشكارا و پنهانى تلاوت كند چيست؟ فرمود: اى موسى! از صراط همچون برق مى گذرد».

قراءت سوره قیامت:

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: .

1- ر.ک: امالی، ص 207؛ الجواهر السنیة، ص 112؛ بحار، ج 92 ص 197، ح 3.

من أَدمن قراءه لا أقسم و كان يعمل بها بعثه الله عز و جل مع رسول الله ﷺ من قبره في أحسن صوره و يبشره و يضحك في وجهه حتى يجوز على الصراط و الميزان.⁽¹⁾

«کسی که بر تلاوت سوره «لا اقسام» مداومت کرده و به (مفاهیم) آن عمل نماید، خداوند او را با رسول خدا ﷺ و با زیباترین سیما از قبر برمی انگیزد، و رسول خدا ﷺ او را مژده می دهد، و به رویش لبخند می زند تا از صراط و میزان عبور کند».

پرستاری از مریض:

شیخ صدوق رحمه الله از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود:
مَنْ قَامَ عَلَى مَرِيضٍ يَوْمًا وَلَيْلَةً بَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَازَ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ.⁽²⁾

«کسی که یک شب و روز، پرستاری بیماری را بر عهده بگیرد، خداوند متعال او را با حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام محشور می سازد و از پل صراط به سرعت برق خواهد گذشت».

1- ر.ک: ثواب الأعمال، ص 121.

2- ر.ک: ثواب الأعمال، ص 289؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 343، ح 21717.

علم و عمل:

از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود:

إِذَا اجْتَمَعَ الْخَلْقُ عَلَى الصِّرَاطِ قِيلَ لِلْعَالَمِ: قُمْ ههنا فاشفع لمن احببت فانك لا تشفع لاحد إلا شفعت مقام الانبياء.⁽¹⁾

«چون مردم بر صراط جمع شوند به عالم گفته شود: اینجا نشین و شفاعت کند برای هر کس که دوست می داری، که برای احدی شفاعت نکنی مگر اینکه شفاعت مقام انبیاء داده شود».

این نکته را نیز متذکر شوم که صراط برای عالمان هم سخت تر است و هم باریک تر.

هان ای طالبان علوم و کمالات و معارف، از خواب برخیزید و بدانید که حجت خداوند بر شما تمامتر است و خدای تعالی از شما بیشتر بازخواست فرماید، و میزان اعمال و علوم شما با میزان سایر بندگان خیلی فرق دارد، و صراط شما باریکتر و دقیق تر است، و مناقشه در حساب شما بیشتر شود. وای به حال طالب علمی که علوم در قلب او کدورت و ظلمت آورد، و باید دانست که این نور حقیقی که در قلوب اهل ایمان و عمل است چون از انوار عالم آخرت است، در آن عالم به مقتضای فعالیت نفس ظهور به نورانیت حسیه نماید، و همین نور است که صراط را روشن نماید. و یک دسته نورشان .

1- ر.ک: شرح اصول کافی، ج 6، ص 246.

مثل نور شمس، و دیگری مثل نور قمر، تا برسد به آنکه فقط نورش جلو پایش را روشن نماید».⁽¹⁾

... بکوش، و از حيله هاى نفسانى غافل مشو که نفس و شیطان در کمین هستند، و در پی فرصت می گردند که انسان را از راه حق برگردانند. هیچ گاه به کمالات خود مغرور مشو، که غرور از شیطان است. همیشه به خود بدبین باش، و از سوء عاقبت در ترس و هراس باش. و اگر دیدی در تو از این علوم اعجاب و خودبینی و خودپسندی حاصل شده است، بدان که طعمه ابلیس شدی و از راه سعادت دور افتادی. و آن گاه نظر کن بین جز پاره [ای] اصطلاحات بی مغز، چه در دست داری؟ آیا می توان با این اصطلاحات، ملائکه الله غلاظ و شداد را جواب داد؟ آیا می شود با هیولی و صورت و معانی حرفیه و مانند این ها، خدای عالم را بازی داد؟ گیرم در این عالم که کشف سرایر نمی شود، بتوان به بندگان خدا تذلل و تکبر کرد و با آنها با تحقیر و توهین رفتار کرد، آیا می توان در قبر و قیامت هم باز با همین پای چوبین رفت صراط هم می توان با این پای چوبین گذشت؟

علم قرآن و حدیث، باید اصلاح حال تو را کند و اخلاق دوستان خدا را در تو ایجاد کند، نه پس از پنجاه سال تحصیل علوم دینی، به صفات شیطانی تو را متصف کند. به جان دوست قسم که اگر علوم الهی و دینی، ما را هدایت به راه راستی و درستی نکند و تهذیب باطن و ظاهر ما را نکند، پست ترین شغلها از آن بهتر است، چه که شغلهای دنیوی .

1- نک: چهل حدیث، ص 378.

نتیجه های عاجلی دارند و مفسد آنها کمتر است، ولی علوم دینی اگر سرمایه تعمیر دنیا شود، دین فرو است و وزر و وبالش از همه چیز بالاتر است. حقیقتاً چقدر کم ظرفیتی می خواهد که به واسطه دو سه تا اصطلاح بی سر و پا که ثمرات شیطانی نیز دارد، انسان به خود بیالذ و عجب کند....»⁽¹⁾

حق مال را ادا کردن:

رسول خدا ﷺ فرمود: «در قیامت صاحب مالی را می آورند که خدا را درباره آن اطاعت کرده و مال او در پیش روی اوست، و چون به صراط می رسد هرگاه رفتن بر او مشکل شود مالش به او می گوید: بگذر که تو حق خدا را در من ادا کردی. سپس دنیا داری را می آورند که خدا را اطاعت ننموده، دلش نزد اوست، و چون بخواهد از صراط بگذرد و رفتن نتواند مال او گوید: وای بر تو چرا حق خدا را در من نپرداختی؟ و پیوسته چنین خواهد بود تا به عذاب و جهنم افتد و هلاک شود».⁽²⁾

استفاده از دسترنج خود:

و فرمود: «هر کس که از دسترنج خود بخورد، از صراط برق آسا بگذرد».⁽³⁾

1- همان.

2- ر.ک: علم اخلاق اسلامی، ج 2، ص 67.

3- همان، ص 234.

شرم از خداوند متعال و راضی به قضای الهی

از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود:

«چون روز قیامت شود، خدای تعالی گروهی از امت را بال و پر آفریند تا از گورهای خود به بهشت پرند، و در آنجا هر گونه بخواهند تمتع و تنعم نمایند، ملائکه به آنان گویند: آیا جایگاه حساب را دیدید؟ گویند از حساب چیزی ندیدیم، گویند: آیا از صراط گذشتید؟ گویند: ما صراطی ندیدیم، گویند: دوزخ را دیدید؟ گویند: ما چیزی ندیدیم، فرشتگان گویند: از امت که اید؟ گویند: از امت محمد ﷺ، گویند: شما را به خدا بگوئید اعمالتان در دنیا چه بود؟ گویند: دو خصلت در ما بود، و خداوند به فضل و رحمت خود ما را به این مرتبه رسانید، گویند: آن دو خصلت چیست؟ گویند: یکی آنکه در خلوت از خدای تعالی شرم داشتیم که معصیت کنیم، و دیگر آنکه به اندکی که ما را داده بود راضی و خرسند بودیم، فرشتگان گویند: حق است شما را این مرتبه»^(۱)

قربانی کردن

رسول خدا ﷺ فرمود:

اسْتَقْرِهُوا ضَحَايَاكُمْ فَإِنَّهَا مَطَايَاكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ.⁽²⁾

«قربانی هاتان را از نوع سالم و فربه و نفیس و بی عیب انتخاب کنید، زیرا

که آنها در قیامت مرکب سواری شما بر فراط صراطند.» .

1- ر.ک: علم اخلاق اسلامی، ج 3، ص 256.

2- ر.ک: من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 213، ح 2190؛ علل الشرایع، ج 2، ص 438.

فصل پنجم: پرسش‌هایی پیرامون صراط

فلسفه عبور از صراط

شاید برای برخی سؤال شود، علّت این که انسان‌ها در آخرت ملزم به عبور صراط هستند، چه می‌باشد؟ در جواب گوئیم:

همان گونه که در صفحات پیشین نیز اشاره شد، صراط راه عبور برای رسیدن به بهشت می‌باشد، و این خود می‌تواند احترامی ویژه برای بهشتیان باشد، چرا که ملائکه آن‌ها را با احترام و سلام و تحیّت دادن خاصّی در این راه مشایعت می‌کنند که این خود باعث سرور و شادمانی دو چندان بهشتیان می‌گردد.

از طرفی دیگر، مجرمان نیز باید از راه عبور نمایند، در گذرگاه‌های آن به پرسش‌های ملائکه الهی، پاسخ گویند. از اعمالی که در این دنیا کردند، از فرائضی که آن را ترک نموده و محرّمات بسیاری که انجام داده‌اند و مسائل دیگر که قبلاً بدان‌ها اشاره نمودیم.

حال، این راه عبور می‌تواند آغازگر خواری و ذلّت و ترس بیشتر برای جهنّیان باشد، چرا که از طرفی آتش هولناک دوزخ را در پایین مشاهده می‌نمایند و ترس وجود آن‌ها را فرا می‌گیرد و از طرفی دیگر می‌دانند که هر لحظه ملائکه الهی آماده‌اند که آنان را در نهایت خواری به صورت داخل آتش اندازند.

لذا این آتش ترس و دلهره ای است برای مجرمان، و برای صالحان سرد و سلامت می شود.⁽¹⁾

نخستین کسی که بر صراط می رود، کیست؟

ابراهیم بن ابی محمود از حضرت رضا علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوار خویش علیه السلام روایت کرده که حضرت علی علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اینچنین به من فرمود:

... أنت أوّل من يحوز الصراط معي و ان ربّي عزّوجلّ أقسم بعزّته انه لا يجوز عقبه الصّراط إلا من معه براءه بولایتک و ولایه الائمه من ولدک.⁽²⁾
«یا علی! توئی اوّل کسی که از صراط با من بگذرد و پروردگار به عزّت خود قسم یاد کرده که احدی از آستانه .

1- می توانید به کتاب «جهنّم کمینگاه بزرگ»، اثر دیگر نگارنده مراجعه فرمائید.

2- رک: عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج 2، ص 272، ح 63.

صراط نگذرد مگر آنکه به سبب دوستی تو و دوستی ائمه و اولاد تو علیهم السلام
برائت از آتش جهنم حاصل کرده باشد».

و الحمد لله رب العالمین

تمام شد در تاریخ 1386/10/15

قم مقدسه، علیرضا زکی زاده رنانی

کتابنامه

- قرآن کریم

- حضرت امام خمینی (قدس سره)، آداب الصلوه، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، چاپ هفتم 1378 شمسی.

- حسین غفاری ساروی، آیین بندگی و نیایش، نشر بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول 1375 شمسی.

- شیخ محمد طاهر قمی، اربعین فی امامه الائمه الطاهرين، تحقیق: سیدمهدی رجائی، نشر محقق، الطبعة: الاولى 1418 قمری.

- حسین بن ابی الحسن دیلمی، إرشاد القلوب، دو جلد، انتشارات اسوه، 1417 قمری.

- شیخ صدوق، الاعتقادات، یک جلد، تحقیق عسّام عبد السید؟

- حسین بن ابی الحسن دیلمی، أعلام الدین، یک جلد، مؤسسه آل البيت علیہ السلام، قم 1408 قمری.

- شیخ غالب سیلاوی، انوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد (علیها السلام)، چاپ اول 1421 قمری، نشر مؤلف.

- شیخ صدوق، الامالی، یک جلد، انتشارات کتابخانه اسلامی، 1362 شمسی.

- سیدعلی بن موسی بن طاوس، إقبال الاعمال، یک جلد، دارالکتب الإسلامیه تهران، 1367 هجری شمسی.

- علامه مجلسی، بحارالانوار، 110 جلد، مؤسسه الوفاء بیروت - لبنان، 1404 قمری.

- سیدمحسن خرازی، بدایه المعارف الالهیه، دو جلد، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ هشتم 1421 هجری قمری.

- عمادالدین طبری، بشاره المصطفی، یک جلد، چاپ کتابخانه حیدریه نجف، 1383 هجری قمری.

- محمدبن حسن بن فروخ صفار، بصائر الدرجات، یک جلد، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، 1404 قمری.

- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، دراسه و تحقیق علی شیر، دارالفکر
بیروت لبنان 1415 قمری.

- سیدشرف الدین حسینی استرآبادی، تأویل الایات الظاهره، یک جلد،
انتشارات جامعه مدرسین، قم 1409 هجری قمری.

- حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین
قم، 1404.

- دکتر شهیدی، ترجمه نهج البلاغه.

- تفسیر المنسوب بامام العسکری (علیه السلام، یک جلد، تحقیق مدرسه
الامام المهدی علیه السلام قم المقدسه، الطبعة الاولى 1409 قمری.

- ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، مشهد، انتشارات دارالمرتضی،
چاپ اول.

- علامه سید محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، نشر بنیاد علمی و فکری
علامه طباطبائی، چاپ پنجم 1376 هجری شمسی.

- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، 2 جلد، چاپخانه علمیه تهران.

- على بن ابراهيم بن هاشم قمى، تفسير قمى، 2 جلد، مؤسسه دارالكتاب قم، 1404 هجرى قمرى.

- فضل بن حسن طبرسى، مجمع البيان فى تفسير القرآن، مؤسسه اعلمى للمطبوعات بيروت، طبع اول 1415 هجرى قمرى.

ص: 141

- الشيخ عبد على بن جمعه العروسى الحويزى، تفسير نورالثقلين، مؤسسه اسماعيليان قم الطبعه الرابعه، 1412 قمرى.

- آيت الله مكارم شيرازى و همكاران، تفسير نمونه، انتشارات دارالكتب اسلاميه، چاپ شانزدهم، 1378 شمسى.

- شيخ مفيد، صحيح إعتقادات الاماميه، تحقيق حسين درگاهى، نشر دارالمفيد بيروت، الطبعه الثانيه 1414 قمرى.

- شيخ طوسى، تهذيب الاحكام فى شرح المقنعه، 10 مجلد، حقه و علق عليه: السيدحسن الموسوى الخراسان، نشر دارالكتب الاسلاميه، الطبعه الثانيه 1414 هـ - ق.

- شیخ صدوق، التوحید، صححه و علق علیه: السیدهاشم الحسینی الطهرانی، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم المقدسه.

- ثواب الاعمال، یک جلد، انتشارات شریف رضی قم، 1364 شمسی.

- ، الخصال، دو جلد در یک مجلد، انتشارات جامعہ مدرسین قم، 1403 قمری.

- تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، انتشارات رضی قم، 1405 قمری.

- سیدعلی بن موسی بن طاوس، جمال الاسبوع، یک جلد، انتشارات رضی قم.

- امام خمینی (قدس سره)، جهاد اکبر، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نهم، 1378 شمسی.

- چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیستم، 1378 شمسی.

- شیخ حرّ عاملی، الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة، منشورات مکتبه المفید قم - ایران.

- محمّدرضا رمزی اوحدی، در طواف خورشید، انتشارات سعید نوین، چاپ
اول 1378 شمسی.

- جلال الدین عبدالرحمن ابن أبی بکر السيوطی، الدر المنثور فی التفسیر
بالمأثور، دار المعرفه، الطبعة الاولى 1365 قمری.

- نعمان بن محمد تميمی مغربی، دعائم الاسلام، 2 جلد، دارالمعارف مصر،
1385 قمری.

- المولى أبی الحسين سعيد بن هبه الله المشهور بقطب الدين الراوندى، سلوه
الحزين المعروف به الدعوات، التحقيق و النشر: مدرسه الامام المهدي، الطبعة
الاولى 1407 هـ-ق.

- محمد بن جرير طبري، دلائل الامامه، يك جلد، دارالذخائر للطبوعات،
قم.

- احمد بن عبدالله طبري، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، نشر مكتبه
القدسى مصر، 1356 قمری.

- علامه حلى، الرساله السعديه، تحقيق عبدالحسين محمد على بقال، نشر
كتابخانه عمومى حضرت آيت الله مرعشى نجفى رحمته الله قم، الطبعة الاولى 1410
قمری.

- محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضه الوعظین، انتشارات رضی قم.
- محمد بن حسن فتال شیرازی، روضه الوعظین، ترجمه ی دکتر محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، چاپ اول 1366.
- سید علی طباطبائی، ریاض المسائل، 11 مجلد، مؤسسه النشر الاسلامی جامعه المدرسین بقم، الطبعة الاولى 1412 هـ - ق.
- حسین بن سعید کوفی، الزهد، 1 مجلد، المطبعة العلمیه قم، 1399 قمری.
- محمد بن إدريس الحلّی، السرائر، مطبعة مؤسسه النشر الاسلامی الطبعه الثانيه، 1410 قمری.
- ترمذی، سنن ترمذی، انتشارات دارالفکر، 1983 میلادی.
- مولی محمد صالح المازندرانی، شرح أصول الکافی، 12 مجلد.
- ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، دار احیاء الکتب العربیه عیسی البابي الحلبي و شرکاه الطبعه الاولى 1378 قمری.

- عبدالرزاق گیلانی، شرح مصباح الشریعہ و مفتاح الحقیقہ، انتشارات پیام حق، چاپ اول 1377 شمسی.

- القاضی ابی الفضل عیاض یحصبی، الشفا (بتعریف حقوق المصطفی)، 2 جلد، نشر دارالفکر بیروت، 1409 قمری.

- علیرضا زکی زاده رنانی، شنیدنی های شب جمعه، انتشارات حدیث نینوا، چاپ اول، 1384 شمسی.

- بخاری، صحیح بخاری، انتشارات دارالقلم بیروت، 1987 میلادی.

- النووی، صحیح مسلم بشرح النووی، 18 مجلد، نشر دارالکتب العربی بیروت، الطبعة الثانية 1407 هـ - ق.

- شیخ صدوق، صفات الشیعه، یک جلد، انتشارات اعلمی تهران.

- سیدعلی بن موسی بن طاوس، الطرائف، یک جلد، چاپخانه خیام قم، 1400 قمری.

- سیدجلال الدین مرتضوی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه ی جامع السعادات)، 3 مجلد، انتشارات حکمت، چاپ چهارم، 1377 شمسی.

- ابن بطريق يحيى بن حسن حلى، العمده، يك جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، 1407 هجرى قمرى.

- ابن ابى جمهور احسائى، عوالى اللئالى، 4 جلد، انتشارات سيدالشهداء (ع) قم، 1405.

- شيخ صدوق، علل الشرايع، يك جلد، انتشارات مكتبه الداورى قم.

- - - - - عيون أخبار الرضا عليه السلام ، 2 جلد در يك مجلد، انتشارات جهان، 1378 هجرى قمرى.

- ابى الحسن على بن عمر دار قطنى، العلل الوارده فى الاحاديث النبويّه، 11 مجلد، تحقيق محفوظ الرحمن زين الله السلفى، نشر دار طيبه رياض، الطبعه الاولى 1405 قمرى.

- ابن بطريق يحيى بن حسن حلى، العمده، يك جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، 1407 قمرى.

- شيخ صدوق، فضائل الاشهر الثلاثه، تحقيق ميرزا غلامرضا عرفانيان، نشر دار الحجه البيضاء دار الرسول الاكرام صلّى الله عليه وآله ، الطبعه الثانيه 1412 قمرى.

- ابن بابويه القمى، فقه الرضا عليه السلام ، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليه السلام ، نشر المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام .

- سيدبن طاووس حسنى، فلاح السائل؟

- محمدبن على بن عمرو النقاش، فوائد العراقيين، تحقيق مجدى السيد ابراهيم، نشر مكتبه القرآن القاهره.

- سيدعلى اكبر قرشى، قاموس قرآن، هفت جلد در سه مجلد، انتشارات دارالكتب السلاميه، چاپ ششم 1371 شمسى.

- ثقه الاسلام كلينى، الكافى، 8 جلد، دارالكتب الإسلاميه تهران، 1365 هجرى شمسى.

- جعفر بن محمد بن قولويه، كامل الزيارات، 1 مجلد، تحقيق شيخ جواد القيومى، مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعه الاولى 1417 هـ - ق.

- علامه حلى حسن بن يوسف، كشف اليقين، يك جلد، مؤسسه چاپ و انتشارات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد، 1411 هجرى قمرى.

- على المتقى بن حسام الدين الهندى، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله بيروت 1409 قمرى.

- ابن منظور، لسان العرب، 15 مجلد، نشر أدب الحوزه، الطبعة الأولى 1405 قمری.

- محمد بن أحمد بن الحسن بن شاذان القمي، مائه منقبه في فضائل و مناقب أمير المؤمنين و الائمه من ولده عليه السلام ، مدرسه الامام المهدي عليه السلام الطبعة الاولى ذى الحجه، 1407 قمری.

- حسن بن سليمان الحلبي، مختصر بصائر الدرجات، منشورات المطبعة الحيدريه في النجف الطبعة الاولى 1370 قمری.

- احمد بن محمد بن خالد برقي، المحاسن، يك جلد، دارالكتب الإسلاميه قم، 1371 هجرى قمری.

- حسن بن سليمان الحلبي، المحتضر، منشورات المطبعة الحيدريه في النجف، الطبعة الاولى، 1370 قمری.

- سيدهاشم بن سليمان بحراني، مدينه معاجز الائمه الاثنى عشر و دلائل الحجج على البشر، مؤسسه المعارف الاسلاميه، الطبعة الاولى 1413 قمری.

- حاج شيخ على نمازی، مستدرک سفينه البحار، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه.

- محدث نوری، مستدرک الوسائل، 18 جلد، مؤسسه آل البيت عليه السلام قم، 1408 قمری.

- شيخ عزيز الله عطاردی، مسند الامام الرضا عليه السلام، مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی (مشهد)، 1406 قمری.

- احمد بن حنبل، مسند احمد، انتشارات دارالمعارف مصر، 1980 ميلادی.

شيخ صدوق، معانی الاخبار، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، 1361 شمسی.

من لا يحضره الفقيه، 4 جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، 1413 قمری.

- شيخ مفيد، المقنعه، یک جلد، انتشارات کنگره جهانی شيخ مفيد قم، 1413 هجری قمری.

- علامه حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، التحقيق: قسم الفقه فی مجمع البحوث الاسلاميه، نشر مجمع البحوث الاسلاميه، ايران مشهد، الطبعة الأولى 1412.

- محمدفؤاد عبدالباقي، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، مؤسسه اعلمی للمطبوعات بيروت، طبع اول 1420 هـ - ق.

- سليمان بن أحمد الطبراني، المعجم الكبير، تحقيق: حمدى عبد المجيد السلفى، نشر مكتبة ابن تيميه القاهره، 25 مجلد، الطبعة الثانيه.
- سليمان بن أحمد الطبراني، المعجم الاوسط، 9 مجلد، تحقيق ابراهيم الحسينى، نشر دارالحرمين.
- ملا احمد نراقى، معراج السعاده، مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ پندج، 1377 هجرى شمسى.
- محمد بن حبان البستى، المجروحين من المحدثين و الضعفاء و التاركين، 3 مجلد، تحقيق محمود ابراهيم زايد.
- على بن أبى بكر الهيثمى، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مكتبه القدسى بالقاهره دارالكتب العلميه بيروت - لبنان.
- شيخ فخرالدين طريحي، مجمع البحرين، شش مجلد.
- احمد بن محمد بن خالد برقى، المحاسن، يك جلد، دارالكتب الإسلاميه قم، 1371 هجرى قمرى.

- زید بن علی بن الحسین ابن علی بن ابی طالب علیه السلام ، مسند الامام زید، منشورات دار مکتبه الحیاه بیروت لبنان.

- ابوالفضل علی بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار، یک جلد، کتابخانه حیدریه نجف اشرف، 1385 هجری قمری.

- شیخ طوسی، مصباح المتعجد، یک مجلد، مؤسسه فقه الشیعه بیروت - لبنان، الطبعه الأولى 1411 هـ - ق.

- شیخ عباس قمی رحمته الله ، منازل الاخره، انتشارات انصاری، چاپ دوم، زمستان 1377 هجری شمسی.

- ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل أبی طالب (ع)، 4 جلد، مؤسسه انتشارات علامه قم، 1379 هجری قمری.

- احمد سیاح، ترجمه المنجد، انتشارات اسلام، چاپ نوزدهم، 1377 شمسی.

- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، 15 جلد با ترجمه، انتشارات دارالحديث، ویرایش سوم 1377 شمسی.

- علی مقدادی اصفهانی، نشان از بی نشان ها، انتشارات جمهوری، چاپ
دهم از جلد اول، 1376 شمسی.

- ابن الأثیر، النهایه فی غریب الحدیث، 5 مجلد مؤسسه اسماعیلیان قم،
الطبعة الرابعة 1364 شمسی.

- زین الدین علی بن یوسف بن جبر، نهج الایمان، تحقیق سید أحمد حسینی،
نشر مجتمع امام هادی علیه السلام - مشهد، الطبعة الأولى 1418 قمری.

- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، 29 جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام
قم، 1409 قمری.

- شیخ سلیمان ابن شیخ ابراهیم معروف بخواجه کلان، ینایع الموده، 3 جلد
در یک مجلد، منشورات مؤسسه اعلمی للمطبوعات بیروت، چاپ اول 1418
هجری قمری.

گزیده ای از آثار مؤلف:

- معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، انتشارات موعود اسلام.

- شنیدنی های شب جمعه، انتشارات حدیث نینوا.

- معجزان سر مقدس امام حسین علیه السلام ، انتشارات حدیث نینوا.
- 170 پرسش در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، انتشارات حدیث نینوا.
- 110 پرسش در محضر امام علی علیه السلام ، انتشارات حدیث نینوا.
- 40 پرسش در محضر امام حسن علیه السلام ، انتشارات حدیث نینوا.
- 100 پرسش در محضر امام حسین علیه السلام ، انتشارات حدیث نینوا.
- 50 پرسش در محضر فاطمه زهرا (علیها السلام)، انتشارات حدیث نینوا.
- 120 پرسش در محضر امام زمان علیه السلام ، انتشارات حدیث نینوا.
- 205 پرسش در محضر امام هادی علیه السلام ، انتشارات حدیث نینوا.
- 130 پرسش در محضر امام حسن عسکری علیه السلام ، انتشارات حدیث نینوا.
- حکمت های حضرت مسیح علیه السلام ، انتشارات پرتو خورشید.
- (کلمات قصار) سه کلمه ای های حضرت علی علیه السلام ، انتشارات پرتو خورشید.

- (کلمات قصار) دو کلمه ای های حضرت علی علیه السلام ، انتشارات پرتو خورشید.

- شمیم رحمت «گلچین اشعار مناجاتی و ماه مبارک رمضان، انتشارات پرتو خورشید.

- حضرت علی علیه السلام در آئینه معراج، انتشارات پرتو خورشید.

- یکصد موضوع از قرآن کریم، انتشارات پرتو خورشید.

- پژوهش و بررسی روایات سخن گفتن حضرت علی علیه السلام با حیوانات، انتشارات حدیث نینوا.

- جلوه طه «گلچین مدایح و مناقب امام زمان علیه السلام ، انتشارات حدیث نینوا.

- آرامش ابدی، مرکز پخش کتاب هفت.

- جهنم کمینگاه بزرگ، مرکز پخش کتاب هفت.

- صراط، مرکز پخش کتاب هفت.

آثار در دست انتشار:

1- جامع تفسیر العیاشی (اسانیده، مستدرکاته و شرح غرائب)، عربی: 4 جلد.

2- تصحیح و تعلیقہ بصائر الدرجات، عربی؛ 3 جلد.

3- پژوهشی در علوم اهل بیت علیهم السلام ، فارسی: 2 جلد.

4- مواعظ المسیح علیه السلام ، عربی: 1 جلد.

5- موسوعه المعراجیه، فارسی: 2 جلد.

6- در محضر امام جواد علیه السلام .

7- در محضر امام سجاد علیه السلام .

8- سرنوشت اصحاب باوفا.

فهرست مطالب

3	مقدمه (طرح تحقیق):
9	فصل اوّل: کلیّاتی پیرامون صراط
9	مفهوم صراط
12	معنای صراط
14	مصادیق صراط مستقیم
30	اعتقاد به صراط
33	ویژگی های صراط
35	رابطه اعمال و رفتار انسان با صراط آخرت
40	گریه برای صراط
45	فصل دوّم: موقف های صراط
45	عقبه های صراط
50	پرسش های عقبه های صراط
51	ولایت حضرت علی علیه السلام
54	امانت داری و صله رحم
55	دادخواهی از مظلوم
56	الب ارسلان و پیرزن
58	رضاخان و کشتن دو جوان
59	آیت الله شاه آبادی رحمته الله و سرهنگ شهربانی
60	نماز
62	سؤال از مال
65	عقبه کوّودا (عقبه ای سخت)

66	 حکایت سیّد عبدالکریم نیلی نجفی رحمۃ اللہ علیہ
69	 فصل سوّم: عبور گروه های مردم از صراط
69	 عبور مردم از صراط
72	 فصل چهارم: عواملی که موجب پایداری بر صراط است
72	 امید به رحمت خدا
82	 شناخت اهل بیت علیهم السلام
85	 دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام
91	 زیارت اهل بیت علیهم السلام
94	 صلوات فرستادن بر محمّد و آل محمّد
95	 وضو گرفتن
97	 محافظت بر نمازهای پنجگانه
98	 شرکت در نماز جماعت
99	 نماز عشاء
99	 بعد هر نماز بخواند
100	 نماز شب
106	 هشت رکعت نماز در شب شنبه
106	 نماز شب اوّل ماه رجب
108	 نماز شب جمعه
109	 حاجت درمانده ای را به حاکم رساندن
110	 یاری کردن برادر مؤمن
114	 برطرف کردن اندوه مؤمن:
114	 یاری کردن مؤمن نزد حاکم:
114	 صدقه:
116	 روزه ماه رجب:

119	روزه ماه شعبان:
119	استغفار در ماه شعبان:
120	احیای شب 23 ماه مبارک رمضان:
122	خوش اخلاقی در ماه مبارک رمضان:
125	تلاوت حکمت:
126	قرائت سوره قیامت:
128	علم و عمل:
130	حق مال را ادا کردن:
131	شرم از خداوند متعال و راضی به قضای الهی:
132	قربانی کردن
133	فصل پنجم: پرسش هایی پیرامون صراط
133	فلسفه عبور از صراط
134	نخستین کسی که بر صراط می رود، کیست؟
136	کتابنامه
154	فهرست مطالب